



LIBRARY OF CONGRESS  
6  
JUN 11 1980  
COPY  
ORDER DIVISION

دولت اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
کتابخانه ملی

رقیبون

دعایان و کلمات و روایات





های سرکانشی خاص کنو، اسماء، جو کسی، نورگل و نرنگ که در باغ ولایت کتر گرد آمده بودند رسانیده شد.

جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای ناحیه اول حزبی ساعت پنج بعد از ظهر ۲۹ نور در قصر ستور وزارت امور خارجه تشکیل و در مورد نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحث صورت

در آغاز بعد از آنکه هیات رئیسه جلسه اتفاق آراء تأیید گردید سلطانعلی گشتمند دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر پلان جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه منضم و جامعه ایراد کرده و نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب و بیانیه تاریخی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شو رای انقلابی و صدراعظم را در

دومین پلینوم کمیته مرکزی با ارزش ارزیابی نمود.

نمایشگاه عکاسی مربوط به المپیک ۱۹۸۰ مسکو تحت عنوان مسکو والمپیک عصر ۳۰ نور از طرف سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به همکاری وزارت اطلاعات و کلتور در سالن شادروالی کابل افتتاح شد.

در مراسم افتتاح این نمایشگاه دکتراناهیا راتب زاد وزیر تعلیم و تربیه و رئیس انجمن دوستی افغان و شوروی شاه محمد دوست وزیر امور خارجه بعضی از اعضای شورای انقلابی، کدر های برجسته حزبی و کارمندان عالی رتبه دولتی، سفیر کبیر اتحاد شوروی و بعضی از سفرای کبار کشور های دوست مقیم کابل اشتراک نموده بودند.



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه رام ساسی معین وزارت خارجه هند را برای ملاقات بحضور پذیرفتند

باساس پیشنهاد وزارت فواید عامه خریداری وسایط و پیرزه جات طرف ضرورت ریاست میخائیلکی فواید عامه به قیمت اضافه از پنج

میلیون و نهصد و هشتاد و چهار هزار دالر از کمینی های اتحاد شوروی، چکوسلواکیا، رومانی و جاپان منظور گردید. نظر بدرخواست وزارت معادن و صنایع خریداری ششصد هزار خریطه پولی اتیلین ضرورت فابریکه کود مزار شریف با افتتاح لیتراف کریدت آن از کمینی توزای جابانی منظور شد.

دروها و شادباش های صمیمانه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲۹ نور توسط نظام الدین تهذیب عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو شورای انقلابی به مشران و نمایندگان مردم ولوالی

ولایت هرات بر گزار شد به مردم زحمتکش آن ولایت ابلاغ گردید.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۲۸ نور ۱۴ سانبی معین وزارت امور خارجه هند را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند.

تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران روز ۲۹ نور دومین شورای انقلابی جلسه نمود. شورای وزیران در جلسه همان روز خود ضمن غور و صدور فیصله روی یک سلسله پیشنهادات وزارت ها، درباره مسائل آتی تصمیم اتخاذ نمود.

## اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد، از طرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه به مناسبت انتخاب چوین میاتوویچ بحیثیت رئیس ریاست جمهوری جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا عنوانی موصوف به بلگراد مخابره گردیده است.

سلام های گرم ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم روز ۲۶ نور توسط عبدالمجید سر بلند عضو کمیته مرکزی حزب، عضو شورای انقلابی و وزیر اطلاعات و کلتور طی گردیم آبی وسیعی که در باغ



سلطانعلی گشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی، معاون صدر اعظم و وزیر امور پلانگذاری هنگام ایراد بیانیه در جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای ناحیه اول الف حزبی



رهقه! حزب دموکراتیک خلق افغانستان که زنده است که بشکل دائمی با

ارتباط نامحسوسی به تغییرات انقلابی جا همه تکامل می نماید.

ببرک کارمل

## دربین شماره

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹-۲۴۰۰ می ۱۹۸۰

# دست نیر و مند صلح و دوستی بسوی همسایگان

را برای خود ایجاد نماید . خلق افغانستان مصمم است تا از آزادی و استقلال کشور و از حقوق خود برای تعیین نظام اقتصادی و اجتماعی شان دفاع نمایند .

بعد از پخش این اعلامیه یکبار دیگر برای جهانیان به الیات رسید که مردم و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان واقعاً موضع صلح‌دوستانه در منطقه داشته و آنچه را اعلام می‌نماید صادقانه در جهت آشتی می‌ورزد . چنانچه مطبوعات جهان بصورت وسیع و گسترده از آن استقبال نمودند .

بگذار در مقابل هر عمل انقلابی دولت ما و در مقابل آرمان های والای مردم ما در جهت تأمین صلح و آرامش در منطقه که همه به آن واقعا نیاز دارند عمل بالمثل صورت گیرد و این دست صلح و دوستی ، صفای صمیمیت راستی و صداقت که عملاً دراز گردیده خلق های کشور های منطقه را هر چه بیشتر با هم متحد سازد و مساعی مشترک نیرو های انقلابی صلح استوار و جاودان را به ارمغان آورد . ما یقین داریم که عمل ویر خرد انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان هرگز بی تأثیر بوده نمی تواند و اگر چه تخریباتی در مقابل پیاده گردد باز هم مشی انسانی ما را در باره دو سستی با مردم منطقه تغییر ندهد و این روابط بالاخره جوشش خورده و مستحکام می یابد .

آنچه درین میان روشن است شکست ارتجاع و امپریالیزم می باشد که عاملین اصلی ایجاد تنش و نا آرامی ، تشویش و دهشت افکنی در منطقه و جهان است .

به پیش در جهت انکشاف روابط دوستانه خلق های منطقه .

زنده باد مردم سر بلند افغانستان بر افراشته باد درفش صلح و دوستی میان ملل .

افغانستان راه اصولی را در پیش گرفته بودند . یکجا با مردم به یکبار ادامه دادند و قدرت جبار امین فاشیست و پانده تپیکارش را بتاريخ ۶ جنی ۱۳۵۸ سرنگون نمودند که بعد از آن نیز مداخلات ارتجاع و امپریالیزم باز هم بیشتر از پیش وسعت یافت و بد بخانه این دست درازی تاکنون نیز ادامه دارد .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از مرحله نوین انقلاب نور که با قیام ۶ جنی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردید ، از همان روز اول با تخریبانات انقلابی حسن نیت خود را در جهت دو سستی با کشورهای منطقه و جهان اعلام داشت و درین مسیر باز هم لحظه ای آرام نه نشست چنانچه به ارتباط استاد و لقی مداخلات خارجی در امور داخلی افغانستان ، یکبار دیگر دولت انقلابی افغانستان در روشنی مشی صلح‌دوستانه و انسانی خویش با نشر اعلامیه ای در زمینه انکشاف روابط افغانستان با ایران و علی‌رسانخی روابط میان افغانستان و پاکستان اعلامیه ای را به نشر سپرد که خوددست نیرو مندیت که از طرف مردم و دولت افغانستان بسوی کشور های همسایه دراز گردیده و این عمل انقلابی از منابت و پایداری و خصلت انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان سر چشمه میگردد که اهمیت و مقامش در تاریخ معاصر منطقه با ارزشی بوده و نیت صادقانه دولت انقلابی افغانستان را در زمینه دوستی با کشور های منطقه و جهان می نمایاند .

چنانچه در همین اعلامیه می خوانیم «خلق افغانستان می خواهد در شرایط صلح ، انکشاف مناسب دوستانه و همکاری با همسایگان کشور های مسلمان و تمام تول جهان حیات نوینی

نیازی به الیات ندارد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، دولت قانونی مردم این سر زمین کمپنستال و تاریخی می باشد که اکنون با کام های جدی و انقلابی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و غیره تمسایس توسط ها شاناز و نپدید قدرت های ارتجاعی و عقبی او شبکه های تخریبی امپریالیستی به پیش میروند و این نیز بر زمان است که باید افغانستان انقلابی به پیش رود و هر خسی و خاشاکی را که در مقابلش قرار گیرد انیسر

راشتی جابوب نموده و طبق پلان در جهت ترقی و تعالی مردم این وطن اهداف انقلابی را تطبیق نماید . به این ارتباط ، بعد از انقلاب شکوهمند نور ، آنگاهیکه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مشی و پروگرام دگرگونی ها را در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت تول جهان افغانستان انقلابی را بر مسیت شناخت و روابط افغانستان آزاد و مستقل در کام اول پساکول همسایه تأمین گردید و افغانستان قبر مانانه در چوکات پروگرام های سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های بین المللی در خشد . این بیروزی و گامگذاری مردم مستعدیده و داغ‌دیده افغانستان آتش بجان دشمنان سوگند

خورده خلق افگند و از داخل و خارج شبکه های تخریبی امپریالیستی بصورت مشخص در امور داخلی افغانستان مداخله نمودند تا آنجائیکه انقلاب از مسیر اصولی آن به بیراهه کشانده شد و حقیقت الله امین در داس قدرت لبرار گرفت و تا توانست در سرگولی نیت و انقلاب و رزمندان واقعی و سر سردگان راه آزادی و استقلال و سعادت مردم کوشید وجه جنایات نابخشوندی و شرم آوری که بابانده آدمکش و چالانش مر تکب نگردید ؟

اما میارزان ، فرزندان آگاه و صدیق مردم آنهایی که در حزب دموکراتیک خلق

افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه کشورهاست

تگرشی کوتاه و شتابنده به دو تشریه تازه کشور

زهد: دموکراتیک جمهوری دولت اساسی اصول به دموکراتیکو ....

سلسله گفت‌وگوها و نشست های اختصاصی ژوندون دهمیزگرد

زندگی نامه هوچی مین

اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان

دکور په لارگی

تصویب اصول اساسی ج.م.ا.ف. گام فراخی است در جهت بیروزی

زنان آزادهای ما این شمل داران و اما آزادی

در محکمه فامیلی چغیر است؟

عشق به انسان

شرح پشتی سوم :

هوفتان صلحشور دحمتکش و وطنپرست کوچی ما دوباره به آغوش گرم و پراز محبت در وطن برمی گردند و با حزب و دولت ملی و دموکراتیک خود یکجا در کار و یکپارگانقلابی - در راه اعمار وطن همدست می شوند .







اعلامیه حکومت ج، د'ایکبار دیگر ثابت می کند که:

# افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه کشورهاست

مردم افغانستان در طول تاریخ به دوستی و صلح بین همه مردمان و کشور های گیتی علاقمند بوده و است همانطوریکه می دانیم زمانی افغانستان محل عبور کاروان های طویل تجارتي که در تاریخ بنام راه ابریشم نامیده شده است، بود و مردمان سایر کشور های این کشور را پخت یک کشور دوست شناخته و باطمینان کامل به این کشور رفت و آمد نموده و هکذا در نتیجه این رفت و آمد ها علاقایی نزدیک و دوستانه بین مردمان افغانستان و سایر کشور ها بخصوص کشور های همجوار قایم می شد. ولی با تاسف باید اظهار داشت که در گذشته ها چون حکومت ارتجاعی و فئودالی نمایندگان واقعی مردم ما نبودند و تنها از طبقات حاکمیه ارتجاعی وقت نمایندگی می کردند نمی توانستند و نمی خواستند روحیه صلح جویانه و حسن نیت مردم ما را در قبال مردمان و کشور های جهان انعکاس دهند از همینرو دولت های ارتجاعی سابق بیچ صورت سیاست عداقانه و واقعی را پیش نمی بردند بلکه سیاست نزو- یرویی و تأمین کننده منافع خود و متحدین بین المللی خود را پیش می بردند.

مردم افغانستان در طول تاریخ برای اولین بار موفق شدند تا با به پیروزی رسیدن انقلاب زنجیر شکن نور حکومتی را بر میان بیاورند که واقعا از خود آنها، نمایندگی خود شان و انعکاس دهنده آرمان ها و احساسات خود شان باشد. آری دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان که با پیروزی انقلاب نور تشکیل گردید در تاریخ اولین دولت واقعا ملی و واقعا مردمی در افغانستان میباشد و اما با تاسف باید گفت که چون اتحادچنین سیاستی مخالف منافع امپریالیزم و ارتجاع بودید از چندی نسبت به مذهب هلو دسیسه های ارتجاعی و امپریالیستی این سیاست به بیراهه رفت و حیثیت الله امین این جاسوس خائن و سفاک نه تنها نمی توانست و نمی خواست مطابق خواست مردم ما عمل نماید لذا برخلاف اراده مردم دولت افغانستان را چهره مساحی سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست بین المللی به گمراهی کشانید بطور مثال موضع گیری امین جاسوس در قبال انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی مردم ایران عینا مطابق خواست امپریالیزم

در رأس امپریالیزم آمریکا بود این اجنت سی، آئی، ای خیره سرانه و پیشرفته از سیاست امپریالیزم در برابر مردم ایران پیروی می نمود. ولی چون امین و باند فساد پیشه اش خلاف روند تاریخ و خلاف خواست مردم عمل می کرد بسیار زود طوفان خشم مردم او را از ریشه پر کند و نا بود ساخت، آری مردم افغانستان به پایمردی اردوی رهایی بخش خود و به ابتکار و رهبری زعامت انقلابی حزب و دولت مترقی توسط قیام پیروز مندانهای ششم جلدی ۱۳۵۸ یکبار دیگر در عمل ثابت کردند که خواست و اراده شان محور و اساس تحول و عمل است و هر آنکسی که بناق بر مرزیر قدرت و اراده شان تکیه بزند بیزیر می آنگذند و نابوش می کنند. زعامت مرحله ی نوین و تکاملی انقلاب نور دوباره افغانستان انقلابی را به راه اصلی و سراط المستقیم سوق دادند. چنانچه لبرک کارمل طی بیانیه ملی و تاریخی شام ششم جدی ۵۸ خویش ضمن ارائه خط مشی سیاسی دولت در ساحه سیاست خارجی منجمه فرمودند:

از تاریخ نشر این بیانیه در حدود پنج ماه می گذرد جمهوری دموکراتیک افغانستان با دین عینی و حوصله ی فراخ منتظر عمل بالامل و دوستانه بود ولی بکمال تاسف باید اظهار داشت

که این حسن نیت دولت و حکومت ما باروی غیر دوستانه و نا عاقبت اندیشه ای محافل حاکمیه پاکستان مواجه گشت و آن دولت نه تنها در برابر این موضع گیری صلح جویانه حسن نیت نشان نداد بلکه خاک پاکستان را محل تریه و مسلح نمودن عناصر ارتجاعی و شرور ساخت و پیاده کننده نقشه های سوء امپری-

بالیزم، شونیسم و صیپولیسم در قبال افغانستان مردم افغانستان و انقلاب ملی و دموکراتیک نور گردید و با این اعمال خود صلح منطقه را با خطر جدی مواجه ساخت. از جانب دیگر در عرصه تبلیغات نیز سرو صداهای پروپاگندگی و دروغین فراوانی را برآه انداخت. امپریالیزم آمریکا و عظمت طلبان مرتد چینی و سادات و بیگین و غیره توأم با این رویه خصمانه از هیچ نوع توطئه و دسیسه و تبلیغ رو گردان نشدند. حوادث سوم حوت در شهر کابل، شست گیری جاسوس مصری بنام ضیاءالدین محمود که از طریق پاکستان در وطن ما داخل و فعالیت جاسوسی می نمود و چندین سند انکار ناپذیر دیگر همه و همه نمایانگر موضع گیری خصمانه و موقف تجاوز کارانه ی زمامداران پاکستان، آمریکا، چین و سایر کشور های ارتجاعی امپریالیستی و تجاوز گر می باشد. این محافل در تبلیغات دروغین خود اولامستله اسلام و خطر بودن اسلام در افغانستان را طرح و تبلیغ می کنند، نالیا آنها کمک های متعددی و معنوی کشور دوست و برادر افغانستان یعنی اتحاد شوروی را بخصوص کمک نظامی اعزام دسته های محدود نظامی آن کشور را که به اراده و خواست خود مردم افغانستان و برای طرد تجاوز بیگانه بخصوص از خاک پاکستان و به اساس معاهده ی دسمبر ۱۹۷۸ صورت گرفته است، قلب جلوه داده و آنرا به اصطلاح تجاوز بر افغانستان قلمداد می کنند و بالاخره بسیار بشرمانه تبلیغ صورت می گرفت و صورت می گیرد که گویا افغانستان از طرف اتحاد شوروی اشغال شده است. این تبلیغات و تحریکات و روغ پراگنی ها بحدی وسیع و عام کمیخته صورت گرفت که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان یکبار دیگر جهت بر ملا شدن واقعیت بتاریخ

۲۴ نور ضمن نشر اعلامیه ی موضع اصولی صلح خواهانه و واقع بینانه ی مردم افغانستان را توضیح نمود. یعنی همانطوریکه ما بارها گفته ایم ارتش محدودیکه بنا برخواست مردم و حکومت قانونی افغانستان به کشور ما آمده برای تجاوز و اشغال نی بلکه برای یاری رسانیدن به مردم افغانستان در راه دفع و طرد تجاوزات ارتجاع منطقه، ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع شوونیستی صورت گرفته است و هر زمانیکه این تهدیدات مرتفع شود ضرورت موجودیت این قوا نیز از بین می رود. ثانی اینکه اسلام برای اولین بار در افغانستان بشکل واقعی و راستین آن ساحه فعالیت یافته است و دولت و زعامت انقلابی ما بار عا طی اعلامیه ها با بیانیه ها و بالخصوص در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که می توان آنرا قانون اساسی موقت جمهوری دموکراتیک افغانستان نامید مؤکدا طر هداری دفاع و احترام بدین اسلام و مناسک مذهبی، اظهار شده است. چنانچه در ماده (۵) اصول اساسی ج، د، ا چنین گفته شده است: «در جمهوری دموکراتیک افغانستان احترام رعایت و حفظ دین مبین اسلام تأمین می شود و آزادی اجرای مراسم مذهبی و دینی برای تمام مسلمانان تضمین می گردد...»

لذا آن همه چرندیات و دروغ پردازی هاییکه از طرف محافل ارتجاعی و امپریالیستی جهانی علیه مردم و انقلاب مردم افغانستان می شود همه و همه بسبب بر باد شدن منافع و مواضع آنها در کشور ما می باشد. حزب و دولت و حکومت انقلابی، برای اینکه یکبار دیگر موضع اصولی، صلح جویانه و صادقانه ی خود را برای ایجاد تفاهم و اراده ی سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و خواهان بودن دوستی و حسن هم جوار ی باکشور های همسایه اعلام میدارد حکومت و مردم افغانستان با به پیروزی رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و ضد کمپراد وری یعنی انقلاب نور تصمیم راسخ، قاطع و خلل ناپذیر دارند که به پیش بسوی آزمان های والای انسانی بروند اگر امپریالیزم و



# نگاهی کوتاه و شتابان به دین و سیاست در افغانستان

نا پذیر امور عسکری را از رفقای شوروی خویش فراگیرند و از تجارب ارزنده شان استفاده ببرند، دروسی که در کوهها و صحراها، پولیگوها میدانهای انداخت و میدانهای در یوری تا تکها پیش برده میشود باید با مهارت و توانایی قابل ملاحظه ای توانا باشند...

«د افغانستان دخلک دموکراتیک موند دملی آزادی پخنیو تکی اړوند لارښود پسه

توگه» عنوان مضمون با ارزش دیگر...

است پیرامون رهبری خرد مندا نه و علمی واصول حزب از اړوند که برید جنرال گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان آثرا به نگارش آورده است.

«صحنی با خوانندگان» عنوان

د افغانستان و قاندار ملگری «شعری زیر عنوان «به لنین» «الاعات» و قانع، حوادث در جهان، پنهان»

«رویداد های مهم کشورهای مترقی» در قلمرو فرهنگ و هنر «مسابقات المپیاد ۱۹۸۰» و «اهمیت سواد» عناوین دیگری است که در نخستین شماره نشریه «حقیقت سر باز» به چشم می خورد و نشان میدهند که گردانندگان این روزنامه نه تنها کوشیده اند در مضمون نشراتی این نشریه به ارزش به آگاهی رساندن در زمینه های مسلکی و پهلوی های سیاسی و اجتماعی او لیت هارا در نظر بگیرند بلکه با گردآوری های جالبی که در بخش های فرهنگی و هنر، ورزش، و موضوعات اطلاعاتی و خبری دارند هیچ گونه توقع خواننده مشکل پسند را از یک روزنامه خبری و آموزشی از یک نبرد اند تا آنجا که اگر شما ره های این نشریه کلمه شنود شود خواننده در آخر سال در واقع صاحب دایره المعارف شده است که ارزش نگارگری در کتابخانه ها را دارا میباشد.

نشر نشریه «حقیقت سر باز» که به زودی حقیقت روزنامه را خواهد یافت به وزارت دفاع ملی به همه روشنفکران جامعه به سر بازان و افسران اردوی قهرمانان افغانستان و خوانندگان و علاقمندان آن و کارکنان با ذوق آن صمیمانه شاد بماند میگویم و آرزو دارم این روزنامه مؤثر در رساندن پیام های انقلاب و اهدای فواید آن هر روز پیروز تر از روز پیش باشد.

بقیه در صفحه ۱۹  
ژوئوژو

و اردوی قهرمانان ما نقش شایسته خود را ایفا نماید.

انقلاب و طین و مردم ما با دشمنان گوناگون و محیل در نبرد اند، روزنامه «حقیقت سر باز» در امر افشای جنایات، تجا و زلات، توطئه ها و دسائیس امپریالیزم و دیگر دشمنان مردم ما بر علیه منافع حیاتی و دفاعی کشور خواهد داشت.

ملی خلق ما، در امر انعکاس و تفه و فداکاری، دلبیری و قهرمانی های افسران سر بازان و خرد ضابطان اردوی آزادی بخش ما که در سنگر دفاع از انقلاب و وطن و مردم مر دانه می رزمند و در امر تقویت روحیه شریفانه وفاداری بوطن، مردم و انقلاب نقش بی غلطی را با ید ایضا نماید.

روزنامه «حقیقت سر باز» با ید بازبان بی تکلیف و ساده حقیقت گوی خود، آموزگار، رفیق و یار و یاور خوبی برای سر بازان و افسران قوای مسلح ملی ما باشد... برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی با نگارش زیر عنوان «از میهن انقلابی تا ن دفاع کنید» با تحلیلی همه جا نیه از اوضاع و شرایط کنونی انقلاب در برابر پانده های خراب کار و ضد انقلاب موجود دیت قطعات محدود کشور دوست ما اتحاد شوروی را به خاطر جلوگیری از نفوذ امپریالیزم خونین در کشور ما امری ضروری میدانند و در این مورد چنین می نگارد:

«... قوماندانان، کارکنان سیاسی و فعالین سازمان های جوانان و فعالین حزبی باید به افسران، خرد ضابطان و سر بازان معاونت های سیاسی، معنوی، اقتصادی و نظامی اتحاد جماهیر شوروی را به میهن ما تشریح و توضیح نموده در تربیت همه جا نیه پرسونل مسر بوط با روحیه دوستی و برادری با عساکر قوای مسلح شوروی بگویند. عساکر ما مکلف اند به صورت خستگی

نخستین شماره نشریه «حقیقت سر باز» در هشت صفحه به قطع روزنامه از نشر برآمد این نشریه تازه که حیثیت ارگان مرکزی وزارت دفاع کشور را دارا بوده و عهده دار پیش و گسترش آگاهی و دانش در میان سر بازان، افسران و کارکنان امور نظامی کشور میباشد. بدین شک با جهت گیری مثبت و فعال نشراتی خود بعد از این توقف پر خواننده ترین روزنامه کشور را در میان سر بازان و افسران و همه دست اندر کاران امور نظامی و دفاعی کشور خواهد داشت.

بسیار کار عملی منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان - رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان با توجهی که به نقش سازنده مطبوعات در این مقطع خاصی تاریخ پر شکوه کشور ما دارند، در پیای عنوانی این نشریه که در صفحه اول آن به نشر رسیده است خاطر نشان می سازند که: «... قبل از پیروزی انقلاب نور - در دوران زمامداری رژیم های فاسد فساد خالی سخنی از روزنامه نظامی در میان نبود، زیرا هیات های حاکمه ای وقت از نقش چنین ارگان نشراتی در امر بسیج و دو شگرزی سیاسی در میان نظامیان در هراس بودند، آنها از ره آورد فکری این چنین ارگانی در میان توده های سر باز و افسر می ترسیدند...»

بیرک کارمل بعد از تحلیل اوضاعی که در مجموع خود موجب پیروزی انقلاب نور در کشور ما گردید در مورد رسانندگی که این نشریه با ید آثرا به عنوان منشی نشراتی خود پذیرد چنین تاکید می کنند:

«... روزنامه «حقیقت سر باز» با ید یازتاب صادق حقیقت پیروزی انقلاب نور در برابر ضد انقلاب باشد. روزنامه باید در راه تطبیق نظریات انقلابی، حفظ دست آوردهای انقلاب نور، فراخوانی مردم در راه ساختن افغانستان نوین، آباد، مرفه، مترقی و سر بلند، تحکیم رشته های گسست نا پذیر عینی بین توده های ملوکی مردم زحمت کش



بگذارد حقیقت سرباز مظهر ظفر مندی بخیا به سربازان و افسران و لیس به بابا شد و «میرک کارل»

اول می روز همبستگی کارگران  
در سراسر کشور تجلیل گردید

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

پیام شاد فاض قوای مصلح  
بمناسبت اول می - روز  
همپسنگی رحمتکش از جهان  
به کارم ان افغانستان

که از طرف خود خبر از عیدالله در حبس آید  
خوبه. بعد از آن که در حبس است و از آن  
کسی که در حبس است و از آن کسی که در حبس است  
دو نفر از خلق عیدالله را می‌برد

[illegible]

ببرك كارمل  
كارتهای افسرانی را كه در تبه جنرالی ترفیع  
كردند اندوخته نمود:

ملشی عمومی کتبه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی  
مستوفای جنوری کمونیست اتحاد شوروی  
شورای فدرال اتحاد جماهیر شوروی

[illegible]

بريد جمال محمد رفيع وزير دفاع علي  
در كنفرانس نيوركي - نظامي كه در قرارگاه  
وزارت دفاع ملي برنگارشد است. روزي

[illegible]

د شور د ژغورندو انقلاب  
د وږمه کړايز په شاندارو  
مراسمو سره و نمازېدل شو

[illegible]

د تورو د پوښتنې لپاره د پوښتنې د وروستۍ  
کتابچې لپاره د پوښتنې د وروستۍ  
کتابچې لپاره د پوښتنې د وروستۍ

[illegible]

۱۳۰۲ هـ در این روز که جمعه است و در این روز که جمعه است



سا  
سا  
۲۰۸  
نموده  
تا  
شفا  
تکمیل  
بر ع  
نظمان  
آورده  
شفا  
گرد  
سا  
بود  
آغاز  
وجو  
شور  
داده  
ولا  
وسمن  
ش  
ای  
کمک  
کند  
تکمیل  
مهند  
اعضا  
آیند  
شود  
۱۳۶۰  
مذکور  
مردمان  
استفاد  
که ا  
فتی

منظوری به کجا آنجا میده است با توجه  
ارزش که این شفاخانه ها مخصوصا  
در شرا یط کنونی در معالجه بیماران  
ولایات دارند وزارت صحت عامه چه  
تجارتی را برای تکمیل آن کرده  
است ؟

چون شفاخانه های فعلی در ولایات  
نمیوانست بصورت صحیح جوابگو یی  
نیازمند بپای مردم گردند و ناگزیر  
مجبور بودند برای تداوی خویش بجهت  
شفاخانه های مراکز مراجعه نمایند و وزارت  
صحت عامه دولت جمهوری شیو کرایت  
افغانستان با پیروی از خطوط اساسی  
کشور برای جلوگیری از تراکم مراجعین  
در شفاخانه های مرکزی و عدم سرگردانی  
مردم تصمیم گرفت در پنج ولایت کشور  
شفاخانه های حوزوی بپایان ۲۰۰ الی  
۲۵۰ بستر اعزام نماید.

با اعمار این شفاخانه ها نه تنها خدمات  
صحی به پیمانه و سیطر و خوبتر به مردم  
صورت خواهد گرفت بلکه بجهت بیک  
مرکز دیسرج و تریننگ فعالیتهای  
در مساجات مختلف از آنها استفاده خواهد  
آمد.

شفاخانه - حوزه کند هار در اواخر سال  
۱۳۵۷ بطرفیت ۲۵۰ بستر تکمیل و افتتاح  
و شروع به فعالیت نموده است از این شفاخانه  
بر علاوه اهالی ولایت کند هار مردمان  
ولایت ارزگان هلمند - نیریز و ژا بی  
استفاده مینمایند.

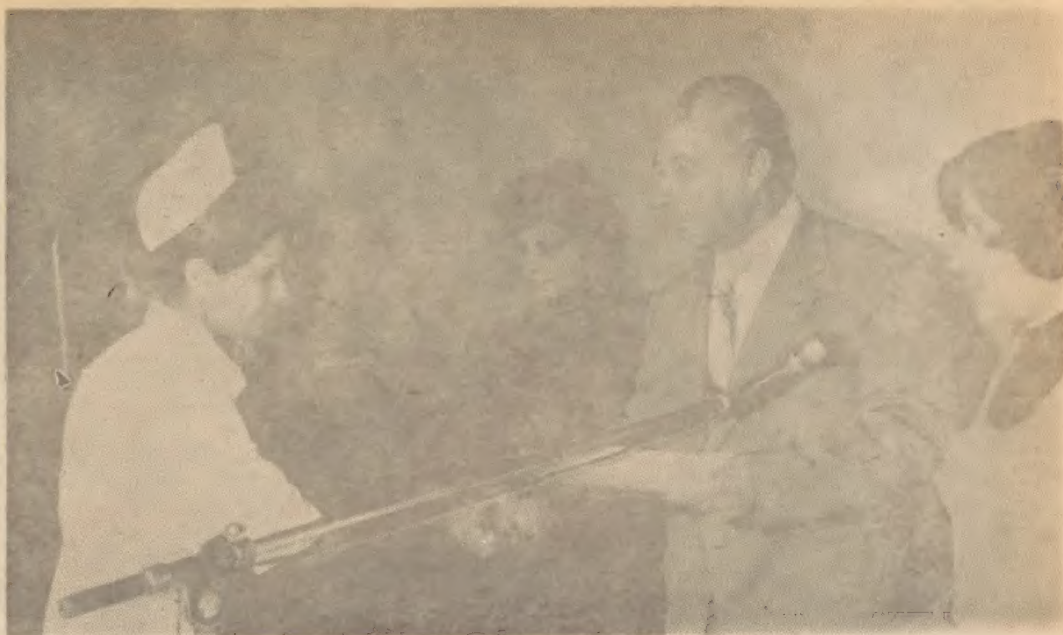
شفاخانه حوزوی هرات :  
کار ساختمانی شفاخانه مذکور  
بطرفیت ۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۵ درجه  
دستگاه ساختمانی بنائی شروع و الی  
اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد  
پیشرفت نموده است امید می رود در اواخر  
سال ۱۳۶۰ کار ساختمانی آن خاتمه  
آماده بهره برداری گردد.

از این شفاخانه بر علاوه اهالی ولایت  
هرات مردمان ولایات فراه باغیس و غور  
استفاده مینمایند.

شفاخانه جلال آباد -  
کار ساختمانی شفاخانه مذکور بطرفیت  
۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۱ درجه دستگاه  
ساختمانی بنائی آغاز گردید و امروز



یکی از راه های حمایت از مادران حامله است.



وزیر صحت عامه در حالیکه تصدیق میگرداند نوس قابلگی را توزیع میکند

وزیر صحت عامه میگوید :

## از پنج تاد سال دیگر تعمیم

## صحت در کشور عاملی میگردد

ما هم چنان بلند است که دو کشور آن  
با آن تفتی که مریضان را در معالجه  
خانه های شخصی خود می بینند در کلینیک  
های مجانی مورد معالجه قرار نمیدهند  
چگونه میتوانیم نقش این کلینیک ها را  
تر بسا زیم شما نباید انتظار داشته باشید  
همه ی امور و از جمله امر مهم ملسی  
شدن طبابت که بصورت در ریچی به عمل  
پیاده میگردد بیکاره یی حل شود این  
درست است که تا اندازه اتفاق شما بجا  
میباشد. اما مادر قدم نخست کیفیت موضوع  
را بیشتر از کمیت آن در نظر داریم. به  
این مفهوم که ایجاد روحیه طبابت در  
خدمت مردم قرار گرفتن است که در این  
مرحله ارزش وافر دارد. اینکه بعضی از  
دو کشور آن در کلینیک های مجانی بیماران  
را در دست مورد معالجه قرار نمیدهند -  
ما تا کنون با چنین اتفاق دادنی بسه  
وسيله مریضان را نوا چه تشنه بیم  
و اگر بشوریم.

آنها زیر تعقیب اصولی قرار میدهند  
و اگر بشوریم آنها زیر تعقیب اصولی قرار میدهند  
از طرف دیگر شما نقش اقتصادی این  
کلینیک ها را زیاد موثر نمیدانید چرا  
موضوع را به این شکل طرح می کنید ؟  
چرا نمی خواهید قبول کنید که در اقتصاد  
در شکسته مردم ما بیش از سه تا بیست  
با رازان شدن انویه و مجانی بودن  
معاینه بی تاثیر نمیشود ؟ و استقبال گرم

بلیغات و تعلیمات صحی دو سال  
۱۳۵۹ تو سه نموده تا با وسایل و میتود  
های جدید تبلیغ و تعلیم صحی را گسترش  
دهند و سال های آینده به دیگر ولایات  
کشور نیز واحدهای تعلیمات صحی تاسیس  
خواهند شد و هم در کنترل امراض سادی  
که يك جزء اپیدمیولوژی میباشد  
از قبیل اسهالات موسمی دیفتری تراخم  
امراض مقاربتی و بر کلوز شام های  
وسیع بر داشته شده و امسال جهت رفیع  
نقصیه به کم آبی اطفال جهت هایدرس  
اطفال شهر کابل و تمام ولایات مراکز  
تا مینس گردید. تا اطفال مصاب به کم  
آبی اسهالات نوا دار توسط پاکت  
های مخصوص دوباره احیاء گردند همچنان

در قسمت صحی ساختن فابریکات شهر  
ها و منازل پروگرام های در دست اجرا  
است که در سال جاری به فعالیت آغاز  
می نمایند به این ترتیب در قسمت عرصه  
مواد غذایی سالم بعد از معاینه و کنترل  
اقدامات میشود و در زمینه پلان های ساخته  
شده عملی میگردد.

کلینیک های مجانی با اینکه در خدمت  
مردم قرار دارند اما نقش اقتصادی قوی ندارند  
به این دلیل که بیماری که مجبور است  
به خاطر معالجه و خریدن دارو بول هنگفتی  
را بپردازد پرداخت فیس دو کشور برای  
زیاد مشکل نیست - از این گذشته اعتراض





نمایی از گرسنگی و بی غذایی کودکانی که به سوء تغذی مصاب بوده اکثر محکوم به مرگ بودند

ما ختمانی مر حله اول آن خا تمه یا فته  
ما ختمانی مر حله دوم آن الی اخیر سل  
۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد پیشرفت  
نموده است .

تا گفته نباید گذاشت که کار ساختمانی  
شفا خا نه مذکور در اواخر سال ۱۳۵۹  
تکمیل خواهد گردید . از شفا خا نه مذکور  
بر علاوه اهالی ولایت ننگر هار مردمان ولایات  
نغان و کنر ها استفاده بعمل خواهند  
آورد .

### شفاخانه حوزوی مزار شریف :

نقشه ها و زمین شفاخانه مذکور آماده  
گردید و قرار داد ساختمانی آن با دستگاه  
ما ختمانی بنا می شد شده است قرار  
بود کار ما ختمانی آن در سال ۱۳۵۹  
آغاز یابد لیکن بنا بر عدم موجودیت  
وجوه کمک از جانب دولت عربستان سعودی  
شروع کار شفاخانه مذکور به علل قرار  
داده شد از شفاخانه مذکور بر علاوه اهالی  
ولایت بلخ و ولایت جوزجان فاریاب  
و سمنگان استفاده خواهند نمود .

### شفا خانه حوزوی گندز :

این شفاخانه بطرفیت ۲۰۰ متر به  
کمک دولت دو ست اتحاد شوروی در ولایت  
گندز اعزام میگردد اسناد تخنیک آن  
تکمیل و پرو تو کول تهیه نقشه های  
مهندسی آن با مقامات اتحاد شوروی  
امضاء گردیده و قرار است طی ۱۴ ماه  
آینده بدسترس مقامات افغانی گذاشته  
شود .

کار ساختمانی آن در اوایل سال  
۱۳۶۰ آغاز خواهد یافت از شفاخانه  
مذکور بر علاوه اهالی ولایت کندز  
مردمان ولایات بدخشان بغلان و تخار  
استفاده مینمایند .

کمبود نرس قابل مخصصه در خدمات  
که اکثر تولدات بوسیله دایه های غیر  
فنی صورت می گیرد عواقب ناگوار و زیان

می آورد برای دفع این مضله شفا خانه  
می کنید ؟

سدر این مورد باید بگوئیم که جهت  
حل این مضله علاوه بر اینکه به تربیه  
بیشتر معاونین نرس قابل پر دا خسه  
میشود وزارت صحت عامه تحت پروگرام  
مراقبت های اولیه صحت به تربیه کارگران  
صحت انانیه و دایه های محلی می پردازد  
به اساس این پروگرام تا فعلا بیش از  
۷۰۰ نفر دایه های محلی در ولسوالی  
های مختلفه مملکت تربیه گردیده و قرار

است تاخیر پروژه در تمام فرای کشور دایه  
های محلی تربیه گردند . جهت عرضه  
بهرت خدمات صحتی اما سی در مراکز  
صحتی اما سی و مخصوصا خدمات حمایت  
طفل و مادر که از جهت کمبود معاونین نرس  
قابل از نظر کیفی و کمی نواقص را در  
بر دارد دختران با سواد و لسانی ها و  
علاقه داری های کشور با تدریس نظری  
کوتاه مدت تحت پروگرام تربیه  
کارگران انانیه صحتی تربیه خواهند  
گردید تا کمبود معاون نرس قابل به  
را در این مراکز تکمیل نمایند .

سدر افغانستان هیچ موسسه و چوندندارد  
که از حقوق بیمه و در برابر بی تو چپی  
و بی میلانی و یا احیاناً خیانته دوکوتوران  
و پرسونل طب به بیمه دفاع کنند  
دو کوران و پرسونل طب انجمن و یا  
اتحادیه بی ندارند که از حقوق و امتیازات  
شان دفاع بنمایند طب عدلی ساحه کار  
بسیار محدود دارد به عقیده شما  
آیا ضرورت نیست که اتحادیه های نو  
کتور را ن دفاع از حقوق صنفی شان و  
مراجع عدلی اختصاصی برای دفاع از حق  
بیمار بوجود آید ؟

طب عدلی بصورت يك رياست مستقل  
به همین منظور تأسیس گردیده و برای  
اینکه در آینده این ریاست در زمینه  
مواردی که شما از آن یاد کردید اقدام  
جواند انکشاف بیشتر خواهد یافت .

در مورد اینکه دو کوران اتحادیه  
صنفی داشته باشند تا کتون اقداماتی  
نشده اماند نظر است که زیر نظر مشاوران  
خارجی و با در نظر داشت اینکه این  
انجمن ها در کشور های مترقی نحوه  
کارشان بر چه پایه هایی استوار  
است تا میسای از این قبیل را به  
وجود آوریم که دو کوران خلاف کار در



بافعالیت گسترده بی که در راه اعزامی چیک صورت گرفت بالاخره این مرض ساری از کشور

دارخت بوبست

آن محاکمه شوند .

علاوه از آن با توجه به اینکه موسسات  
مختلفی صحت عامه رویه تراید بوسیله  
وقایع بشری مورد نیاز در حال رشد و  
انکشاف میباشند و هم اینکه موسسات مذکور  
از نگاه کیفیت علمی و مصلحتی بررسی  
و مواظبت شده بنویسند وزارت صحت عامه  
روی همین اصل ریاست قوانین صحتی و  
بررسی را در داخل تشکیل مستقل درمات  
جاری روی کار آورده که البته از همان  
مذکور چنینکه قانون صحت عامه مفردات

و لوایح و سایر ضمایم آن یکی پس  
دیگر طرح ، ترتیب ، تجدید و مورد  
تطبیق قرار گیرد میتواند در برابر بی  
میلانی ها و نیکه شما از آن متذکر  
شده اید معامله و بر خورد نمایند که  
خوشبختانه این معمول اروز میرود عنقریب  
بر آورده گردد .

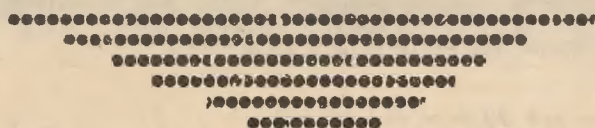
یکی از پروژه های که بعد از بیرونی  
انقلاب در افغانستان در دست اجرا گرفته  
شد تبدیل ساختن مراکز معالجویی به  
مراکز تربیوی و معالجویی بود که با این  
اقدام تا حدودی جلوگایرمانی های  
کمبود متخصصان طب در ساحات مختلف  
گرفته می شد اکنون این پروژه در حه  
موقتی قرار دارد و برای توسعه بیشتر  
آن چه اقداماتی را در طرح و اجرا  
دارید ؟

سدر روغونی های مرکز و انستیتوت  
های مربوط طب معالجویی در پهلوی  
عرضه خدمات معالجویی خدمات لابراتوری  
و سایر خدمات متعلقه معالجویی پروگرام  
های تربیوی برای کسبوری پرسونل  
مختلفه مورد نیاز از پیشبرده میشود .

در روغونی ها و موسسات مذکور نظریه  
بقیه در صفحه ۴۵



# زموږ د دمو کړا تیک جمهوري دولت اساسي اصول په دمو کړا تیکو ارزښتونو ولاړدی



چې دافغانستان ددملک ددموکراتیک گوند دمر کزی کمیټې عمو مې منشی او دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت دانقلابي شورا رئیس اوسدر اعظم بیرک کارمل په خپل هغه رپوټ کې چې د حمل په پنځه ویشتمه نیټه یې دافغان شورا فوق العاده غونډې ته دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت داساسي اصولو دتصویب په مناسبت وړاندې کې په دې باب داسې اشاره کړې ده:

«اساسي اصول زموږ په هیواد کې دملی دموکراتیک انقلاب دراتلونکې ودې او بشپړتیا اود هغه دوروستې بری په برخه کې دافغانستان ددملک ددموکراتیک گوند دسیاسي کړنلارې مستقیم ښکارندوی دی او په هیواد کې ددموکراتیک گوند دعملی کولو اود خلکو ددموکراتیک دولت دتېنګولو له پاره کلک او ټینګې ستنې پیدا کوي.

داساسي اصولو تصویب دافغانستان دخلکو ترمنځ پيوستون دټینګښت او زموږ دهیواد دسیاسي نظم دگټو دولو دپاره دکورنیو او بهرنیو دښمنانو دهلو خلو دښمنانو دولو په لاره کې یو مهم دود دی.

په نظر کې نیول شوی دی او ددوی دهیلو او آرزو گانو سره سم تدوین اوتصویب شوی دی. دغه اساسي اصول زموږ دهیواد پالو خلکو دټولنیز، سیاسي، اقتصادي نظام دټینګښت اود هغوی په ورځني ژوندانه کې ددوی دآزادۍ داساسي حقونو او همدا رنگه ددوی دمسو لیتونو او وظیفو په ټاکنه کې عمده او اساسي رول لوبوي.

ددی اساسي اصولو په تصویب سره خودسری او سرکشی له منځه ځي او هیڅوک به دا حق ونه لري چې د خپلو شخصي گټو او غرضونو څخه دافغان ټولنې دنورو غېرو قانوني حقوق او آزادی تر پېښو لاندې کړي او یادا چې ددوی سوا کاله او آرام ژوند ته خطر پېښ کړي.

څرنگه چې زموږ زیار ایستونکي او مېرني هیواد وال دټوریر تمین انقلاب له بریالیتوب څخه د مخه فیوډالی او ماقبل فیوډالی شرايطو سخت خوړولی او کړولی دی نو په دې لحاظ سره دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت په اساسي اصولو کې هڅه شوی ده چې دزیار ایستونکو پر گټو له پاره دهر اړخیزې ودې اودموکراتیکو آزادۍ پراخه زمینه برابره کړي. لکه څنګه

ناری وهلي او په واقعیت کې یی دامیر یا لیزم دیو وفا دار نو کس په صفت دجېانې امیر یا لیزم او داخلي ارتجاع په خوښه دخلکو اوانقلاب دگټو په ضد عمل کاوه. نو په همدې دلیل سره دپیر ژر په هیواد کې دزیار ایستونکو پر گټو دکرکي سبب وگرځید. اودخلکو په خوړوړوړو گټو کې زموږ اکثر وطنوالو هغه ته په خپلې کرکې او نفرت سره ځواب ورکاوه.

خو له نیکه مرغه دټور انقلاب د نوي پړاو په رڼا کې دهیواد دټولو زیار کښو پر گټو او مترقي قشرونو اواصنافو ته دازمینه برابره شوه چې دپلاوطنی پراخې ملي جبهې په شاوخوا راټول شي، چې له یوې خوا د خپل گران هیواد اود ټور دپیر تمین انقلاب دگټو څخه ددفاع په سنگر کې اوله بلې خوا دخپل هیواد دآبادۍ په لاره کې به داوطلبان نه توگه پراخه برخه واخلي.

زموږ ددې خبرې رښتینوالی او واقعیت تر هر څه زیات دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت په اساسي اصولو کې ډیرښه ثابت کیدای شي. داځکه چې په دې اساسي اصولو کې دهیواد دټولو شریکو او مېړنیو خلکو ټولې مادې او معنوي اړتیاوې

دټور دپیر تمین انقلاب د نوي پړاو په بریالیتوب سره زموږ زیار ایستونکي ولس دخپل ټولنیز ژوندانه په یوه نوي تکاملي مرحله کې قدم کېښود او پدې ډول سرمد حفیظ الله امین دټور او وحشت دوره چې دیوې لنډې مودې له پاره یې زموږ په شریکو او بی دفاع خلکو ظالمانه استبدادو چلاوه پای ته ورسیده، او دټور دپیر تمین انقلاب چې زموږ دزیار ایستونکو او خواړه یکنیا نو له پاره دنوی، هوښیا او پتمن ژوند زېری گېل کړی له ماتې او سرکوب څخه بچ کړی شو. دکارگری طبقې دایډېالوژۍ د عامو قواو نیولو مخې یو هیڅوړ چې دهر انقلاب دبریالیتوب له پاره عیني او ذهني شرایط لازم دي اودټولو انقلابونو اساسي مسئله دسیاسي والک تر لاسه کول دي. کله چې یو گوند اود هغه رهبري به ټولنې ته کې دافغان عیني شرايطسېم درک کړي او د هغه څخه داستفادي سره سیاسي والک تر لاسه کړي نو د انقلاب د بریالیتوب او دوام له پاره وظیفه لري خو دخلکو پراخې پرگنې سیاست ته جلب او په اجتماعي، اقتصادي بڼه لونسو کې دهغوی مستقیم گډون تا میښ کړي. خو څرنگه چې غذا رحفیظ الله امین یوازې په خو له د انقلاب







سلسله گفت و شنود ها و نشست های انتصابی ژوندون در زیر

مسائل

سیاستی و اجتماعی ، فرهنگ و

هنر ، ترجمانان ، جوانان و خانواده ها

در این دور سخن:

۱- دکتر عبد الغفار لکنوال معین

اصلاحات ارضی .

۲- بهادر آفتاش رئیس تصفیه  
و ثبت .

۳- عبد المقصود شکو ری رئیس  
تنظیم امور ارضی .

۴- نجیر وهاب آصفی رئیس  
بانک انکشاف زراعتی

۵- عبد الطیف معا و ن ریاست  
عواید و زراعت مالیه

۶- عبد الجبار تابت مشاور  
ریاست تقنین و زراعت عدلیه

۷- حسین وفا سلجوقی مدیر  
نشرات و زراعت و اصلاحات  
ارضی

۸- علی احمد عضو کمیته ولایتی  
حزبی کابل

۹- غلام سخی

۱۰- محمد رحیم

۱۱- رجب علی

۱۲- محمد انور

۱۳- شاه ولی نماینده های دهقانان

نان ولسوالی های ولایت کابل  
اشتراک داشتند .

دایره دزدی و نفاق و انقار

زیر نظر د گروه مشورتی ژوندون

در تطبیق مرحله نخست

اصلاحات ارضی چه

اشتباهاتی رخ داد؟



نمای کامل از طرح و تطبیق مرحله

دوم اصلاحات ارضی در کشور و جدلی پیرامون آن



# بسم الله الرحمن الرحيم

زمیندار شریف در جنت کشتار

دولت فلیت شماره درج این سند و دفتر اسناد ثبت نیز می باشد مطابق ماده ۲۸۵ مسم  
اصول اساسی و در کمال یک افتخار و تعظیم می کند.

این سند در حق فروش، تزک، تعزیر، اجاره و سایر حقوق شماره درج شده است و در حق

الحکم تا فرزند می ماند.

دولت فلیت شماره درج این سند و دفتر اسناد ثبت نیز می باشد مطابق ماده ۲۸۵ مسم

مطابق که شماره درج این سند و دفتر اسناد ثبت نیز می باشد مطابق ماده ۲۸۵ مسم  
مجموعه در کمال یک افتخار و تعظیم می کند و در حق فروش، تزک، تعزیر، اجاره و سایر حقوق شماره درج شده است و در حق

مجموعه در کمال یک افتخار و تعظیم می کند و در حق فروش، تزک، تعزیر، اجاره و سایر حقوق شماره درج شده است و در حق  
دولت فلیت شماره درج این سند و دفتر اسناد ثبت نیز می باشد مطابق ماده ۲۸۵ مسم

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره درج این سند و دفتر اسناد ثبت نیز می باشد مطابق ماده ۲۸۵ مسم

فرهنگ و هنر و ، نو جوانان، جوانان  
و خانواد ده ها دایر گردد و در هر  
زمینه زنده ترین دانشمندان و مسو-  
ولان با صلاحیت به بحث نشینند.  
نخستین دور سخن ما در این-  
نو بت گشایشی، به بر دسی شیوه  
های کارمر حله اول تطبیق اصلا-  
حات ارضی در کشور و اشتبا ها تی  
که در نحوه پیا ده شلن آن وجود  
داشته است ، اختصار ص می یابد، و  
شنا سایی دو مین مر حله این-  
اصلا حات که به زودی کار آن  
آغاز خواهد گردید .

ما در این گرد هم بی جمعی از  
نمایندگان دهقانان را با مسوولان  
اصلاحات ارضی دور یک میز  
نشاندیم تا به گو نمرود درو بی  
دشواری ها به طرح آید و به آن پنا-  
سخ داده شود که امید وایم این  
کار مورد توجه خواننده آگاه و با  
ذوق قرار گیرد .

در انتظار پرسش ها انتقاد هلو نظر دهی  
های فرد فرد شما هستیم و آرزو دارم-  
ریم مسایلی را که از نظر شما به  
عنوان يك دشواری همگانی زندگی  
مردم میتواند تلقی گردد ، با مادر  
میان گذا رید . تاملاترا به شور  
و جدل گذاریم و بل های را بطه میان  
ما استحکام بیشتر بیا بد .  
شاد و پیروز مند باشیم .

• • •

سخن را در این دور جدل راحله راسخ خرمی  
بامروزی کوتاه و گذرا از مردم آبی های قبلی  
ژوندون و برای نتایج آن به آغاز می گردد و بعد  
از گفتاری پیرامون اهداف این مجله از تدویر  
چنین مردم آبی هایی یاد آوری میکند که جدل  
در دور این میز کاملاً آزاد است و هیچ پیرایه  
بی از تشریفات ندارد و هر يك از اشتراك  
کننده هابون در نظر داشت مقام اداری و یا اجتماعی  
همدیگر میتوانند روی گفته ها به نقد و انتقاد نظر  
دهی بپردازند و حله راسخ گوشزد میکند که  
بعد از نشر این سخن پراکنی هاهر گوینده  
مسوول گفته های خود بوده و ژوندون نه تنها  
در رد و یا ناپید آن نقشی ندارد بلکه هر اظهار  
نظر و یا احیاناً انتقادی را که از گفته ها به اداره  
برسد نشر خواهد کرد - اوبعد از این مقدمه  
پاراگراف این پرسش از همین اصلاحات ارضی بحث  
را به تطبیق اصلاحات ارضی میکشاند .

اهداف مرحله دوم اصلاحات ارضی درجه  
مواردی خلاصه میگردد و در مجموع کدام بخشی  
دشواری های امور زمینداری با تطبیق این مرحله  
اصلاحات ارضی حل میگردد . از نظر شهادت  
نخستین مرحله تطبیق اصلاحات ارضی چه اشتبا  
حات رخ داده و اثرات این اشتباهات اکنون  
چگونه به بررسی گرفته میشود ؟  
لطفاً ورق بزنید

اند ، دیگر نشریه خانواد ده ها  
نخواهد بود .

و ما این جدل هارا به این جهت  
دنبال می کنیم که می خواهم مجله  
ماموقف پر خواننده ترین نشریه  
خانوادگی را بیا بد و آنرا حفظ  
کند.

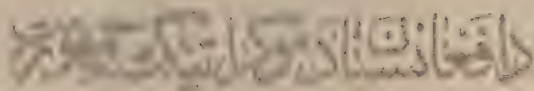
برای اینکه جدل های ما در گرد  
هم آبی که بعد از این مرتباً دا یر  
خواهم کرد يك رخ و يك جهت  
نیابد و در آن عمده ترین دشواری  
های زندگی همگانی مردم در بخش  
های فراوان به طرح آید گر و  
مشورتی ژوندون تصمیم گرفت  
این گفت و شنود ها بیشتر پیرامون  
مسایل ، سیاسی واجتماعی ،

طرح آمده است شاید بهتر این گواه  
این باشد که از آغاز کار این جدل ها تا  
کنون ، هیچ بحثی در ساحت  
مطبوعات نه به انداز این سلسله  
جدل ها جنجال برانگیز بوده است  
و نه هم با قیچی سانسورچیانسی  
که از پیرش رو حیه انتقاد پذیری  
هراس داشته اند ، آشنا شده است.  
سخن را کوتاه بگیریم ، ژو-  
ندون این تنها هفتگی نامه همه  
خانواد ده های کشور اگر زبان  
احساس و اندیشه خانواد ده های  
افغانستان نباشد و باز گو کننده  
دشواری ها ، نابسامانی ها و نا  
هنجاری های که دختران ، و پسران  
ما و مادران و پدران ما ، با آن روبرو

و اینك باز بعد از یکسال و اندکی که از  
سانسور بی رحمانه سلسله گفت  
و شنود های مادر دور میز گرد ژوند-  
ون میگردد ، بار دیگر آنرا به آغاز  
می گیریم و با همان مشی ژرف نگری  
و عمیق گرای بی به طرح همگانی  
ترین دشواری های زندگی مردم  
در بخش های گونه گونه آن می-  
پردازیم ، تا با بر دسی وانگیزه یابی  
همه جانبه کاوشگر راه ها و روش  
های اصلاحی باشیم که حلال  
مشکلات در زمینه های به جدل آورده  
شده باشد.

برای باز گو یی نقش اساسی این  
گرد هم آبی ها و آنچه از گفتنی ها  
که در دور میز های پیشین ما به





کتابخانه ملک محمد علی جناح

2/10/1911

باید پیش از آغاز کار اصلاحات ارضی جنبش های دهقانی باناسی و حمایت اتحادیه ها - صندوق هاو کهنه های دهقانی شروع میشد تا تقسیم عادلانه زمین بانسوارک خرد دهقانان و بدون اعمال زور و توفهمی شده میتوانست ونظام افسار و گروه های وسیع مردم به صورت جمهوری وآگاهانه در مقام دفاع آن میسرآمدند

که جنبش نیست

۳- در این مرحله تطبیق خلاف مفرد اول فراموشنامه هفتم دولت نسبت به حقوق بسیاری از هوطنان مای توجیهی های مروت گرفت که موجب حق تلفی های فراوان گردید و امروز این مساله که حقوق تلف شده آن عده بی گدرد جبران تطبیق مرحله اول تطبیق اصلاحات ارضی خلاف فرمان متصور نمده اند و باید ضرر شان جبران گردد یکی از دشواری های عمده یی است که ما با آن روبرو میباشیم .

۵- جنبش کوپراتیفی نه تنها تقویت نشد بلکه  
بأنحوه عملی که صورت گرفت ضعیف نیز  
ساخته شد .

۶- از طرح عملیاتی يك پلان علما تنظیم شده به منظور تزئید خا صالات زرا عتی علما جلوگیری شد .

۷- بالقو اداره اصلا حات ارضی کو نمش  
به عمل آمد که از تطبیق فرا حل بعدی  
اصلا حات ارضی در افغانستان چلو گیری  
شود .

۸- با ختم دوره اول اصلاحات ارضی  
که باید ختم هر حله نخست اعلام میگردد  
پایان تطبیق اصلاحات ارضی در کشور اعلام  
گردد .

و بدین ترتیب بلاد که در توره حکومت خود کامه امین این نما پنده امیر یا لیم خو نخوار به صورت شعوری از نما ارزش ها و دست آورد های که از تقبیق و فتنه اصلاحات از ضعیف متصور بود جلو گیری

هم میثاق ما آگاهی دارند که انقلاب شکوهمند  
نور بعد از آنکه در کشور ما به پیروزی رسید  
و قدرت سیاسی و از طبقات مترجع حاکم بسط  
طبقات زحمت کش محروم انتقال داد هائیکونه  
که و تلیفه هر انقلاب ضد امپریالیستی و ضد  
فیودالی میباید تا اساس تمام تحولات بنیادی  
قرار گیرد به رهبری حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان حزب پیش آهنگ طبقه کارگر کشور  
سلسله رفاه های را در دست اجرا گرفت که  
اصلاحات ارض در شعار آن میباید

این اصلاحات که اکنون مادر آغلر دوشمین مرحله  
تطبيق آن قرار داریم، کاملاً به نفع دهقانان  
کم‌زمین و بی‌زمین بوده و اثراتی انکارناپذیر در

معین اصلاحات اربعی :

— به اجازه شما نخست سیاست را از کارکنان  
وژین نامه زوندون ابراز میدارم که بااینجه  
سازی برای این گروه آمی کدو آن مولان  
اصلاحات ارضی — عدلیه و عالییه به ارتباط مسائل  
اصلاحات ارضی کشور دوریک میز میگرد آمده  
اند — نقش ورسالت بزرگ مطبوعاتی خود را در  
آگاهی رسانی به مردم به انجام میرسانند.  
به اجازه شمایش از آنکسختناییره اون چگونگی  
تطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی به بیان آورم  
به پاسخ یک بخش از پرسش پرسنده محترم  
نکاتی در مورد مرحله اول این اصلاحات را باز —  
گوییم .



دوم طبقه اصلاحات ارضی به وسیله هفتاد نفر از آماران عملیاتی به صورت مرحله‌ای و در مدت سه سال به انجام خواهد آمد.

را حله راسخ خرمی :

۱- افرادی بر مبنای دهقانان عزیز شرکت کننده در این جدول که به سمت نماینده های دهقانان و نسوایی های خود را نیز دارند به طرح آورده اند که اینک بک آنرا به نوبت مطرح می سازیم و از مسؤولان امور در این گردهمایی می خواهیم

- ۱- نصفه ساختن پراکنده و قطعات کوچک زمین به اشتراک و سهم گیری فعال دهقانان.
- ۲- ترتیب یک سند متحد الشکل رسمی برای تمام ملکیت های زمین و نو کردن و تجدید تمام اسناد ملکیت زمین.
- ۳- فراهم آوردن تسهیلات لازم در امور خرید - فروش - تبدیل - بخشش - تقسیم و دیگر امور انتقالی زمین.
- ۴- همپا ساختن زمین های مساعده برای تضمین و التزام.
- ۵- تنظیم عادلانه امور مربوط به اجاره

- ۶- حق مالکیت با لای زمین.
- ۷- تشویق زمینداران و دهقانان برای بهره برداری بیشتر از زمین و بالا بردن سطح محصول.
- ۸- سهم گیری فعالانه دهقانان در ایجاد و تقویت کوپرنی های دهقانی با استفاده از زمین های مساعده که دولت به وجود می آورد.
- ۹- تأسیس مراکز کراپه دهندگان راکتور ها و سایر ماشین آلات زراعتی به منظور کاهش زحمت طاقت فرسای دهقانان و ماشین شدن زراعت تطبیقی

شد و باید کثیف او قصداً گوسپید نشد جهت مترقی این اصلاحات رابه انحراف کشاند - اما با قیام ششم جلی که باند ناسیونالیستین امین از میان رفت زمینه برای تطبیق مرا حل بعدی اصلاحات دموکراتیک رضی که در بر گیر حل کامل تمام معضلات و دشواری های امور مربوط به زمینداری ، محو کامل بقایای فئودالیسم ، بلند رفتن سطح تولید زراعتی در کشور و آمین رفا ، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی همه دهقانان و زحمت کشان ما میا شد بسیار گردید اهداف عمومی تطبیق مرحله

## سیاست وقت و روش ها و نشست های اقتصادی مجلس شورای ملی در تهران



گروهی از مینر گرد و نودون که پیرامون مرحله دوم تطبیق اصلاحات ارضی دایر گردید

که به این باره مسئولیت های اداری خود آنرا پاسخ گویند . نخستین سوال از غلام سخی دهقان و نسوایی ده سبز است که از خود شان می خواهیم آنرا در میان بگذارند . غلام سخی :

معین صاحب اصلاحات ارضی در گفتار خود یاد آوردند که سند مربوط به ملکیت زمین تبادل و تجدید میگردد - سوال من این است که چرا این اسناد مورد تبادل و تمدید قرار می گیرد ؟

بقیه در صفحه ۳۳

- مرحله دوم اصلاحات ارضی این اهدا ف را زمین به نام میرساند :
- ۱- ترتیب و تنظیم امور مربوط به اسناد زمین و زمین داری .
- ۲- تأمین مناسبات عادلانه در امور زراعتی .
- ۳- ترتیب احصای های دقیق زمین در کشور .
- ۴- مساعد ساختن زمینه برای انکشاف زراعت .
- در مرحله دوم تطبیق اصلاحات ارضی بصورت مرحله‌ای با دقت نظر داشت اهداف بالا این امور به انجام میاید :
- ۱- حل کردن مسایل مربوط به اضافه جریبی مواقی با عدالت اجتماعی .
- ۲- طرح پلان های انکشافی به منظور بالا رفتن سطح و حجم تولید زراعتی .
- ۳- تنظیم دفاتر امور زمینداری مانند دفتر ثبت اسامی ، زمین ، دفتر اسامی مالیه - دفتر اسامی زمین های دولتی و غیره .
- ۴- تضمین حق مالکیت بر اساس بیانییه مورخ ده دلو ۵۸ بزرگ کامل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم و ماده نود هم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان .
- با رعایت موازین علمی و اصولی هر حله

دوم اصلاحات ارضی را در این نکات میتوان خلاصه یافت :

- ۱- توزیع عادلانه آب و زمین و بهره برداری و کثیف حاصل و بالا رفتن سطح تولید به کمک دولت و به نفع دهقانان به گونه ای که سطح زندگی و بخش های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی بلند رود و در مجموع مسائل مربوط به انکشاف عمومی کشور ما تحقق یابد .
- ۲- یکپارچه ساختن هر چه پیشتر دهقانان و کارگران به منظور دفاع از انقلاب .
- ۳- پیاده ساختن طرح های علمی به منظور انکشاف سریع زراعت و تضمین



هوچی مین هنگا میکه  
جبهه جنگ قوای آزادیبخش  
وینتام را رهبری میکرد



بمنا سبت نود مین سالگرد تولد هوچی مین فقید

«۱۹ می ۱۸۹۰ - ۱۹۸۰»

## زندگی نامه مختصر هوچی مین

تحت استعمار ژند گی میکرد  
ودر حالی که نظریات  
گوناگون انقلابی را مطالعه  
می نمود برای گذران معاش  
کار می کرد. در سال های  
۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ انقلاب کبیر  
اکتوبر هوچی مین را به  
دانش انقلابی رهنما یی  
کرد و به وی اطمینان بخشید  
که این تنها راهی است به  
سوی آزادی اجتماعی و ملی.  
در همان سال وی سازمان  
وطن پرستان وینتام را  
تشکیل داد که هدفش  
ایجاد وحدت میان وینتامی  
های مقیم فرانسه بود. وی  
در ۱۹۱۸ به حزب سوسیالیست  
فرانسه جلب شد.

هوچی مین در ۱۹ می  
۱۸۹۰ در شهر نگی تیسن  
در یک خانواده وطن پرست  
وروشنلگر که اصل روستایی  
داشتند به دنیا آمد. نگی تیسن  
شهری است که مردم آن سابقه  
طولانی مقاومت علیه  
استعمار و فیهو دارند.  
هوچی مین از کودکی زیر  
تأثیر عمیق محیط اجتماعی  
و تربیه خانوادگی خویش  
در آمده بود.

هوچی مین در ماه جسون  
۱۹۱۱ عازم خارج شد و به  
فرانسه و دیگر کشورهای  
اروپا، آسیا، آفریقا و  
امریکا سفر کرد. وی درین  
شهرها با کارگران و مردم

اشتراک نمود و در ۱۹۲۲ به  
انتشار هفته نامه «بی نوایان  
در فرانسه» پرداخت. در  
جون ۱۹۲۳ از فرانسه عازم  
نخستین کشور سوسیالیستی  
جهان یعنی اتحاد شوروی  
گردید و به مطالعه دانش  
انقلابی ادامه داد و در فعالیت  
های انترناسیونال کمونیست  
نستی سهم گرفت و در همان  
سال در هیات رئیسه دهقانان  
جهانی انتخاب شد. در ۱۹۲۴  
در پنجمین کنگره کمیترن  
اشتراک نمود و به هیئت  
عضو دیپارتمنت شرق  
انتخاب گردید و مسوولیت  
بخش جنوب را نیز به عهده  
داشت و موظف بود تاجنیش  
های انقلابی مردم تحت  
استعمار را رهبری کند.

در جون ۱۹۲۵ هوچی مین  
جمعیت جوانان انقلابی  
وینتام را سازمان بخشید که  
هسته آن را لیگ کمونیست  
تشکیل می داد. وی به افتتاح  
مجله جوانان پر داخت و  
کورسی را باز نمود. که طی آن  
صد ها کادر را برای اعزام و  
خدمت به وطن تحت تربیه  
گرفت.

در ۲ فبروری ۱۹۳۰ هوچی  
مین کنفرانس کارگران  
(هائگ کانگرس) را دایر نمود  
که هدفش توحید گروه  
های مترقی وینتام تحت نام حزب  
کمونیست وینتام بود.

در سال های ۱۹۳۰-۱۹۴۰  
هوچی مین در خارج به  
سربرد و طی اجرای امور  
انترناسیونال کمونیستی  
جنبش های انقلابی در وطن  
را تعقیب و دستورات با  
ارزش به کمیته اجرائی  
مرکزی حزب می فرستاد.

در حالیکه در جنبش طبقه  
کارگر فرانسه نیز سهم  
فعال داشت.

در ۱۹۱۹ وی به کنگره  
واریسای پیام مشهور مردم  
وینتام را فرستاد که در آن  
از حکومت فرانسه تقاضا  
شده بود تا حقوق و آزادی و  
تساوی مردم وینتام را به  
رسمیت بشناسد.

هوچی مین در دسمبر  
۱۹۲۰ در هجدهمین کنگره  
حزب سوسیالیست فرانسه  
به طرفداری از کمیترون  
تاسیس حزب کمونیست  
فرانسه را پیشنهاد کرد.  
در سال ۱۹۲۱ در تاسیس  
سازمان مردم استعمار شده



در سال ۱۹۴۱ هوچی مین پس از ۳۰ سال فعالیت در خارج کشور به وطن باز گشت و هشتمین پلینوم کمیته اجرا نیوی مرکزی را دایره و در آن خط مشی حزب را اعلام نمود که رهنمون به کیفیت جنگ با فرانسوی ها، اخراج جاپانی ها، ایجاد یک جبهه متحد ملی به نام لیگ آزاد ی ویتنام (ویتنام مین) و تشکیل قوای مستعجل، تشدید بخشیدن به مبارزات انقلابی گروه ها و آمادگی ساختن قیام عمومی به خاطر به دست آوردن قدرت سر تا سری در کشور گردید.

در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۴ دستور تاسیس و احداث نیلیفاتی ویتنام را به خاطر آزادی ملی صادر کرد که در واقع بنیان اردوی مردم ویتنام را گذاشت و در اگست ۱۹۴۵ در فضای هیجان انگیز انقلابی در استان قیام ملی هوچی مین همراه با کمیته مرکزی، کنگره ملی رادر نان ترو دایر کرد. این کنگره او را به حیث رئیس حکومت وقت جمهوری دموکراتیک ویتنام برگزید. وی بعدا فرمان داد تا قیام عمومی برای گرفتن قدرت در سراسر کشور آغاز شود.

در ۱۹۴۵ هوچی مین خطاب به ملت ویتنام و جهان استقلال ویتنام را اعلام کرد و نخستین دولت کارگران دهقانان را در جنوب شرق آسیا به نام جمهوری دموکراتیک ویتنام تاسیس کرد.

هوچی مین رهبر و مؤسس اردوی آزادی بخش ویتنام است

ویتنام در اوایل انقلاب به مشکلات متعدد رو برو و از هر جانب در محاصره بود فقر میراث استعمار جاپان و فاشیست های فرانسوی زندگی پیش از دو میلیون انسان را گرفت. در سپتامبر ۱۹۴۵ دست استعمارگران فرانسوی در دستکش امپریالیست های امریکایی و برتانوی و کومیتانگ چین دوباره برای از میان بردن دست آورد انقلاب بر ویتنام حمله کرد و مردم ویتنام با استعمارگران فرانسوی در جنوب و با مرتجعین چپان کای شک در شمال به نبرد پرداختند.

در ۱۹۴۶ کنوا نسیونی بین جمهوری دموکراتیک ویتنام و فرانسه امضا شد. فشنون تا را جگر چپان کای شک از شمال عزیمت کرد و نیروهای فرانسوی مواضع خود را در ویتنام گسترش دادند و خواستند آن کشور را به این ترتیب تجزیه

نمایند.

هوچی مین برای مقابله با این وضع در دسامبر ۱۹۴۵ آغاز یک جنگ مقاومت ملی را مطالبه کرد و همراه با کمیته مرکزی حزب بیکار فرساینده تمام عیار مقاومت را علیه استعمارگران فرانسوی تا پیروزی تاریخی دین بین فر رهبری کرد.

در جون ۱۹۵۴ قرارنامه ژنیوا امضاء شد و شمال ویتنام آزاد گردید و لی امپریالیزم جهان خوار امریکا بخش جنوب را به مستعمره جدید تبدیل کرد. هوچی مین کمیته مرکزی حزب گروه های مردم را برای تعقیب دودهدف استراتژیک رهنمایی کرد.

در شمال انقلاب سوسیالیستی و در جنوب انقلاب دموکراتیک خلق.

در سپتامبر ۱۹۶۰ کنگره سوم حزب دایر شد که درین کنگره هوچی مین به ریاست کمیته مرکزی اجرا نیوی حزب

برگزیده شد و دو هدف استراتژیک فوق به تصویب رسید.

مردم ویتنام تحت رهبری رئیس هوچی مین و کمیته مرکزی حزب از جاپانی ساختمان سوسیالیزم را در شمال سرعت می بخشیدند و از طرفی جنگ مقاومت میهنی را بخاطر دفاع از شمال و نجات جنوب علیه امریکای تجاوزگر ادامه دادند.

رئیس جمهور هوچی مین در سوم سپتامبر ۱۹۶۹ هفتاد و یک سال زندگی خویش در گذشت.

وی یک انقلابی بزرگ، قهرمان شناخته شده ملی و روز منتهای هو شیار جهانی بود که بدون احساس خستگی رزمید و سرتابای زندگی را به وطنش، به مردمش، به ارمان انقلابی، به آزادی و نجات ملت ها و صلح و عدالت در جهان وقف کرد.





# تصویب اصول اساسی

## ج، د، ا گام فر اخی است

### در جهت بهروزی

پمست بگلسته

در اصول اساسی ج، د، ا بعد از آنکه وظایف و مکلفیت های دولت در قبال عنعنات ملی، تاریخی و کلتوری و دینی مردم ما درج شده است و برای همه مردم اطمینان و آرامی خاطر می بخشد تشکیل سازمان ها و تشکیلات نوده ای را نیز بشا به متحد کنندهی زحماتشان و وطن پرستان تاکید می نماید، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بهیث نمایندهی کارگران، دهقانان، اهل کسبه، کوچیان، روشنفکران و سایر اقشار و طبقات زحمتکش و ملی و دموکراتیک بپایان آوردن تقویه و تحکیم و بسط هرچه بیشتر سازمان های اجتماعی و مردمی را بشکل سالم آن از وظایف خود می شمارد در ماده ششم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین می خوانیم: «در جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت های اتحادیه های کارگری سازمانهای جوانان و زنان، انجمن های علمی، کلتوری و هنری و سایر سازمانهای اجتماعی و دموکراتیک

زحمتکشان که در صفوف خویش کارگران، دهقانان، کسبه کاران، روشنفکران و سایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل و ارتقای فعالیت های اجتماعی و تولیدی، تعمیل اهداف و وظایف انقلاب ثور و تأمین منافع خاصه ای ایشان متحد می سازند. تنویق و پشتیبانی می شود.»

جمهوری دموکراتیک افغانستان همانطوریکه در عمل ثابت ساخته است با جدیت و بشکارت فراوان در صدد آنست که اتحاد واقعی ملی و دموکراتیک را بپایان کلیه اقوام و قبایل اگر خرد باشد یا بزرگ بوجه بهتر و مترقی آن تأمین نماید و هکذا اتحاد و یکپارچگی همه زحمتکشان همه ملیت ها را جدآ در نظر دارد و در راه آن یکپارچگی بی امان می نماید. چون افغانستان وطن واحد و مشترک همه ملیت ها و اقوام برادر ساکن در آنست و همه ملت ها و اقوام اعم از پشتون، هزاره، تاجیک، ترکمن، بلوچ، ازبک و غیره باهم برادر و برابر اند و اگر مست های غرض آلوده و

های فاسد فئودالی و بخصوص حفیظ الله امین دژخیم تخم نفاق و پراگندگی را بین آنها کاشته، بزودی در پرتو سیاست واقفای ملی و مترقی دولت و کمک و همکاری مردم شرافتمند افغانستان محو و نابود خواهد شد. هکذا در افغانستان همه پیروان مذاهب دین مقدس اسلام اعم از سنی و شیعه برادر و برابر هستند و هیچ نوع اختلاف منطقی بین آنها نیست و پلان های شوم دشمنان در این ساحه نیز خنثی خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بوضاحت روشن ساخته شده است که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق به آرمان های والای انقلاب ثور سیاست تساوی حقوق و دوستی برادرانه میان همه مردمان افغانستان را پیش خواهد برد و مجدانه در راه رشد همه جانبهی تمام اقوام و ملیت ها و قبایل افغانستان مساعی لازم را بخرج خواهد داد و حقوق دموکراتیک آنها را کاملاً تضمین می نماید. و هکذا از بین بردن همه نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی، کلتوری در تمام نقاط کشور محبوب ما از جمله وظایف حزب و دولت ج، د، ا بشمار رفته است.

خلق کوچی و وطن مانیز که هرگز در گذشته ها توجه به حال شان نشده است بیاد دولت بوده و در اصول اساسی ج، د، ا موکدا تذکار رفته است که دولت برای آنها شرایط بهتر زندگی را مهیا خواهد ساخت و هکذا امکانات استفادهی دموکراتیک و رایگان شان را از چراگاه های وطن برای حیوانات شان مهیا خواهد ساخت.

بخش بسیار مهم دیگری در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چگونگی سیاست خارجی و هم چنان توضیح موقف افغانستان در قبال سازمان های بین المللی و منشور سازمان ملل متحد، میباشد. جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور و بخصوص بعد از ظفر بابی خیزش قهرمانانای ششم جدی ۵۸ در عرصه ی گیتی بحث یک کشور صلح دوست عرض وجود کرد و با پیروی از اهداف والای انقلاب مردمی پیوسته درصدد آنست تا با کلیه کشور ها روابط دوستانه داشته و روابط برادرانه و صمیمی موجود میان افغان نستان و کشور های صلح دوست و مترقی و بخصوص اتحاد شوروی را هر چه بیشتر تقویه و استحکام بخشد است این روابط برادرانه که به اساس اصول مترقی انتر ناسیونالیسم کار گیری استوار است برفع جالبین و صلح جهانی میباشند. علاوه و تا دولت مترقی و ملی ما جدآ می کوشد تا با همسایگان خود روابط دوستانه داشته و همه اختلافات موجود را از راه مفاهمه و مذاکره حل و فصل نماید. دوستی با ممالک اسلامی نیز مورد توجه جدی جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد در ماده ششم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین تذکر رفته است:

«سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تحکیم صلح عام و آمان، انکشاف همکاریهای وسیع بین المللی و حفظ منافع دولتی کشور استوار است. اساس فعالیت سیاست خارجی ج، د، ا را اصول همزیستی، مسالمت آمیز و سیاست عدم انزلاق مثبت و فعال تشکیل می دهد.»

هم چنان در مواد یازدهم، دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم این اصول

منجمله چنین گفته شده است: «ج، د، ا دوستی و همکاری همه جانبهی خود را با اتحاد شوروی و همکاری و مناسبات دوستانه ی خود را با سایر ملل که با ما دوستی و همکاری بر اصل همبستگی انتر ناسیونالیستی توسعه و استحکام می بخشند... مناسبات دوستانه با سایر ممالک بخصوص با ممالک همسایه و تمام ملل مسلمان... ج، د، ا برای حل عادلانه و صلح آمیز تمام مسائل حل نشده موجوده بین کشورهای همسایه... صرف مساعی می کند... ج، د، ا از مبارزه ی ملل و خلق های جهان برای صلح و آزادی ملی و اجتماعی، دموکراسی، ترقی و برضد استعمار، استعمار نو و امپریالیزم، برضد صهیونیسم، راسیسم، فاشیسم تبعیض نژادی و آپارتاید پشتیبانی میکند... ج، د، ا بخاطر دفاع از صلح جهانی در جهت خلع سلاح عمومی و قطع مسابقات تسلیحاتی جلوگیری از توسعه اسلحه ی ذروی از بین بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان، انکشاف و تعمیق پروسه ی تخفیف تنشجات بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی بعمل میآورد... ج، د، ا منشور سازمان ملل متحد و اصول قبول شده ی عمومی حقوق بین المللی را احترام و رعایت کرده... پشتیبانی میکند...»

اگر بالذکر گفت به این اصول سیاست خارجی نظر اندازی نمایم واضح خواهد شد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبان حق و عدالت و مبارزات برحق و عادلانه خلفا در سراسر جهان میباشد. و با هر نوع فعالیت ضد صلح، ضد آزادی و ضد بشری مخالف است.

امروز در افغانستان اشکال متنوع ملکیت ها وجود دارد در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان رعایت حقوق و دفاع از انواع ملکیت های مشروع درج گردیده است اشکال ملکیت هاییکه در افغانستان وجود دارد یعنی ملکیت دولتی یا عامه، ملکیت کوپراتیفی، ملکیت خصوصی و ملکیت شخصی همه و همه را دولت محافظه می کند منابع مواد

زیر زمینی و طبیعی و انرژی، بانکها موسسات بیمه و وسایل عمده ی تولید در صنایع ثقیله، مخابرات رادیو و تلویزیون، سرکها و غیره منحصر بملکت بوده و از آن حمایت خاص صورت می گیرند و هم چنان شرکت های مختلفه که دولت در آن سهم است تقویه، تنویق و حمایت می شوند. ولی باید دانست که دولت هرگز اجازه نخواهد داد تا از ملکیت خصوصی علیه منافع مردم و جامعه استفاده صوت گیرد. در ماده بیست و دوم چنین تذکر رفته است: «دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ و حمایت می کند. استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه و مردم مجاز نیست. دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز بدست آمده تضمین می کند... استلاک ملکیت خصوصی در پندل نادیه قیمت مطابق به عدالت اجتماعی و قانون مجاز است...»

در قسمت رشد و انکشاف فرهنگ ملی و مترقی و رفاه اجتماعی، دولت ج، د، ا توجه خاصی مبذول می دارد، حمایت و مواظبت از جوانان این سازندگان آینده ی کشور نیز تاکید شده است.

بقیه در صفحه ۴۴



## نگرشی کوتاه و شتابنده به دو نشریه . . .

«طفل و مادر» ما هنامنه تازه است که ریاست کؤدکستانهای وزارت تعلیم و تربیه امتیاز نشر آنرا بدست آورده و شما ره اول و دوم آن در يك مجله - هفتاد و دو صفحه به قطع ۳۲ ۲۴ سانتی متر در چهار رنگ چاپ برآمده است .

و مادران در کشور ما واز دیاد روز افزون واقعات مرگهای نا بهنگام کؤدکان فوتولد تا پنج ساله و مادران حامله و شیرده که نتایج شوم و رقت آور فقر - بیسودی - عدم آگاهی صحی ، عدم شرایط زیست صحی ، عدم امکانات تامین حفظ الصحه فردی و خانوادگی و محیطی

کمبود مواد غذایی ودر مجموع ناهنجاری هایی است که تمام کشور های عقب نگذاشته شده جهان سوم با آن روبرو اند میتوان تصور کرد که نشر مجله ای که محتوای آنرا موضوعاتی بیرون مسائل مربوط به کؤدک و مادر تشکیل دهد از چه

ارزش و حیثیتی برخوردار است . در شرایط کشور ما که خانسالاری در جریان سده های فر وان حکمروایی خود و ضوابط نا انسانی اش فقر و بیسودی و بیماری را به عنوان يك ارمغان شوم به میراث گذاشته تا جایی که سی و پنج در صد کؤدکان ما به خاطر ابتلای به

بیماری هایش از سن پنج سالگی پد وود حیات میگویند و مادری که در جریان ازدواج تا مرگش ۹ کؤدک را ولادت میکند اما در زمان مرگ بیش از چهار فرزند ندارد - طبیعی است که در پهلوی فرا هم آوری زمینه های مساعد و فایز و معافیت کتلوی و جلوگیری از بیماری ها به وسیله وا کمین آگاهی رسانی به مردم و جلب همکاری آنان در برنامه های پیشگیری امراض و تامین سلامتی با تصمیم بخشیدن هر چه بیشتر دانش پرورش با صحت و طفل مراقبت های ضروری و به موقع مادر اذولیت های با اهمیت به شما میاید .

شناخت روان کؤدک و توجه به پرورش آن مسأله دیگری است که با جلوگیری از انواع عقده ها و نا را حتی های روحی و عاطفی در واقع میتواند خوش بختی و به زبانی سالم اجتماعی او را در ادوار زندگی اش تضمین کند چه صحت در تازه ترین تعریف آن که سازمان صحت جهان ارائه داشته است صرف در عدم موجودیت بیماری ای جسمی خلاصه نمیکرد و د بهبود نامحالات بدنی - روانی و اجتماعی رانامل میگردد و مجله «طفل و مادر» بسا درک این واقعیت ها و پذیرش محتوای اطلاعاتی در زمینه های بالا به خوبی میتواند شریک بی مفید برای خانواده ها و مادران با سواد ما تلقی گردد .

دو کؤتورانه ها را بهزاد وزیر تعلیم و تربیه در يك بخش از پیامی که به این نشریه ارسال داشته و در صفحات اولی آن به چاپ رسیده است مثنی نشراتی «طفل و مادر» را چنین توصیف میکند :

«... هدف نشر مجله «طفل و مادر» آشنا ساختن هم وطنان به اوضاع مادر و کؤدک در کشور های مختلف جهان و همچنین کشور رنج کشیده و بلادیده ما است ، تا امکان بدست آید که به خانواده ها ، معلمان ، معکاتب ، مربیان و امثالان و طبع محبوب ما افغانستان جهت تربیت و پرورش بهتر کؤدکان رهنمای های لازم صورت گیرد ...»

شما ره اول و دوم «طفل و مادر» با مطالب و مقالاتی بیرون جگونی واهدای تربیتی طفل ، هوشداری و آگاهی دهی به مادران در زمینه مسائل پرورشی ، مسایل روانی و تربیتی ، راپورتاژها ونگارشی های سودمند دیگر نشانده این موضوع است که گردانندگان آن مگو شدند هر چه بیشتر روی هدف نشریات خود استوار بمانند . نکته دیگر در مورد نخستین شما ره «طفل و مادر» این است که صفحات رنگین و کلیشه بقیه در صفحه ۴۸



کمیسیون بریگاد ل. ی. بریژنف  
کارت عضویت حزب کمونیست  
اتحاد شوروی را به الکساندر مالوف  
می دهد (سپتامبر ۱۹۴۲)



تتبع ونگارش

از عبد الله بشیر شور

## نهم می

### روز شکست فاشیسم

روزها می آیند و می روند، و  
با ریخ بشری را ورق میزنند. روزی  
با خط زرین و درشت و روزی با خط  
سبزه اعمال، رفتار، کردار بشر را  
آبیت می نماید.  
در حساب طبیعت هر روز روزی  
بشمار میرود. هر روز روند تازه  
و موثر به زندگی فردی و اجتماعی  
بشر، وارد نموده و هر روز از نظر  
اهمیت کیفی و صورتی خود مشخصه  
و ممیزه معنی بخود میگیرد.  
روزها تما یزات و تفا و تنهای  
دارند که نقش آن در اذهان انسان  
متناوب و ممتدا یز میباشند و این

خورد. در آن روز بود که هیولای  
جنگ و تباهی عالم انسانی از پا  
در آمد. هیولای جبر، ظلم، زور  
با همه قدرت خود بر افتاد و نا بود  
شد.

این مختصر گنجایش آنرا ندارد  
که بتوان آنچه آن کابوس وحشت  
از بشر میخواست و یا آنچه را بشر  
از دهشت آن برداشت تو ضیح  
نمود. ولی متذکر باید شد که  
در این جنگ تحمیلی بر جهان از  
طرف باندهای فاشیسم جهانی  
در حدود پنجاه الی شصت میلیون  
انسان تلف و نا بود گردید.

دنیای فقیر، دنیای مبتلا به  
امراض، دنیای پر از مرگ و میسر  
های فاقه قحطی زده گوی و برهنه  
ما مبنی معا دل به بیشتر از چهار  
لی پنج بلیون دالر را که اگر  
بر هر فرد جهان آنروز تقسیم  
میشد فی سیر مبلغ چهارده هزار  
و دو صد و هشتاد دالر متوسطی بهره  
میرسید که به نرخ و قیمت همان سال  
لها شاید ملیونها بشر مبتلایم  
قحطی و هژرا ران بلای دیگر را بدرمان  
میرساند.

در این جنگ ملیونها پدر بی  
اولاد، ملیونها زن بی شوهر و  
ملیونها فرزندی بی پدر بی مادر  
گردیدند و بسر نوشتههای شوم  
گرفتار و سر بار جهان در گیر با  
بلایا و مصایب بی حساب گردید.

در روسیه شوروی، در آلمان  
نازی در سراسر اروپا و جهان  
ویرانی و خرابی حدود و شغور زی  
نداشت.

در روز نهم می مردم اتحاد شوروی  
چما هیر تا زه بنیاد و جوان اتحاد  
شوروی که در گیر در جه اول دماغ  
و مپا رزه این جنگ عالم سوز بودند  
وارد برلین مرکز فاشیسم جهانی  
آنوقت گردید. قشون سراسر  
قشون تازه تشکیل یافته اما قشون  
متشکل از مردم، بر این را فتح  
نمود.

مردم اتحاد شوروی در صفوف  
قشون سرخ این جنگ به  
نفع خود و نفع مردم جهان خاتمه  
دادند و مظهر و سرخرو برآمدند.  
این فتح را اتحاد شوروی به  
قربانی بیست میلیون مپا رز،  
ویرانی یک هزار و هفتصد و ده شهر با  
تفوس وسطی هر کدام در حدود  
پنجاه هزار، نا بودی هفتاد هزار  
قصبه و ده و دو تریون دالر  
خساره مالی برای شان کما یی  
نموده رسال روز نهم می را جشن  
می گیرند، این روز را سی مملکت  
اروپایی، آسیایی و امریکایی  
تجلیل می نمایند.

آری این روز مبدا تاریخ تازه  
را در جهان بشریت آزاد، آزادی  
خواه و نقطه چرخش و گرایش را  
از تیره گوی پرو شنی و از ظلم به  
عدالت ار مغان آورد. از این روز  
بود که آرزوهای جهانی، خلق،  
جهان بسوی افق تازه و امیدهای  
در خشان دید. از آیین روز بود  
که تحقق آرمانهای بشریت صلح  
خواه جان یافت. از این روز بود که  
دنیای کهنه ما به نوگرایی آغاز  
نمود و:

۱- سیستم زندگی اجتماعی  
مسیر سوسیالیسم را در پیش گرفت



[illegible]

دوم فبروری ۱۹۴۳ گروه های دشمن در محاصره استالینگراد

سجده ۹

بمنا سیت پیر و زی ار دوی شوروی بر فاشیزم

شب سی و یک ماه اوت ۱۹۳۹  
بعد از طنین شلیک تیر، در را دیوی  
لهستان، پس از تصرف رادیو  
لهستان توسط سه نفر بدستور  
هتلر در رادیو به زبان لهستانی  
اعلام نمودند که: (موقع جنگ  
لهستان علیه آلمان فرا رسیده) و این  
یک رمز هتلی بود. به این بهانه  
در اول سپتامبر به لهستان حمله  
آغاز گردیده و بتاریخ (۳۰)  
سپتامبر ساعت یا زده صبح انگلستان  
که با لهستان قرار داد همکاری  
داشت به آلمان اعلان جنگ داد. و  
پس از شش ساعت فرا نسه نیز  
همین عمل را انجام داد. و بدین  
ترتیب جنگ دوم جهانی آغاز گردید.  
و این پلانها در کتاب هتلر بنام  
«این کامیاب» صریحا تحریر شده  
بود.



بطرف وا لکا عقب نشینی نموده و  
لنینگراد در آتش محاصره مبارزه  
می نمود.

جنگ تا در وازه های استالینگراد  
دامنه دار شد و در ۹ نوامبر  
۱۹۴۲ حمله متقا بل قوای شوروی  
شروع و چهار روز بعد سر بازان  
جنگی در يك حمله گاه از نهری بدو  
ایجاد بد و جگر بان جنگ از بسج  
و این تعیین کرد.

تا سال ۱۹۴۳ شوروی مبدل به  
يك اردو گاه جنگی شده بود. سال  
۱۹۴۴ به سال طرد کا مل قسواي  
آلمان فاشیست از خاک شوروی  
مبدل گردید و بعد از این پیروزی  
های چشمگیر شوروی در اخراج و  
شکست نیروهای فاشیستی در  
رویس ۱۹۴۴ قوای امریکا انگلیس در  
فرا تله پیا ده شده و جبهه دوم را  
اختلاج نمودند.

سر بازان ارتش پیروز مند سوخ  
پس از بیرون را ندن دشمن از خاک  
شوروی به اجرای وظایف آزاد  
پخش خویش در اروپا پرداخت  
و ملل لهستان، یوگوسلاویا، چکوسلاواکیا، بلغارستان، مجارستان و  
رومانی را از یوغ فاشیست آزاد  
نمودند.

ششم ماه آلمان فاشیست  
تسلیم شد جشن نهم ماه می و جشن  
پیروزی بر فاشیسم در سراسر  
جهان تحلیل گردید.

#### کنفرا نس تهران :

اتحاد شوروی بعد از سر راست  
کردن در مقابل فاشیسم و بعد از  
تسلیم فاشیست ها در اخراج از  
شوروی و پیروزی های چشمگیری که به  
همت سر بازان سوخ نصیب اولین  
کشور سوسیالیستی جهان شده  
بود. در جریان جنگ خوا هسان  
استان جبهه دوم جنگ علیه فاشیسم

شیزم در شمال فرا تله بود و این  
این کار در سال ۱۹۴۲ عملی نشده و  
سال ۱۹۴۳ نیز همینطور گذشت  
اینکه مقد مات کنفرا نس وزیران  
خارج اتحاد شوروی انگلستان

ایالات متحد امریکا در جریان بود  
و مکاتیب بین استالین، روز ولت  
و چر چیل تبادل میگردید تا کنفرا  
نس بین آن هادر مناطق پیشنهادی  
طی این دایر گردد و تصمیمی در  
پیروزی علیه فاشیسم اتخاذ گردد  
که بعد از طی زمانی پیشنهاد ممتاز  
لین مبنی بر تشکیل کنفرا نس در

تهران در پر تو پیروزی های شوروی  
روی در اروپا در تهران دا پر گردید.  
استالین در جواب پیشنهادات  
روز ولت در پیام تاریخی نژده اکتبر  
وی سوست (مبا سفا نه من بمس)  
نوام هیچیک از نقاط پیوسته را  
بجای ایران بپذیرم درین مورد کار  
در بوط به حفاظت نیست زیرا  
موسوع مرا راحت نمی سازد  
درین کنفرا نس که در حین  
۱۹۴۳ در تهران دایر گردید در باره  
افتتاح جبهه دوم به توافق رسیدند  
که در سال ۱۹۴۴ جبهه دوم در قرا  
تله مفتوح شد.

#### نگاهی به چند جبهه جنگ در شوروی :

يك از سس ششصد و شصت  
میلیون نفر به شهر استالینگراد حمله  
نمودند. عملیات جنگی در اطراف  
این شهر دو صد سیاه ادا شده  
میافت و مساحت صد کیلومتر  
بر گرفت.

خانه با ولف که پنجاه و هشت شبانه  
نه روز مقابلت قهرمانا نه نمود از  
جمله یاد گاهای تاریخی و فرا  
موش نشد نیست. ششم ماه سپتمبر  
۱۹۴۱ لنینگراد در حلقه محاصره  
کامل قرار گرفت نصد روز و شب  
تمام از این شهر دفاع گردید ولی  
تسلیم نشد. ششصد و چهل و یک هزار  
نفر از قحطی مردند. در هجده ژوئیه  
۱۹۴۳ حلقه محاصره شکاف برداشت  
و در ژانویه سال ۱۹۴۴ حلقه محاصره  
را بکلی درهم شکسته و از بین بردند.

و برای مردم جهان این پیروزی معما  
بود، معمای که اصلا وجود نداشت  
زیرا این مردم بودند و شهری بزرگ  
رگ، شهر متفکر شهر مبارزان  
بر قوای اشغالگر فاشیست برتری  
حاصل نمود.

لنینگراد سی و هشت ملیا رد و بل  
خساره برداشته بود بر علاوه اینکه  
هزارها نفر بخاطر دفاع اش جان  
سپردند.

ماه سپتامبر ۱۹۴۲ استالینگراد  
مورد حمله فاشیست ها قرار گرفت  
تلا سب قوای بین شوروی و آلمان در  
شهر استالینگراد يك بر سه بود.  
و شهر یکصد و چهل و سه روز محاصره  
تسلیم نشد زیرا قیام

يك از سس ششصد و شصت  
میلیون نفر به شهر استالینگراد حمله  
نمودند.

بقیه در صفحه ۴۴



این اطفال در جنگ علیه نازی ها والدین شانرا از دست داده اند.



سر بازان شوروی بعد از فتح و پیروزی بر فاشیسم با خوشحالی  
زاد الوصفی نیکوگر را در آغوش گرفتند.



اربع خیال برگشت مردم افغانستان را ازین راه در سر می پروراند ، کور خوانده اند چنانچه در مقدمه اعلامیه مذکور گفته می شود . «مردم افغانستان با انقلاب ملی دوم - کراتیک ثور ۱۳۵۷ راه نهایی خود را انتخاب و مسیر ایجاد یک جامعه نوین مبتنی بر اصول مساوات و عدالت و جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد را در پیش گرفتند جامعه نوین فدائی بر مبنای احترام عمیق و رعایت عنفات ملی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی خلق ما و بر پایه رعایت جدی اصول دین مقدس اسلام و آزادی مناسک مذهبی طوریکه قانون برای مسلمانان تضمین می نماید استوار خواهد بود...»

دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با آنکه به اراده‌ی خلق ناپذیر خلق افغانستان بصورت مصممانه از انقلاب ثور و دست آورد های انقلابی آن دفاع می کند ولی بصراحت اظهار می گردد که این همه آمال را با بوجود آمدن شرایط صلح و دوستی با همه کشور ها بخصوص کشور های همسایه و مسلمان خود ، بوجود آورد . روی همین ملحوظ بصورت مشخص وفور و لینی شده در اعلامیه در مورد حسن نیت خویش در قبال کشور برادر ایران چنین می گویند : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حکومت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می نماید تا برای طرح یک موافقت نامه‌ی مناسب بخاطر انکشاف مناسبات دوستانه و همه جانبه و همکاری بنفع جالبین میان دو کشور مذاکره آغاز گردد...»

جمهوری دموکراتیک افغانستان با به پیروزی رسیدن خیزش نظر مند جدی ۵۸ در همان اوولین روز ها باکمال حسن نیت و احترام نسبت دوستی و برادری خود را بسوی برادران هم کیش و همسایه‌ی ما ایران دراز نمود و بهترین مظهر این حسن نیت و احترام همانا پیام برادرانه ویر از خلوص نیت بزرگوارمل بشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عنوانی حضرت آیت الله روح الله خرمینی رهبر جلیل - لندر مردم و انقلاب اسلامی ایران می باشد .

در مورد پاکستان هم باید متذکر شد همانطوریکه در پیاپی ملی و تاریخی ۶ جدی ۵۸ بکمال صراحت اراده‌ی یک مردم افغانستان در قبال مردم برادر و همسایه‌ی ما پاکستان معلی بود اینک در اعلامیه اخیر حکومت ج ، د ، ا در مورد پاکستان اینطور آمده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان هم چنان به حکومت پاکستان پیشنهاد می نماید تا برای طرح یک موافقتنامه دوجانبه در مورد عادی ساختن مناسبات بین افغانستان و پاکستان مذاکرات دایر گردد ....»

دولت انقلابی افغانستان هکذا تذکر می دهد که همه کشور های مورد بحث باید آمادگی کامل خود را برای ایجاد روحیه و رویه متقابل احترام ببیند دیگر ، عدم مداخله در امور داخلی بکدیگر ، مراعات اصول حسن هم جویی و همسایگی نیک و تمهد قطع فعالیت های خصمانه منجمله فعالیت های مسلحانه علیه دیگر کشور ها را ، اظهار بدارند .

جمهوری دموکراتیک افغانستان بخصوص پس از مرحله نوین انقلاب ثور هر آنچه که گوید عمل می نماید لذا به تاسی از همسین

اصل قراریکه در اعلامیه‌ی حکومت افغانستان مورخ ۱۱ جدی ۵۸ اعلامیه های بعدی غو عمومی همه هموطنان نیرا که بنا بر دلایلی خاک وطن را ترک گفته اند باید به وطن باز گردند اینک درین اعلامیه (اعلامیه ۲۴ ثور ۵۹) یکبار دیگر روی این موضوع تاکید بعمل آمده است و هم چنان حکومت افغانستان از کلیه کشورهای همسایه بخصوص حکومت پاکستان تقاضا دارد تا برای عودت آیین هموطنان ما شرایط لازم را مهیا سازند .

هکذا دولت انقلابی افغانستان آماده است تا بمرحله وصول به حل مشکلات و مخاصمات کلیه مسائل را که ازسالمها به اینطرف بین او و همسایگانش لاینحل باقی مانده مورد بحث و مذاکره قرار داده و راه حل های اصولی و صلح آمیز را درین موارد جستجو نماید . البته باید دانست که پیش کشیدن شرط فبلسی، جهت شروع مذاکرات و حل اختلافات مسود قبول دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نخواهد بود . در ماده پنجم اعلامیه ۲۴ ثور ۵۹ چنین آمده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان عقیده دارد که گذشته از یک سلسله موافقات دوجانبه بین افغانستان و پاکستان و ایران ضمانت های لازم سیاسی از طرف بعضی دولی که برای افغانستان و سایر جانب های داخل در موافقات دوجانبه قابل قبول باشد باید جسرز لایتنجری حل سیاسی محسوب گردد . که از

بقیه صفحه ۵

## اعلامیه حکومت...

آنجمله به عقیده جمهوری دموکراتیک افغان - نستان می توان از اتحاد شوروی و ایالات متحده ی امریکا نام برد ...»

اینک باز هم یک آزمون تاریخی دیگر در برابر کلیه دولی که در تشنج اوضاع منطقه دخیل اند . یعنی هم آن کشور هائیکه با تحریک و تمسلیح دیگران در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند و هم آن کشور هائیکه از خاک شان عناصر ضد انقلابی را صادر و به ماجرا جویی و قتل و قتل و می دارند .

هکذا در اعلامیه تذکر رفته است که : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام می دارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیرون شدن قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی از افغانستان نیز باید حل گردد ، قطع و تقصین اینکه تجاوزات نظامی و سایر اشکال مداخلات در امور داخلی افغانستان تکرار نشود و عواملی را از این می برد که حکومت افغانستان را بر آن داشت تا از اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات متذکره را به قلمرو خود بعمل آورد...»

آری اگر به رویداد های دو ساله اخیر یعنی بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب شکو همند ثور و بخصوص بعد از ۱۶ جدی ۵۸ بدقت نظر اندازی شود بخوبی درک خواهد شد که مردم افغانستان بدون اینکه در امور داخلی گدما کشور دیگر مداخله نماید و یا منافع خلق

های کشور های دیگر منجمله ممالک همسایه خود را متضرر ساخته باشد اراده نمود تا با در پیش گرفتن راه رشد مترقی و آزاد دو جاده بهروزی و خوشبختی به پیش برودولی نیرو های ارنجایی و امپریالیستی با بهانه های دروغین و دور از حقیقت نه تنها باین اراده‌ی آزاد خلل ناپذیر مردم ما مخاصمت و وزیدند بلکه عملا درین راه با مداخلات ، دسیسه ها و توطئه ها سنگ اندازی نمودند . مردم افغان نستان بنا به اراده‌ی آهنین و خلل ناپذیر خویش نا توان داشتند علیه این توطئه ها اقدام و آنرا خنثی نمودند ولی مداخلات دشمنان صلح و ترقی و پیشرفت بجای شدت و وسعت یافت که تمامیت ارضی، استقلال ملی ، آزادی و بالاخره انقلاب ثور و دست آورد های آنرا با مخاطرات جدی مواجه ساختند ، مردم و دولت افغانستان بنا بر درک این حقیقت که اتحاد شوروی همسایه‌ی نیک ، صلح جو و مدافع صدیق نهضت های مترقی و رهائی بخشی در جهان می باشد و هکذا با در نظر داشت معاهده دوستی، حسن هم جویی و همسایگی نیک منعقد بتاریخ قوس ۵۷ از اتحاد شوروی تقاضای کمک ها منجمله کمک نظامی نمودند که این خواست برحق طرف پذیرش کشور دوست اتحاد شوروی واقع شد . امپریالیزم و ارتجاع و عظمت طلبان جهانی که این کمک مشت هائی شانرا باز نمود و همه نقشه های شانرا نقش بر آب ساختند.

با سرو صدای وسیع تر از قبل و با دروغ های شخا در به تبلیغات سوء خویش ادامه دادند . امپریالیزم درین گروردار پایه اصطلاح آبرو گل آلود ساختن و ماهی گرفتن پرداخت . منطقه خلیج و بحر هند را بمشابه پایگا های خود دانسته و در آنجا ها انواع اسلحه و مهمات را جابجا نموده و در اروپای مرکزی نیز سیاست ضد صلح و سوق اسلحه و جابجا ساختن هرمی هارا عملی نمود و این موضوع با عت نگرانی های وسیع ممالک و محافل صلح جوی جهان گردید چنانچه در اعلامیه حکومت ج، د، ا به این موضوع چنین اشاره شده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه در نگرانی سایر دول نسبت به افزایش موجودیت نظامی ایالات متحده در بحر هند و خلیج فارس شریک می باشد ، پیشنهاد های مربوط به تبدیل این منطقه را بیک منطقه صلح و انحلال همه پایگاه های نظامی در آنجا حمایت نموده از تدابیری که غرض کاهش تشنج و استحکام امنیت آن اتخاذ می گردد پشتیبانی می نماید ..»

لذا اینک دولت انقلابی ما به پیش کشیدن اعلامیه ۲۴ ثور ۵۹ یکبار دیگر به همه جهانیان اذعان می دارد که اگر مداخلات و تحریکات ضد دولت و مردم و انقلاب افغانستان ختم گردند سوال موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی نیز حل

خواهد شد و به موجودیت آن ضرورت احساس نخواهد شد . این چلنج بسیار شریفانه و صلح خواهانه و صادقانه است ، هر گاه نیرو های امپریالیستی ، ارنجایی و شونیستی و افکار حرف و عمل شان فرق ندارد و از موضعات صرف بهره برداری نمی نمایند به این خواست انسانی لبیک خواهند گفت .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان هم چنان مساعی سایر کشور ها را در راه نامین امنیت و استقرار در منطقه مورد نایب و نمجید قرار می دهد چنانچه در اخیر اعلامیه مذکور درین مورد چنین گفته شده است :

«... حکومت افغانستان مساعی سایر دولت ها را به منظور آسان ساختن راه برای آغاز مذاکرات سودمند میداند . به این ارتباط حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ایتکاری را که توسط جمهوری کوبا در صلاحیت آن بحیث رئیس جنبش عدم نهم بعمل آمده و هم چنان مساعی جمیع آق - جمهوری را استقبال و حمایت می کند ...»

آری چون موضع دولت انقلابی ما موضوع صلح جویانه ، صادقانه و تشنج زدائی است توقع دارد که اعلامیه فوق با عمل متقابل و با المل مواجه گردد . ولی طوریکه در اعلامیه هم گفته شده است مردم و دولت افغانستان هرگز اجازه نمی دهد که محافل و عناصر رات بدون اشتراک خودش راجع به سر نوشت آن تصمیم اتخاذ نمایند .

بطور کلی اعلامیه تاریخی ۲۴ ثور ۵۹ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بصورت یک کل قدمی است در راه تخفیف بحران و تشنج در منطقه و جهان و هم چنان ایسن اعلامیه صحت و سقم ادعا ها و تبلیغات محافل ارنجایی و امپریالیستی را نیز برملا خواهد ساخت زیرا روحیه و متن این اعلامیه نشان

می دهد که دولت افغانستان بصورت جدی طرفدار حل سیاسی و مسالمت آمیز کلیه مسائلی است که منطقه را تهدید می نماید افغانستان انقلابی و زعامت جدید آن یعنی زعامت انقلابی مرحله نوین انقلاب همانطوریکه در ساحه‌ی سیاست داخلی به همه قول های خود عمل نموده و وفادار می باشد در ساحه‌ی سیاست خارجی نیز عین موقف و ماهیت را دارا می باشد . دیگر آن خفیظ الله امین جا سوس که بدون دانستن استحقاق زمام امور دولت و حزب را بدست گرفته بود و تا جائیکه می توانست از دروغ و حیل و وریا و خیانت به عهد استفاده می نمود بگور نیستی سپرده شده است مردم ما هم ، سر بلند ، شجاعانه و با توضیح انقلابی به پیش می روند و هر خسر و خاشاکی را که جلو این پیشرفت را بگیرد، مانند امین و سلطنت های فئودالی بگور نیستی می سپارد . امید جدی و قوی داریم که نیت صادقانه و صلح جویانه ی ما از جانب سایر کشور های مورد بحث ، بازتاب مساعد و صلح جویانه بیاید .

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، زنده باد مردم صلح جو و آزادخواه افغانستان



# دکور په لارو کی

لنډ داستان

دلنگستن هیوز لیکنه

دلکوال سره پېژندنه :

درو حانی رویا ژباړه

کارل له هغو کسانو څخه نه و چې تل نشه وي ، له دې کبله نه چې له شراب څښلو څخه یې اخلاقی ویره او ډار درلود بلکې ده ځان د ډیرو فکرو نوڅاوند باله ، چې ده یې خاص غور او متانت وړ - بشلی و . ده ته به تل ویل کیده چې پلار یې شراب څښل . له همدې کبله ده نشه کول ناوړ کار باله . خو امکان لری چې د میلسمستیا په وخت کې یې ډیو کیلا سی بیر څښل ناوړه کار نه باله . له دې کبله چې ده نه غوښتل په شراب څښلو نکی مشهور شي نو هیڅ وخت یې شراب نه څښل .

«کارل» له خپلې مور سره ژمنه کړې چې دده ټاټوبي ونښه کارونه - څښی ، دی د خپلې مور یوازنی زوی و نو له همدې کبله د خپلې مور د ډیرو مهر با نیوتر سیوري لاندې لوی شوی و . کارل دخپلې مور زښت زیات قدر درلود . خو له هغه کسانو سره چې له ده سره یې سمه و ضمه نه کوله دونه ښه راشه در شه نه کول او په دې خاطر چې په «سا مرویل» کې یې چې دده ټاټوبي ونښه کار ونه شوای موندلای نویوه بل ښار ته ستون شو او په هغه ځای کې په کار بوخت شو . هره میاشت به په هغه ریل کې چې په څلورو بجو یې مخ په «سا مرویل» حرکت کاوه ، دی هم سوړیده ، ترڅو وکړای شي چې د یکشنبې ورځ هلته تیره کړي . ریل به هغه ځای ته رساوه چې هلته یې کوچنیوتوب تیر کړی و .

دی به هغه وخت ورسید چې دشپې به تیاره وه . ددوی کلیوالی خوا په لکه شیدي او کورنی و چه ډوډی وه.

وروسته دشپې له ډوډۍ څخه به که به داوړې وخت و دی او مور به یې دشنبې دشپې لپاره به یې سودا - بوخت شول ، ښار ته به ورسیدل او دشنبې دشپې لپاره به یې سودا - اخیستله ، او که به دژمي وخت و نو کله به د گاوانو یو کورو ته ولاړل چې د منو او به و څښی او کله به پخپل کور کې پاتې شول ځکه امکان یې درلود چې میلما نه ورکړه ورشي . دمیلمنو کوټی ته یې بوزی ، خبری وکړی او بخوانی ډول ډول سندری دخپل زاپه گراما فون له لاری واوړی لنډه دا چې ددوی میلسمستیا گانې د خندا وړ او زړی وی او له هغو میلسمستیا گانو سره یې ډیر توپیر درلود کومو چې په ښاری توگه یې رواج درلود .

کارل له خپلې مور او ځان سره ژمنه کړې وه چې شراب و نه څښی

«لنگستن هیوز» نوموتی تور پوستی شاعر او لیکوال دی . په کال ۱۹۰۲ کی زیږیدلی . کله چې ده دمنځني تحصیلاتو وروستی کال ته دوام وړ - کاوه خپل لومړنی شعر یې یو ورځپاڼی ته وسپاره . څنگه چې ، دی پوهیده چې موری نشي کولای نور دده دلوست خرڅ برابر کړي ، نو دی ته اړ شو چې په کار کولو بوخت شي . «هیوز» شعرونه دتور پوستو دغمونو او خوښیو او ددوی دژوند دغرنکوالی انځور دی . دی په خپلوانارو کی زیاتره دتور پوستو او سپین پوستو تضاد څرگند وی .

«هیوز» لنډ داستانونه ، څوسناریو گانې او هم «دکوچنیانو دپاره داستانونه لیکلی دی . دده لنډ داستانونه په ۱۹۳۴ کال کی د «سپین پوستو انکلاره» نومی کتاب تر عنوان لاندې خپاره شول . «دکور په لاره کی» دده له ډیرو ښو آثارو څخه دی چې خاص هنري ښایست لری .

خو به هغه استشنا یې څا بنټ کی چې دی دپوه شراب خرڅو ونکی داوړده میز تر شا ولاړو په یوه عجیب لجن یې ور ته وویل : «یو بوتل شراب» . خرڅوو نکی وویل : «څه ډول - شراب» ؟

کارل دزیرو او اوږدو بوټو تلو نو کنار ته چې دالما ری په منځ کی وو گوته ونیول او ویل : «له دغو څخه» او گوته یې په زیر و اوږدو بوتلونو ودریده . ده دشرا بوټو نومو نه هیڅکله نه وو زده . خرڅوو نکی ور ته وویل :

«دا شراب خوازه دی» کارل غو - بښتل چې شراب واخلي او ډیر ژړو - لاړشی نو ویل : «همدا غواړم» .

خرڅوو نکی دشرا بوټو تلو په کاغذ کی ونغاړه ، پاکی شوی بیسی یې هم بیر ته ورکړی او په دیوه بل اخیستو نکی خوا ته روا شو . کارل بوتل واخیست او دپاندې ووت . سره لدی چې غو بښتل یې لږ وخت کی خپلې کوټی ته ورسیدو گامو نه یې او چت نه اخیستل .

دده زړه په ټوټو و چې شراب د څه وخت څښی ، دی دډیرو شرا بخاږ نو څخه تیر شو . خو زړه یې نه غو - بښتل هلته ننوزی ، ځکه چې هیڅکله یې دا سی لویه نه وه کړې . لنډه دا چې خپلې کوټی ته ورسید .

په هغه لویه او لرغونې کوټه کی هر هر څه تیاره او آرام وو . کله چې دکور له زینو څخه یې خپلې کوټې ته گامو نه اخیستل ، په مخه کی یې هیڅوک نه وو ، دکوټو ټول خاوندان خپلو کارونو ته تللی وو . هغه ورځ سه شنبه وه ، اوکه هغه ورځ تلگرام نه وای ورته رسیدلای ، چې مور یې ډیره ناروغه ده ، ښه به داوی چې خپل کور ته راشی ، نودی به هم هرو مرو په خپل کار بوخت و . کارل پوهیده چې تر څلورو بجو پوری ریل حرکت نه کوی . اوس یوه بجه وه .

ده باید خپل ځان ډیر ژر تیار کړی وای چې ولاړ شي . خو نن یې ناڅاپه شراب ته په عجیبه توگه زړه شوی و ، ویل کیږی چې نارینه د خپلو اعصابو دآرامو لو لپاره شراب څښی . په داستانونو کی قهر مانان برا ندی څښی خو کارل براندی نه څښل .

دا شراب ښه او په زړه پوری ورته



ٻنڪار ڀڏل . ڪارل مخڪنبي له دي چي  
ان خپله خولي په ڪوٽ وڃي د-  
شراب بوبوٽل يي له کا غڊ څخه راو-  
ايست او سر ٻو ٻن يي خلاص ڪړي .  
دميز له سره يي گيلاس وروا جيست  
او تر دريمي حصي پوري يي له شراب-  
بو څخه ډڪ ڪړي . دي په دي ڪو ٻنڀي  
کي و چي دا سوچ چي مور يي مړه  
کيري له ما غزو څخه ليري کړي .  
شراب يي وڅښل او په هيله هيله  
بي وويل : «نه ، هيله کوم !» په ڪټ  
کينا ست چي دمه يي په خاي شي .  
سا يي هيڅکله دا سي بنده بنده  
نه کيده . په ٽنڀه يي خولي ورماتي  
وي ، ڪر تي او کيس يي له ځا نه  
رايسل او ځان يي دي ته چمتو ڪاره  
چي خپل مخ بري ويځي .  
خو ته ، لومړي بايد بو څڅو ٽپي  
وروسته نا ځا په ورپه ياد شول  
چي خپلي مور ته يي تحفه نه ده  
اچيسي .  
دي سوچ په نيما يي کي و چي د  
وه بل شي په فکر کي شو ، هغه  
داعي هغه ورځ د شنبې ورځ نه وه له هغو  
زخو څخه چي هره ميا شت يوځلي  
ٻيل کور ته روا نيده . هغه ورځ  
له شنبه وه ، هغه نا ځا يي تلگرام  
ي ورتنه رسيد لي و دده د ژوند  
وازن يي گه وډ کړي و ، هغه تلگرام  
چي په هغه کي ليکل شوي وو «مور  
دي ډيره نارو غده ډير زر کور ته  
ا شه .»  
«راسيتر» چي دور ڪتوب له وخته  
ددوي گاو نهی و . دده ته يي هيڅکله  
ناوړه خبر نه ور کاوه ، نوموړي  
بايد په رښتيا سره ډيره ناروغه وي  
بايد دا فکر ونه کړي چي هغه نه  
حجمه راو نيسي . لماري ته ټپ دي  
شو چي بو څخه راواخلي ، خو لاسو  
نه يي هيڅ کارونه کړي . زير و شرابو  
به اوږده بو تل کي دمیز په سر دي  
ځان ته رابا له ، ڪارل هم ور ټپ دي و  
تاوده او خواږه شراب ؟!

نه وه دابه ښه وه چي اضافي  
کيسو نه يي هم  
را ايستلي وای . امکان يي در لود  
چي دمور نارو غتيا يي ډيره وږده  
شي او دي اډ وي چي يوه يا څو  
او وني هلته يا تي شي . اوشايد  
دابه ښه وي چي تياره کيسو نه  
را واخلي ځکه امکان يي در لود مور  
يي .  
دا سي و لکه چي به خپته يي مول  
وهل شوي وي . يو نا ځا يي غم  
او اند يښي يي ٽول ځان ٽپو لي و .  
پدا سي حال کي چي لږ زنده په ڪت  
کينا ست . له ځانه سره به يي خبري  
کولي «په سند شه ، سم شه سپريه !»  
به ستر ييا سره يي نه هنداره ، ځي  
خپلي خبري ته وکتل او مو سکسي  
غوندي شو . «سم شه سپريه !»  
بيا يي هم گيلاس ډڪ کي اوپه  
يوه دمه يي به سر واپ اووه وروسته  
بيا وريد . وريد او ځان يي  
داسي حس کي چي کني اوږدسوي  
دي . داسي فکر کاوه چي کني سري  
پيستول او چٽ» رسيد لي دي .  
ورو سته نا ځا په هنداره ري ته ځي  
شو اوداسي به سندر و بلو پير  
وکي .  
په پسر لي کي ، سره گلو نه  
په پسر لي کي ، په سندر و پلو  
پيل کوي .  
سره گلو نه ، په پسر لي کي  
په سندر و پلو پيل کوي  
کالي يي را واخيستل اود  
کالي يي وا غو ستل . په پام  
يي بوتل وچ کي له کوي څخه ورت  
او حمام ته ننوت تر او سه يي .  
سندري ويلي تشت يي له او بو ډڪ  
کي او په منځکي يي  
کينا ست . تشت اوپه هم لکه شاپ  
غوندي تا ودي وي . په زړه وري  
حالت يي احساس کي . د پسر  
چمنيزي او تياري شپي په ياد شو  
چي دکور دجو يلي په يوه گو ښه  
کي له يوي نچلي سره زړه .  
در لوده لوبه کوله ، مور يي  
راغله او دوي يي سره جلا کړل او  
کو حني نچلي يي ڪډه روانه کړه .  
له دي کله چي له شي کور  
څخه نه وه .  
ڪارل به ست کي سم کينا ست اود  
ست او نه يي له غي نه  
څه سااو سرا حني زړه  
پم ؟ حني ؟ څه به درباندي  
غلي د خپلي مور به ځکه  
هکي کوي شاپيد هغه مړي .  
په پسر لي کي ، په سندر و پلو

بايد به ريل کي ولاي شي !  
او او س يي غو ښمل چي خپل  
کور ته ولاي شي ، مست شوي و .  
په لږه را غلي زړه يي ورځيد . په  
تشت کي اوږد پر يوت چي دمه يي  
جوړه شي دده پل ځان په تويي ورت  
کي و . يوازي سري له او بو څخه  
وتلي و .  
دده ډاډول اوږد پر يوسل يي  
وو ، چوپ او آرام . دسه شنبې به  
ورځ چي هر څوک په خپله اداره  
کي به کار بوحت دي . او دي ځي ڪرل  
اند ر سر دي . چوپ او آرام د  
تشت په بودو او بو کي ر غدي .  
شايد يوه ورځ له ورځو نه هغه  
لږ و نسيو چي سالي يي دي .  
خاوند شي او بجو يي له ځا نه سره  
وگر زوي هغه هم به سسر  
کي . کله چي سره گلو نه د سري  
به وخت کي سندر و وایي  
ڪارل به تر در لود اوسا حني  
عربي به خورو سراپو ډڪ و سروي  
کاو نو به په زړه پوري .  
به شت کي ودر يد اود خوي  
له ډڪ و لږ د سري  
...  
په پسر لي کي ، سره گلو نه  
په پسر لي کي ، په سندر و پلو  
پيل کوي .  
سره گلو نه ، په پسر لي کي  
په سندر و پلو پيل کوي  
کالي يي را واخيستل اود  
کالي يي وا غو ستل . په پام  
يي بوتل وچ کي له کوي څخه ورت  
او حمام ته ننوت تر او سه يي .  
سندري ويلي تشت يي له او بو ډڪ  
کي او په منځکي يي  
کينا ست . تشت اوپه هم لکه شاپ  
غوندي تا ودي وي . په زړه وري  
حالت يي احساس کي . د پسر  
چمنيزي او تياري شپي په ياد شو  
چي دکور دجو يلي په يوه گو ښه  
کي له يوي نچلي سره زړه .  
در لوده لوبه کوله ، مور يي  
راغله او دوي يي سره جلا کړل او  
کو حني نچلي يي ڪډه روانه کړه .  
له دي کله چي له شي کور  
څخه نه وه .  
ڪارل به ست کي سم کينا ست اود  
ست او نه يي له غي نه  
څه سااو سرا حني زړه  
پم ؟ حني ؟ څه به درباندي  
غلي د خپلي مور به ځکه  
هکي کوي شاپيد هغه مړي .  
په پسر لي کي ، په سندر و پلو

ويلو پيل وکړي . له دي وخت کي يي  
ناځايه دوره ټک ټک ووريد .  
څه خبره ده ؟  
داغیر دکور دځا ورسد و چي د  
دهليز څخه اور ڀڏل کيدو . نو بايد  
ان له ښکته څخه يي دده غي اور-  
يد لي وي . «هيڅ محتر مي داير !»  
هيڅ ! بوازي فکر کوم زړه مري  
خواوي سندر و ووايم .  
«ښا غليه اند رسن ! ته دور چي  
دي وخت کي څه کوي !»  
«غوايم چي ولاړ سم او مور مي  
وو سم هغه ....»  
«نا سو تر بليلي څخه هم زيات  
خو شا له يا ست .... فکر نه کسيم»  
ڪارل دکور ته خاوند پيو غي  
واوريد چي له زينو څخه ښکته شوه .  
«هغه ....»  
سري به څر خندو مل وکړي .  
«مور مي ....»  
پوواړ . سسر کي يي سري وي  
دشت دوي خوا وي يي ونيوي چي  
له هغه نه را ووي . مست ، هوکي  
هغه مست و ، مست !  
...  
په پسر لي کي ، سره گلو نه  
په پسر لي کي ، په سندر و پلو  
پيل کوي .  
سره گلو نه ، په پسر لي کي  
په سندر و پلو پيل کوي  
کالي يي را واخيستل اود  
کالي يي وا غو ستل . په پام  
يي بوتل وچ کي له کوي څخه ورت  
او حمام ته ننوت تر او سه يي .  
سندري ويلي تشت يي له او بو ډڪ  
کي او په منځکي يي  
کينا ست . تشت اوپه هم لکه شاپ  
غوندي تا ودي وي . په زړه وري  
حالت يي احساس کي . د پسر  
چمنيزي او تياري شپي په ياد شو  
چي دکور دجو يلي په يوه گو ښه  
کي له يوي نچلي سره زړه .  
در لوده لوبه کوله ، مور يي  
راغله او دوي يي سره جلا کړل او  
کو حني نچلي يي ڪډه روانه کړه .  
له دي کله چي له شي کور  
څخه نه وه .  
ڪارل به ست کي سم کينا ست اود  
ست او نه يي له غي نه  
څه سااو سرا حني زړه  
پم ؟ حني ؟ څه به درباندي  
غلي د خپلي مور به ځکه  
هکي کوي شاپيد هغه مړي .  
په پسر لي کي ، په سندر و پلو



زنان کشور شاپسته گی خویش را در جامعه و  
فامیل بسدنت آوردند باید مبارزه دشوار و  
طوبانی را در پیش گیرند روی چنین ضرورتی  
سازمان ایجاد و به اهمیت وظایف سنگین  
تولید و توزیع غذا توجه نمود. روی  
این اساس در کشور در راه مبارزه  
با فقر و محرومیت و در راه  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
مشارکت فعال داشته باشند.  
۱۳۳۷، بهار، شمار هفتم

خوب نتیجه جان برای معلومات بیشتر اگر  
درباره هرام یا اهداف سازمان دهو کراتیک  
زنان افغانستان روتنی اندازید مهنومینوم:

۱. هدف: مردم بهای بخشیدن و  
مطالب اجتماعی را برطرف کردن.

۲. هدف: حقوق اجتماعی و  
سیاسی را برطرف کردن.

۳. هدف: در امر کارهای  
سازمانی و اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند.

دستبرد مساوی با مردان در  
و اشتغال در تمام امور و حرفه ها

۴. احای پیسودی و تامین حق مساوی تعلیم  
و تحصیل تمام زنان.

۵. رهایی زن از قد عادات خرافی و  
ظالمه و رسوم ضد کرامت انسانی تامین حقوق  
زن در امر ازدواج مالکیت و اطفال احاد شرایط  
مصلون اجتماعی برای تشکیل خانواده

مطابق رضایت واقعی زن و مرد و مساوی  
علیه ازدواج اجباری بکرا اهداف دیگر سازمان  
توسعه حد تشخیص داده بود که برای اینکه است.



## زنان آزادۀ ما این

# مشعل داران راه آزادی



مشارکت فعال در امر کارهای سازمانی و اجتماعی  
مشارکت فعال در امر کارهای سازمانی و اجتماعی

کف و سوندی بانجبه عوتکی عضو هیات  
رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
لطفا درباره تاریخچه سازمان دموکراتیک  
زنان افغانستان معلومات ارائه نمایند.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که  
تفصیل سازمان مشکل و نیرومند زنان د.  
تاریخ کشور است. همزمان با تأسیس  
حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان د  
۱۹۶۵ بوسه دوکتورس امانیا واکسپ  
تخصصی در امر واکسپ واکسپ واکسپ  
مبارزات واکسپ واکسپ واکسپ  
در حاکمیت واکسپ واکسپ واکسپ  
نی آثار واکسپ.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
در امر مبارزه با فقر و محرومیت و در  
کشور واکسپ واکسپ واکسپ  
پرسنامه زنان را شاطر داکسپ واکسپ  
دمو کراتیک در مسیر اصولی واکسپ  
پیکار واکسپ واکسپ واکسپ  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
در امر مبارزه با فقر و محرومیت و در  
کشور واکسپ واکسپ واکسپ  
پرسنامه زنان را شاطر داکسپ واکسپ  
دمو کراتیک در مسیر اصولی واکسپ  
پیکار واکسپ واکسپ واکسپ  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان



27424





## عشق و امید

در جهان عشق سعی باطل انگار نیست  
در مقام جلسوه حق پرده بدار نیست  
(آفتاب آمد دلیل آفتاب) عشق مسا  
کارما را اگر دلیلی هست غیر از کار نیست  
حق نمایانست چون مه در میان اختران  
معنی روشن امیر صورت انگار نیست  
سینه های خلقها آینه کردار هاست  
هیچ تصویر دگر گویا تر از کردار نیست  
کوه و کوهل میترشد و هم مادر راه ما  
عشق ما خام است پلکان راه ناهموار نیست

بی جهت از لیلی مطلوب دور افتاده ام  
و در صحرای گریه را ندو دیوار نیست  
ساده لوحان ایمنند از دام لیرنگ زمان  
چون صفای خلوت آینه را اغیار نیست  
از کدورت باخیال خویش گری دور  
آنچه را بیگانه بدارد بجز رنگار نیست  
میخورد خار و گل اینباغ از پلریشه آب  
در گلستان معانی فرق نور و لعل نیست  
بر امید عشق هر کاری که باشد مشکلم است  
بادما گر عشق گردد کار ما دشوار نیست  
حیدری نجفیری



گلچین میانی

## نیکویی

چهارا مراسر نسولی و باد  
به تو نیست مرد خردمند شاد  
به کردار های تو چون بنگر  
فوسوس است و بازی نماید برم  
خنگ آنکه زو نیکویی بادکار  
چنانکه اگر بنده گر شهریار

## راستی

نیکویی به جز راستی نیست  
یکوی لیاد خود اندیشه ام  
به گنیز به از راستی بنده نیست  
ز گوی تر هیچ اندیشه نیست

## چه دانی

به هر جای که یار و روی باش  
همی داد پردم خویشت باش  
بین لیک نادانستان تو کیست  
خردمند و اندوه گسار تو کیست  
پیش و پیلای و فردا مگوی  
چنانکه که فردا چه آید بروی

نورنود

## راه

راه است و پای خست من، کشتی تنگ من  
چاه است و چاهه لب و خست و نام و تنگ من  
کوه است و دره، جنگل آتیه و سنگ و گل  
دندان شیر و مرکب و تیش های درد دل  
دلخاست و نا امید و میخ است و خار و لیش  
میراث به یقی، که میراثم به یقی ؟  
این هستی من است و نماند از کجا است  
از کجاست ؟ بر چیست ؟ چنین بر خطر چیست ؟  
این چیست در دل من ؟ مهر است یا لیا ؟  
پس از ؟ یا ناله انگشت چرخ راز ؟  
دل چیست ؟ از برای که این جوشد این خروشد ؟  
این چیست و غیز دمدم موج سرخ پوش ؟  
در دره های مفر من این رود های سار  
سوی کسب ام در یا هستد و سهار ؟



## کاشکی باغوان وای

کاشکی باغوان وی لو بید لم به له گلو سره  
 وم به فطرت سره ملگری خیال دینکلو سره  
 ښکلی مخو نه به می ښکل وه له نسیم سره  
 مسنو نشو کی لمبید لم به نسیمو سره  
 یابه می غیر کی ټینگو له فطرت ناو کس  
 یابه ترلی دام دزلفو کی کا کلو سره  
 کله چی پیغلو اینسو دل دعقیدت کلو نه  
 تلم به مزار دشپیدا نو ته سنبو سره  
 ډکه زولی به می دگلو او غنچو وروړه  
 یولالهزار به په مزار وه خما تللو سره  
 دتورو زلفو په ټالو نو کی دگلوامیسل  
 له لونگین سره به گلووم لسه اور بلو سره  
 کاشکی باغوان وای چی د گلوغاږ کی سره  
 دتور اور بل دیا سه خو ښ به ومزا نگلو سره  
 له غنډ لیب سره به گلو دسوز ساز به نغو  
 راز او نیاز به می همیشی وه له بلبلو سره  
 وم به او لس سره ملگری دخیل شعر په ژبه  
 څکه او لس ته خد مت کیری ښولیکلو سره  
 شیر زی دا خو ټکی ویلی دباغوان له ژبی  
 دده به هیلې پکښی و مو می کتلو سره



## سره یودی

امهر یالیزم وشو ونیزم سره یودی  
 صبیونیزم او لسانیزم سره یودی  
 ماکیاولیزم وریو ونیزم سره یودی  
 انار شیزم و تروود یزم سره یودی  
 دوکتور زیار

## شبگرد

یک شب تاریک و عالم در سکوت  
 کوره باریک بود و کسی نبود  
 مه نبود اندیشه بود و جام بود  
 شیشه بود و من بدم او هام بود  
 دیدم از ظلمت سرا ی دور نور  
 چهره خود می نمود اما چه سود  
 نارسیدم پای غور نا شنا سر  
 شمع او خاموشی مردی مرده بود  
 نقش پیچان میجا و سرد بود  
 حیف گفتم خود به ره گشتم روان  
 تاشق شد صبح سیمین تن دمد  
 پای شبگردی لب ساحل رسید  
 پرنیان شن بودو بحر آرام بود  
 من بدم اندیشه بود و جام بود

خوشه چین

## نامه وداع

پرسن پرسن رسیدم از راه  
 پیدا کردم نشان او را  
 بشردم زنگ ودر گندودند  
 گفتم گولیش آید اینجا  
 دیدم کامد زخانه بیرون  
 سنگین سنگین و سر نکنده  
 ترسان ، چون کونک گنگار  
 لرزان ، چون آهوی رمنده  
 آمد رویش ز شرم ملگون  
 لب هاپیرنگ و سرد خاموشی  
 چشمان تپدار و یوزی اکیز  
 زلفان آشفته یرینا گوش  
 بسپردم نامه را بدمتش  
 گفتم با طعنه ای دل آزار  
 بستان ! این نامه وداع است  
 رفتم ، رفتم ، خدا نگهدار



## شعر سپیده

پایک بهار ، رویش گلپای رحمتی  
 بامن بمان که یوزخ دلیای غربتی  
 من در کنار پنجره تقصیر کرده ام  
 این قصه را که آیت زیبای جنتی  
 در چنگ های خرم این فصل توبهار  
 شعر سپیده ای وز باغ فراخی  
 در حجم های کوچک فردای خاطر  
 حقا که بی تشاله ترین مرز ساحلی  
 من در پناه غربت شبها نشسته ام  
 تو باطن روز ، ندین کوب راحتی  
 تو چون کعبه تاب به انگشت نگاه  
 در هر کجای شهر چه فرخنده آبی  
 بشیر سخاوور



شفق رادر دفتر کارش ملاقات میکنم و با او به گفت و شنود صمیمانه می‌پیرامون امور سینما می‌میردازم که پیشتر به جدل می‌چاند و رد و بدل اندیشه و نظر ما در باره هنر هفتم - باتوجه به نظرات خاصی که اود در این زمینه دادر حاصل این نشست چندساعته رابطه صورت مصاحبه گونه می‌فشرده و مقداری پیرایه بندی قلمی که خواه نخواه سایه انداز صمیمیت وساده گویی می‌گردد که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش می‌آورم ناچه در نظر خواهی از شفق در باره هنر سینما آغاز می‌گردد.

شفق جان! باتوجه به امکانات وسیعی که سینما در باز آفرینی معنی واقعیت ها و اثر گذاری در اندیشه بیننده و القای مفاهیم دارد از سوی دیگر با قبول این نظر که این هنر به خاطر ارزش ترین بودنش در میان وسایل گونه گونه تفریحی بیشترین گروه های مردم را به سالون های نمایش میکشانند هر روز ساحه مطالعه و تحقیق نیز پیرامون اثرات روانی و اجتماعی آن روی بیننده گسترده تر می‌گردد و نظرات تازه می در ایجاد مختلف آن ارائه می‌گردد که هر یک طرفداران و مخالفانی دارد.

به صورت عموم امروز میتوان مجموعه این نظرات رادر دو بخش فشرده ساخت ، نخست اینکه سینما باید نقش آموزشی داشته باشد و با استفاده از امکانات فنی و کار پردو وسیع خود در پروواندن یک قصه مسیر اندیشه تماشاگر را در یک جهت خاص اخلاقی رهنمون گردد و دیگر



این چهره ها و اعمال خلاف اخلاق اجتماعی مساله ای است که باز مانند شرایط ایدمان گذشته به خوبی در فیلم جنایتکاران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بسیار مصاحبه های اختصاصی ژ وندون با هنرمندان گفتگویی باتور یالی شفق دایر کتر پرودو سر سینما

# از آفرینندگی و خلاقیت و بی هدفی



شفق رادر دفتر کارش ملاقات میکنم و با او به گفت و شنود صمیمانه می‌پیرامون امور سینما می‌میردازم که پیشتر به جدل می‌چاند و رد و بدل اندیشه و نظر ما در باره هنر هفتم - باتوجه به نظرات خاصی که اود در این زمینه دادر حاصل این نشست چندساعته رابطه صورت مصاحبه گونه می‌فشرده و مقداری پیرایه بندی قلمی که خواه نخواه سایه انداز صمیمیت وساده گویی می‌گردد که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش می‌آورم ناچه در نظر خواهی از شفق در باره هنر سینما آغاز می‌گردد.

آشنا شویم

نور یالی شفق بعد از آنکه تحصیلاتش را در رشته امور سینمایی در کشور هند پیا پیان رسانید ، عملا وارد کار سینما شد و نخستین تجربه هایش را در این زمینه با مو نتاژ (پیوند) فلم و کمک کارگردانی سا خنه های افغان فلم به آغاز گرفت . روز های دشوار نخستین پرو دکشن هنری بود که وی کمک دایر - کشش آنرا عهده دار بود و بعد از آن با کارگردانی دو فلم هنری مجسمه ها می خندند و غلام عشق مستقل به پیاده ساختن تجربه های هنری خود در زمینه تولید فلم پرداخت.

شفق اکنون صا حب امتیاز و مسوول شفق فلم است که اولین محصول هنری آن چنا یتکا ران به کار گردانی خودش به ژودی روی اکران خواهد آمد .

وی سیو دو سال دا رد وودو بار ازدواج کرده است .

« اگر به مردان افغان امور سینمایی کمک کند ، سینمای ملی ورنیکت میشود . »  
« وقتی سینما گر روشنگر نتواند اندیشه های متر فردوران خود را در قالبهای ساده بیفکند به خاطر گرکز از قیچی سا نسور به افاده تصویر یسمو لیک میسر دا زدوخر فیس رامیکو ید . »



سکله‌ها را به یاد باید خصوصیت باز آفرینی و بازایی خود را از وضعیت‌ها زدست ندهد و بگونه‌ای که نهاساگی راه فکر در باره زندگی و ادراک به او کمک کند که باید بدین معلول ها در پی علی باشد . به او بیاموزاند که زندگی هرگز در ساحه پندار ها ، خواست ها و امیال او خلاصه نمیگردد . سینما باید بتواند نهاساگی را از سطح به عمق بکشد و احساسات او را برای بکشد . عاطفه های انسانی را با هم گره زند و میان انسان ها در همه جا پیوند بر قرار کند . با چنین معیار هایی است که من به تعیین خوب ها و بد ها می سنجایم . میرد از دم و در پهلوی همه این کابه آفرینش هنری در کار سینما اوزش فراوان داریم . چنانکه اگر آفرینش و خلایق در سینما مطرح نباشد آنرا در حد یک ابتذال میدانم و نه یک اثر انسانی هنری .

من فکر میکنم نمیتوان هر خلایقی را در هنر به تأیید گرفت . ممکن است یک آفرینش هنری با همه زیبایی که دارد در اصل از فلسفه‌ای دفاع کند که در آن منافع انسانی در نظر گرفته نشود . باشد و یا از اخلاقی دفاع کند که چارنگرانه به جان اکثریتی بزرگ اضافه باشند و یا واقعیت های عینی زندگی اجتماعی را منسوخ کند و مانند این ها . ما در این مورد چگونه آفرینش را در هنر به تأیید میگیریم ؟

گفته بیشترم را یکبار دیگر تأکید میکنم اگر سینما واقعا باز تابی باشد از عینیت های جامعه ، خود به خود گرگ ، گرگ تصویر میگرد و بره . بره حرف شمارا قبول دارم اما در برودی که خود سینما و یا هنر از مسیر اصلی خود منحرف گردد ، من آفرینش های را قبول دارم که از درون جامعه از روابط انسانی با هم از شرایط و ضوابط حاکم و موجود در درون آن جامعه مایه گرفته باشند و نه از وهم گرایی و خیال پروازی های لطفاً ورق بزنید . غیر واقع .

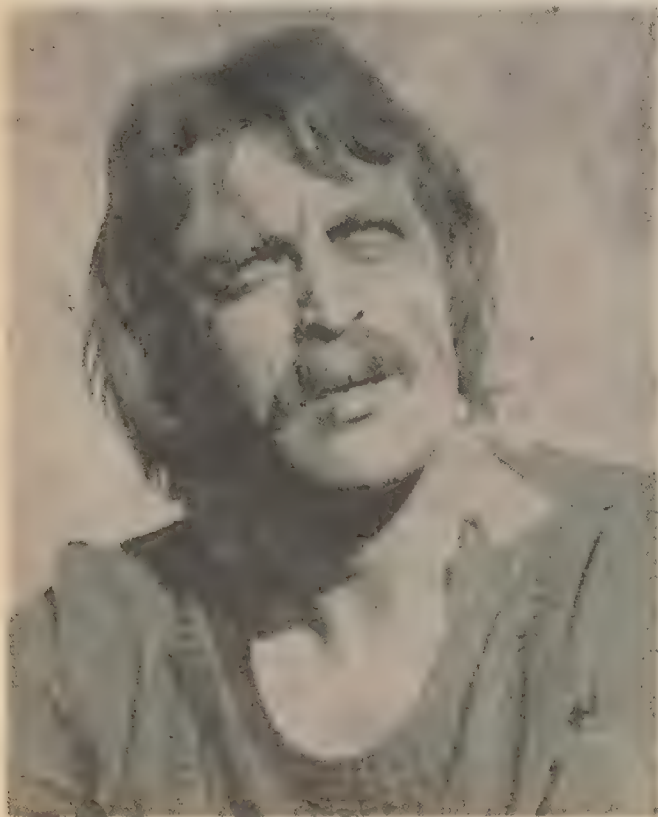


محمدجان گورون یکی از وزیده ترین بازیگران و هنرپیشه‌های افغانستان است که بدون شک خواهد توانست با پیگیری خود موفق یک هنرپیشه‌ای جهانی را احراز کند

چوگان خاصی اخلاقی ، بلکه در یک بهای و سنج اجتماعی مطرح باشند . سینما بهر صورت و بهر غیر واقع .

# ادیت تاد نبال رویی در سینما

اگر هنر هفتم باز تا بسی از واقعیت های عینی جدا شده باشد باید گرگ در آن گرگ تصویر گردد و بره ، بره هر سازندگی و خلایقی را در سینما و هنر نمیتوان به تأیید گرفت . باید دید که این آفرینش چه را می خواهد بگوید و چه رانگی می کند .



ادیت تاد نبال رویی از هنرمندان جوان افغانستان است که در حال حاضر در خارج از کشور زندگی می‌کند.

اینکه هنر هفتم نیز مانند هر هنر دیگری باز تابی باشد از واقعیت های درونی و عینی جامعه که در آن بابرش های قطعاتی از زندگی عادی و روزانه پیچیده به عمق مسائل و حوادثی کشیده شود که هر روز به نحوی با آن سروکار دارد . اما در این نشاندن هرگز همین که نباشد . اندرز ندهد خوب ها و بد ها را با موازین خاص اخلاقی که سینما گر به آن اعتقاد دارد به خورد مردم نهد و بگذارد که نهاساگی خود به تفکر کشیده شود و در این نوع دوم هنر ... هنر ... خاطر هنر مطرح باشد تا به خاطر آمیزش ... هنر ... نباد آوری این نکته که طرفداران جشن سینمای





نمایی از فیلم «سازمان» در حال پخش در تئاتر



در کشور های عقب نگه داشته شده که از سوی سطح سواد و میزان آگاهی عمومی پایین است و از سوی دیگر اختناق فکری در همه جاسایه گستر است و قدرت های حاکم سیاسی میکوشند عرواقی را و ارو نه جلوه دهند به نظر شما روشنگر هنرمند و در این بهار سینما گر روشنگر چگونه میتواند با ساخته های خود بیانگر واقعیت های عینی جامعه باشد و تصویر های گو یای خود را از بیچی سانسور بدور نگه دارد ؟

وقتی هنر مند در تنگنایی قرار می گیرد که نمیتواند حرف خود را بگوید، ناچار برای رساندن پیام خود به مردم شیوه های دیگری را مورد استفاده قرار میدهد که سمبولیزم یکی از این روش هاست. سینما گر در چنین شرایطی میتواند با ارائه سمبولیک حداقل بخشی از اندیشه خود را باز گو کند و مقداری از واقعیت ها را برهنه سازد .

به نظر من هنرمند باید درست مثل يك ماراژ کوچکترین منفذ ها هم برای رخنه کردن استفاده برد . در غیر آن او نمیتواند تحرك هنری خود را حفظ کند . هنرمند نباید در انتظار مساعد شدن شرایط باشد- او باید خود شرایط را مساعد گرداند .

من دشواری رادر سطح يك کشور عقب نگه داشته شده به طرح آوردن و دور کشیدن لیژم به آگاهی نیاز دارد . اگر در این زمینه کشور خود را مثال بیاوریم ۹۵ درصد مردم ماحتی

سواد عادی نیست و خوان را هم ندارند . آنها چگونه میتوانند در یک فلم زبان سمبول ها را بفهمند . آنرا در ک کنند و از طریق آن به افشاگری سینما گر در زمینه واقعیت هستی ناچار جامعه برسند ؟

حرف شما کاملا درست است ، اما اگر سمبول ها پیچیده نباشند و پیوند تصویری هنرمندانه باشد به گونه ای که سمبول مورد نظر بتواند ارتباط منطقی تصویری خود را با تصاویر قبلی و بعدی فلم حفظ کند در واقع گره سمبول را خود فلم باز میکند و مفاهیم را به تماشاگر می رساند .

شما میتوانید یک نمونه از این گونه ابداع در ارائه سمبول های تصویری در ساخته های سینمای خود اشاره کنید ؟

من مثالی از فلم «چنایکارانه» میاورم که به زودی روی اکران خواهد آمد. در این فلم دختری جوان ربوده میشود نامورد تجاوز قرار گیرد. سات های بعدی مادر این دختر رادر حال کالا سوی نشان میدهد مادر بعدا تقاره را که ایش کثیف شد سوازی می کند . کمره دوش این آب را تاجوی آب پاک روان تعقیب میکند و بعد و ن فاصله در نسای بعدی دختر به چشم تماشاگر کشیده میشود که مورد تجاوز است . خوب این صحنه - صحنه روسی آب های چل در آب پاک و تاکید تصویری که روی آن میشود يك سمبول است که نشان میدهد چگونه ندانم کاری ها کثافت ها را محال آمیختگی با پاک ها و پاک ساختن آنها میدهد و پیوند تصویری فلم نیز به بیننده کمک میکند که منظور سازنده و تصویر گر را دریابد و یا او را به تفکر درباره کثافت سازی ها وادارد .

آقای شفق به اجازه شما میپردازم به موضوع بیپ سازی در سینما باید آوری این نکته که تیب سازی موفق در واقع به تماشاگر سینما موقع میدهد تا او به اصل تداعی ذهنی برسد و نمونه های فراوانی را از تیب مورد نظر ارائه شده در سینما در زندگی روزانه خود بیاد آورد، آنها را بشناسد، با خصوصیات روانی و عاطفی شان آشنا گردد ، شیوه فکری شان را دریابد ، انگیزه های اعمال شان را بداند و ضعف ها و توانایی های شان را به بررسی گیرد من می خواهم ادعا کنم که سینمای ما تاکنون نتوانسته است تیب های زنده ای را ارائه دهد، شما این نقیسه را چگونه توضیح می کنید؟

محترم راضع، من نظرت را در نمی کنم، اما توهم نباید فراموش کنی که مادر پروردیس های سینمایی با مشکلات و دشواری های فراوانی روبرو هستیم که مانع تهیه کار های خوب و بی عیب میگردد- کمبود وسایل فنی، کمبود پرسونل و مخصوصا بازیگر با استعداد در سطحی که تو آنرا به طرح آورده ای . فقر پولی و ده ها برابلم دیگر از این قبیل میباشد که نمی گذارد کارها درست به انجام آید . دایر اکثر در شرایط سینمای ما بایک گروه باز یکن حرفه وی سروکار ندارد که دو هر نقشی بهترین ها را برگزیند و آنها رادر قالب های هنری شان جای دهد ، ما مخصوصا تاجای به کمبود بازیکن زن در سینما روبرو هستیم که وقتی کسی حاضر میشود در فلم بازی کند بی تو چه به سطح میزان استعداد و توانایی او در این رشته یزباش میگردیم و میکوشیم تاجای امکان از او چیزی سوازیم خود این گونه شرایط نباید سطح توقع را از ما بالا ببریم .



# بسیار گفتم و ننمود های...

سمسور سپاهی ژوی

## دزیری دیر مختک په هکله

### درسم بنسټیز ارزښت

نود همغی گری څخه یی دخپل چلو-  
پیر یال دپینډلو او خپل ژوند ته  
دودی اود پر مختک ورکولو خیال او  
فکر یی هم ددماغ په ماغزو کسۍ  
ورو گر خید .

که انسان دزیری دمخې دټولو-  
اجتماعی چارو دیر مختک په هکله  
ژور فکر وکړی نو په پای کی دی -  
حقیقت ته رسیږی چی دبشر دپیدا -  
یښت نه آن تر ننه پوری بشر پریالی  
شویدی چی دهمدی رسم په سکيل او  
چوکات کی خپلی غو ښتنی او اړتیاوی  
ځای کړی او هغه ته وده ور کړی  
او پر مخبو ځی .

ځکه که چیری په لو مړی سر کی  
دیوی سا ختما نی چاری لپاره یو-  
سکيل او چوکات موجود نه وی نو  
بیا هډو دسا ختما نی چاری مخ په  
وړا ندی تللی نشی . په لو مړی سر  
کی همدا سکيل دی چی درسم په  
ډول ښکاره شویدی او یا په بل  
عبارت رسم دی چی انسان د هغه

په لوښی کی خپل ټول مرا مو نه او  
غو ښتنی ښکاره کوی او بیا په بیلا  
بیلو ډو لونو او ښکلو نو یی پر -  
مختیا یی اود هغه دبدلون سره جوخت  
دبشر په ټولنیز ژوند بنسټیز -  
بدلون او تحول منځ ته را ځسۍ  
دبشری کهول معا صره ترقی او پر  
مختک خاص درسم له لوښی څخه  
دسکيل له لوښی څخه او تللی ښکاری  
نننی نړی لاپدی پر مختکو را ضی  
او قانع نه ښکاری شپي او ورځی  
هاند اوز حمتو نه گالی شپي او ورځی  
هڅه کوی تر څو درسم دنیا لابیسی

ارته او پرا څه کړی او ددی لوښی  
په چوکات کی خپل ځانو نه هغو  
پر او نو ته ور نږدی کړی چی دوی  
یی دپو هی له مخی اټکل کوی . د  
مثال په توگه که چیری مونږه دیوی  
ودانی او یا یوی آلو تکی او یا یوه -  
مو ټرا صلی جوړونی ته په ښه شانی  
ژوره کتنه او با ملرنه و کړو نو مونږ  
ته پته لگیږی چی په لومړی سرد هغوی  
پاتی په ۴۴ مخ کی

کله چی انسانا نو دزیری پر مخ  
ستر کی پرا نستیلی نود نړی پر مخ  
یی راز ، راز شیان تر ستر گو ورځی  
په هره اندازه چی زمان بدلون وموند  
و بشری کهول دزمان په غیږه او د  
مکان په لمنه کی عمرو نه تیر کړل  
نوبشری کهول وروورو دزیری په  
پیرو پټو او پیچلو رازونو پوه شو .  
چی بدی ترڅ کی بشری کهول بدی  
راز هم پوه شو چی و کولی شی  
درسم په واسطه خپل لیدلی اجسام  
او یا په بل عبارت خپل دتصورا تو  
و تخیلا تو مجمو عه درسم په  
ذریعه خلا نده او ښکاره کړی . دغه  
کار دتاریخ په اوږدو کی په ډول ډول  
سره خپل ځان ښکاره کړی بدی کله  
رسم یوازی دکر ښو او کله دښکاره  
اجسامو او کله دمحض تصور او  
تخیل په چوکات کی داجسامو او  
څیرو په څیر دزیری دمخې دانسانا-  
نو له مخیلو نه څر گند او ښکاره  
شویدی .

دزیری دمخې هغه انسانان چی  
درسم په واقعی ارز ښت باندی پوه  
شویدی هغوی هڅه کړی یه چی رسم  
یوازی دوسم په دنیا کی زلفا نیسی  
ونه ساتی بلکی کړی په کسۍ  
رسم ته دبشری دژوند اړیکو او -  
آو ښتون سره سم او چوخت بدلون  
او آو ښتون ور کړی اودر سم په  
ذریعه چی دزیری دمخې دټولو اجتماع-  
عی ، او ښتونو بنسټ او زیر بنا-  
گڼل کیږی زړه پوری او بیساری بد-  
لون ور کړی .

همدغه راز چی دزیری دمخې حالات  
گری په گری آوی او راآوی بشر  
اود بشر ذهن اود ماغ او انفعالات  
او ضرور تو نه هم آوی او راآوی  
او په هره شیبه کی خپل رنگ او  
اڅخ بدلوی . بشر پخوا هرڅه په  
ابتدای او طبیعی صورت کتل خو  
کله چی د طبیعت جریان او سړو او  
تودو بشر بدی پوه کړی چی همدا -  
خار چی نړی ده چی دانسان په یو -  
هولو او رابو هولو کی لوی لاس لری

## نصود شکوری رئیس تنظیم

۱- وجود امنیت مشکلات دو شخص  
۲- عدم مو چو ډیټ اکثر مشخصات  
کمی و کیفی در چنین اسناد ویا موجودیت  
آن به شکل ناقص .  
۳- عدم شدن زمینه ترتیب و محت  
اسناد جعلی زمین .  
۴- گریز از مالیه ومسوولیهای  
زمیندار .  
۵- عدم مراعات عدالت اجتماعی نظری به  
موجود بودن اسناد مختلف در نزد اشخاص  
مختلف برای عین قطعه زمین .  
۶- عدم مراعات سیستم مناسب بستر  
سند و مشخصات زمین در دفاتر مربوط .  
۷- بروز دعاوی در وقت بهره برداری  
وانتقال زمین از یک شخص به شخص  
دیگر .  
۸- نبودن سند متحد الشکل جهت جلوگیری



وارد آورد تاسد های جدید جبران  
پذیر نمیشاند.

در زمینه ضرورت تجدید اسناد متنوع  
ملکیت به یک سند متحد الشکل و سمس  
قانونی یاد آور میگردم که کشور عزیزما  
دارای مقیاسهای مختلف عناوی انداز  
گیری مساحت زمین مانند «یکال تخم  
ریز» ( قلیه ) مالیه «پاکا وشتنگل»  
وانداز گیری حقا به مانند «شبانه روزه»  
«پار شب» «ساعت» «کاسه» «کاریز» و درجه  
زمین به نام های ( سیر ) ( من ) «پیمان» و غیره  
میشاند که این امر باعث تشتت در محاسبات  
ملی و سنجش های روز مره شده و در  
تعدیلات آن مشکلاتی را بار می آورد .  
به همین ترتیب سند ملکیت زمین نیز  
در کشور ما متنوع بوده و به نام های :  
«فرمان» «وثیقه شرعی» «ترکه خط»  
«تملیک خط» «سند عرفی» «سند مالیه دهی»  
«ثبت املاک» و غیره یاد میشوند که تنظیم  
تعدیل و بررسی آن موجب ضایع و وقت  
دوایر و سرگردانی مراجع میگردد  
این مشکلات را میتوان به صورت فشرده  
دراین موارد خلاصه کرد :

تاتام



# در محکمه فایلی چه خبر است؟

## یک ماه اجرای سردرگم

اینبار تعداد زیاد مرا جعین در دهلیز محکمه فامیلی توجهام را جلب میکنند که انتظار ملاقات با رئیس محکمه را دارند.

چهره ها حالات مختلف دارند کسی از گریه چشم و روی سرخ رنگ پیدا کرده ، کسی لبخندی روی لبانش دیده می شود و غرق تفکر است و دیگری با صدای بلند می خندد و بلند بلند حرف می زند ، زنی با چادر نماز کودکی را به آغوش گرفته است و در حالیکه چادرش را سخت بادندان گرفته بدیوار مقابل دروازه رئیس محکمه تکیه نموده است . آنطرف تر دو مرد ، یکی جوان و دیگری میانسال گسو شده ی را انتخاب نموده وساکت نشسته اند ، مرد جوانی هم باقد مهای آهسته طول دهلیز را می پیماید و گاهی می ایستد و باخود زمزمه ای میکند .

دورن چادری دار هم که معلوم میشود نوبت شان اول بود به اتاق رئیس داخل می شوند .

از میان همه توجه ام را بیشتر زن جنوا نیکه چادری فصولادی و پیراهن سبز کوتاه بتن دارد جلب می کند زیرا آوازش بسیار بلند و توانم باخته و گریه بود .

بطرف اونزدیک می شوم خود را معرفی نموده و میپرسم که میتوانم سوال کنم که برای چه مقصد به محکمه آمده اید ، میگوید : ده رجه میبرسی بیرس و قبل از اینکه مرا مجال سوال نمودن بدهد فوراً سر گپ می آید :

— اوه همشیره ! دلم کوفت کده . اگر بقچه دلمه بیشت بازکنم و تو قصه مره بشنوی تاشو خلاص نمی شه . مگم اگر میخای مه کمشه بر منم .

همومرد که ره که می بیسی (بطرف مرد جوانی اشاره میکند که کمی دورتر نشسته بود ) به سرمه دعوی کده و میگه که مه زنش هستم

اصل قضیه اینطور است که همی خواهر مه که شش ماهی بینید دو ماه بیش از شوهرش طلاق گرفته و به خانه ماده مراد خانی آمده و با مادر زندگی می کند ده روز قبل بود که بچه خاله ما بیپانه مریضی بخانه ما آمد و گفت به شفاخانه خود را نشان میدهد . چند روز از آمدنش تیر نشده بود که از خانه ما قهر کرده و رفت ...

چند روز بعد بود که به محکمه جلب شدیم ....

برادر زن در حالیکه خیلی جدی حرف میزد سخنانش را اینطور دنبال کرد ..

خواهر مه ببین و اینرا ببین به کدام روز و حال خود میخواست که شوهر خواهرمه شده ... مگم مه زنمه نباشم . دگه نمی خوا هم که خواهرم زجر بکشه همی بچه خالیم از خود زن و اولاد داره ، مگم خواهرمه خوش کده و میگه ما اوره برش داده بودیم ، باش که قاضی صاحب چه میگوید ...

به طرف مرد مخاطب که تا هنوز سکوتش را حفظ نموده و یگان دوو دشنام راهم می شنود مکر مثل اینکه هیچ کلمه ی نشنیده باشد بروی خود نیاورده و خونسرد ایستاده است . به اونزدیک میشوم و می پرسم :

— شماحتما سخنان اینها را شنیده اید . چه نظر دارید ؟

میگوید . بلی شنیدم ، ای خواهر و برادر راست نمی گویند هوش کنی که گپ های شانه باور نکنی هرچه گفتن راست نبود . چند وقت بیش خالیم همی دختره بیه دادچهل هزار افغانی طویانه خواست که قدری از آنرا نقد و چیز شه جنس (مثل قالین و گلیم و چیز های دیگر) برایشان دادم چند وقت هم همراهی شان بودم ، درست است که زن و اولاد دیگر هم دارم تصمیم داشتم دختر خاله خودمه هم که نامزد شده بود طوی کده ببرم همی بود که برای کار ضروری و بانجام کارهای که داشتیم به هلمند که جای اصلی ام است رفتم همی که پس آمدم وضعیت اینها بسیار تغییر کده بود که بعد از اینکه خوب به خودم معلوم کردم که اینها از خیال خود، و کرده خود بشیمان شدن و دختر را به من نمی دهند از خانه شان به کوه ...

برمیدارد من اشکی و با آثار اشکی به چشمایش نمی بینم حتما گریه بی اشک بود !

مرد جوان که کمی دور تر بود حرفهای زن را بخوبی شنیده می توانست در حالیکه چهره اش حاکی از خستگی و ناراحتی زیاد بود و زهر خندی بر لب داشت هیچ گپ نمی زد فقط طرف زن نگاه میکرد .

مرد جوان دیگر که قد بلند ی داشت و کالای نوبه تن و لنگی به سرداشت خود را برادر زن جوان معرفی نموده سخنان خواهرش را با اشاره سر تایید نموده میگفت :

راس میکه ، راس میکه .... موصوف به سخنانش چنین ادامه داد :



این خواهر و برادر میگفتند که آنمرد دروغ میگوید و قطعاً طویانه و یا چیز دیگر بها نداده و اصلاً مساله نامزدی و اینطور حرفها درست نیست.



## مقصر از دوا جهان نافر جام کیست؟

بی قید و بند بد همد ممکن عوا قب نا گوار  
و خطرنا کی بیار آورد.

والدین با ید بدانند که برای ورود در هر  
اجتماع ، هرس از خود انضامی خاصی دارد  
در ست نیست که آنها پسر و دختر نوجوان  
خود را که هیچ تخر به و آماد گی قبلی

ندارند و ارد اجتماع بزرگتر ها میکند و  
انتظار هم دارند که همراه و منحرف نشوند.  
روا نشنا سی در پتاره گفته است: پدران  
و ما در نا نی که در جوانی با ندادن دوسان  
و آسانان شان سوگه مقبولی و یاصفات د یگر  
نداسته اند، همیشه در وحشت و ناراحتی این  
پسر می برند که میاد دختر و یا پسر  
شان نیز دچار چنین وضعی بشو ند  
واز ترس آنکه نکند چنین چیزی پیش بیاید  
فرزند خویش را تشویق میکند که هر چه  
بیشتر از جوانی و شادابی جوانی استفاده  
کند و هم این را برای خود نو عسی  
افتخار میدانند که خوا ستگاران متعدد به  
یشت دروازه شان صف ببند ند و جوانان  
برای بد ست آوردن دختر شان سرودست  
همد یگر را بشکنا ندند .

روانشناسان و جامعه شناسان برای  
آهنده پدران و مادرانیکه دختران و پسران  
جوان دارند بعد از تحقیقات و مطالعات  
وسیع توصیه ها یی نموده اند تا آنها با  
بکار بردن این توصیه ها تا اندازه یی  
ممانع از دواجهای نافر جام  
وقبل از وقت آنها گردند و به آنها اجازه  
بد هند تا تحصیلات خود را تمام و با عقل  
و فرا ست همر آینده خود را انتخاب  
کنند .

۱- از معاشرت های بی قید و شرط خزان  
جوان با پسران مخصوصا در سنین پانزین  
جلو گیری لما قید وازین بیم ندا شته باشید  
که دیگران شما را کهنه فکر و قدیمی  
بگو یند بلکه آیند فرزند تان اهمیت  
بیشتر دارد . وهم متوجه باشید که  
دختران تان چگونه دوست وخواو خوانده  
بی دارند پسی بردن به شخصیت و طرز تربیت  
دوست شان نیز مهم می یاشد .

۲- دختر و پسر جوان باید بدانند  
که اوقات بیکاری خود را چگونه سپری  
نمایند و بطور به اجرای کارهای مثبت  
اقدام نمایند .

۳- هرگز به فرزندان تان اجازه ندهید  
که از بزرگتر ها تقلید بی جاو بی موقع  
کنند مخصوصا در قسمت حرف زدن ،  
رفتار ، گردار و همه کارهای شان متوجه  
باشید سن نو جوانی بسیار خطرناک  
است کوچکترین غفلت سبب لغزش و انحراف جگر  
گوشه های تان می گردد که پشیمانی  
سودی نشوا هد داشت .

بفیه در صفحه ۲۰۰

از نوا چهای قبل از موقع نه تنها برای  
خانواده ها و اطراف با عت مشکلات می  
سرسد بلکه سبب بروز بعضی پرابلم ها  
برای جامعه نیز می شود و سوالی که  
پیش میاید اینست که این عجله برای  
چست نو عوا مل آن چه می یاشد ؟  
به عقیده روانشناسان و جامعه  
شناسان عواملی که بعضی از پدران  
و مادران را علاقمند به ازدواج فرزندان  
خود در سنین کوچکی می سازد برای  
خود شان هم واضح نیست یما دید ه شده  
که والدین نا خود آگاه و غیر معقول به  
ازدواج فرزندان خود در سنین پانزین  
اقدام میوزند .

بعضی از والدین خود شان در ایام جوانی  
کمبود های داشته اند مثلا آنها نظر به  
ایضا بات و شرایط محیط و زمان ، سطح  
وسویه زندگی شرایط خانوادگی در قسمت  
معاشرت و برخورد با محیط اجتماعی ، تهیه  
لباس و غیره معبودیت های داشته اند که  
میخوا هند یا چاهه عمل پوشانند آن آرزو  
های دیرین با لای فرزندان خویش محرومیت  
های دوره جوانی خود را جبران کنند .  
برخی هم با فراهم نمودن شروط نشاط  
در اطراف خود میخوا هند خاطرات جوانی  
خود را زنده نگه دارند و برای اینکار سرگرمی  
های برای پسر و یا دختر جوان خود فراهم  
میسا زند ، و فرزندشان هر چه بخوا هند  
بدون کوچکترین معا نعی میتوانند انجام  
بد هند مثلا فرزندان آنها با خاطره  
آسوده دوستان خود را دربارتی های رفیه  
سنگرت و حتی قمار دعوت می نمایند که  
چنین وضع سبب لجام گسیختگی و انحراف  
در جوانان گردید و وا کثرا به عشق های  
آتشین و ازدواجهای قبل از موقع منجر  
میگردد .

در قسمت تهیه لباس نیز گاهی والدین  
با توجه میباشند مثلا برای دختران  
لباس های انتخاب میکنند که  
خبر بالا تر از سن شان میباشند و یا  
آنها را آزاد میگذارند که هر چه خوا ستند  
پوشند و خود را بپوشانند طبعاً لباسهای  
چف و نیمه برهنه و یا خیلی تنگ و آرایش  
غلیظ در گوجه و بازار و مجالس و مهمانی ها  
نظر ها را بطرف خود جلب نموده و زمینه  
خواستگاری و ازدواج برای دختران بوجود  
می آید .

گروهی هم طر فدار این عقیده هستند که  
معاشرت پسر و دختر از آوان کودکی سبب  
میشود تا در بسو و گی ، آنها  
از همدیگر شرم و وحشت نکنند در حالیکه  
جامعه شناسان مخالف این عقیده  
وده و مستقما میگو یند که : با زیبای  
ساد ه کود کانه ، درس خواندن پسر و دختر  
در مکاتب به جای خود مگر در صورتیکه  
همین بازیهای کود کانه تا سنین بالا تر  
ادامه یابد و جاییش را به معاشرت های

ای رفته و یگرا ست به محله  
فامیلی عریضه کدم که در حی کب  
لیده و بول مه خواو او نامده و ....  
دوباره ساکت شد .

بعد زن جوان رویش را به طرف  
پسر خاله اش نموده گفت حالی توهم  
عکسته بگیر .

گفتم باهم گپ دارین هنوز ؟  
زن گفت: بلی خدای ده بچه خاله  
مه اس .

و در یوقت نوبت ایضا می رسد  
به اتاق رئیس داخل می شوند .

من برای اینکه ما جرای اینهارا  
بدانم که بکجا انجا مید جریان  
اینهارا که چندی قبل تهیه نموده  
بودم بجا ب ندام و مدتی بعد در باره  
اینهارا از رئیس محکمه فامیلی  
برسیدم . در جواب گفت بعد از  
همانروز تاکنون مرا جعه نکرده اند.  
انشاء الله که بیک توافق مثبت  
رسیده باشند .

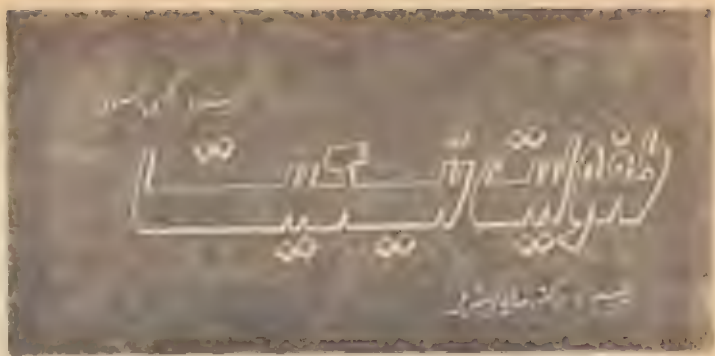
وقتی خواستم عکسی از آنها  
بگیریم دختر چادری خود راجا بجا



این مرد ادعا میکرد که من چهل هزار افغانی چیزی نگاه و چیزی چسب

طوبانه داده ام .  
شماره ۹





را حشرات آبی، کرم های حشره و بیه های چوچه تشکیل میداد. در زیر قایق شما می کردند، عنکبوت هابر روی آب می تویدند، زاغ ها از آشیانه های شان از فراز بیدها بسوی شان میدیدند.

واذیلی نیکیتویچ طاب حلقه دار شخصی دو یا سالار را پریشان بادیان کشتی بست، بالای آن یک بیه که برپا های عقبی اش بر یک زمین سبز ایستاده بود رسم شده بود، در حالیکه گونه هایی را پاف نموده بود به کشیدن ریمان بادیان پرداخت، طاب کوتاه حلقه دار بالای دیرک قرار گرفت و در فله اش منتشر گردید، زاغها از آشیانه های شان از بید هاپرواز کردند، با اعلان خطر فریاد نمودند.

نیکیتا برقایق سوار شد و جایش را در مکان قایق انتخاب کرد، ارکادی چمچه هارا گرفت، قایق درآب عمیق تر نشست، بعد بالاشده از ساحل دور گردید و بر سطح آینه وار حوضی که بیدها، سایه بان سبز، پرند ه ها و ابرهارا منعکس می نمود سبک تر حرکت آمد، قایق بین زمین و آسمان شنا می کرد، یک جمعیت بیه بالای سر نیکیتا جمع شد، آنها گرد هم هجوم آورده و با قایق راه می رفتند.

«سرعت تام به پیش، سرعت تام!» واذیلی از ساحل فریاد زد:

مأمی دست هایش را حرکت داد و خندید، ارکادی چمچه زد و از میان نی دار سبز و کوتاه به مرغابی ها رسید، با فریاد و ترس نیمه آب بازی می کردند و نیمه در پسرواز بودند.

«بر کشتی سوارش کن، سالار بیه ها، هوو!»: سواذیلی نیکیتویچ فریاد زد: زیلنوکین...

زیلنوکین بر یک توده گیاه در آفتاب بیسن کنج دالان و دیوار خانه نشسته بود، اونیکیتا را با هراسی که در دلت بود می دید. سر زیلنوکین (یک نوع مرغی است) بر پشتی آرمیده بود، منقارش با تریقه زرد مستیما پایین بزمهای آبیوه و کونا هاش قرار داشت. تمام پره های زیلنوکین ژولیده بود، پها هایش به بالا بزر شکمش کش شده بود. و تکیه نیکیتا بسوی خمد او منقارش را باز کرد باجه را برساند. نیکیتا او را بین نودمشتی گرفت. او یک سار بود، هنوز رنگ خاکی داشت. معلوم بود که می خواست از

آشیانه اش دود تر پرواز نماید، چو نکه بال هایش هنوز مهارت کافی نه داشتند بز مین افتاده بود در کنج بالای برگهای کاسنی که بر زمین هموار بود پناه گاه اختیار نموده بود. فلب (زیلنوکین) در نا امیدی ضربه می زد «قبل از اینکه نفس بپر آم» او تصور کرد «اومرا خواهد خورد» - اوالته می دانست که چطور کرم ها، مگس ها و کرم های درخت را بخورد.

پسر او را بدشتی بالا کرد (هراد از پسر همان نیکیتامی باشد) چشم های زیلنوکین با یک پرده پوشیده بود، قلبش در زیر پر هایش پرید، اما نیکیتا تنها بر سر او پف کرد و او را با خود بخانه برد، باین معنی که او گرسنه نبود و او زیلنوکین را بعد تر خواهد خورد.

زمانیکه الکزاندر ایرتینغا - سار- ردید آن را مانند نیکیتا بالا کرد و بردست گرفته بر کله اش پف کرد. «اوبسیار خورد است، بیچاره»، او گفت «چنین متفاوت، زیلنوکین» آنها سارا را بر آستانه کلکین که بسوی باغ باز شده بود و پاره حیات می شد گذاشتند. داخل کلکین نیز از نصف بالا با یک پرده پوشی شده بود. زیلنوکین فوراً چابلسانه فروتنی کرده تلاش کرد که نشان دهد او حیات خود را از آن نخواهد فروخت، در بیرون، آنطرف پرده سفید، برگ ها در اهتزاز بودند، گنجشک های فقیر دزدان و ذیل ها، دوتیه هادوبی دایمی کردند، طرف دیگر، همانطوریکه در عقب پرده، نیکیتا بطرف اومی دید و چشما نش بزرگ بود، نهمیدی و افسونگر بودند.... «من گم شده ام، من گم شده ام»، زیلنوکین تصور کرد.

هنوز هم نیکیتا شام او را نخورد، نام زیلنوکین از کلمه روسی «زولتی» بمعنی زرد گرفته شده زیلنوکین بسوی کرم کور سرخ که در جلو بیی اش مانند یک مار پیچ و تاب می خورد از زیر چشم دید، «او را نخواهم خورد، آن یک کرم حقیقی نیست، این یک فریب است.» آفتاب غروب کرد اما هنوز هم چشما ن خواب آلود زیلنوکین، با آستانه کلکین متوجه بود، و باینجه هایش محکم چسبیده بود- چیز دیگر نبود که دیده نمود، پرند ه های

باغ خادوش شدند. یک رایحه شبانه از آن رطوبت و گیاه احساس می گردید، سرری عمیق و روعیق تر در پرهایی فرو رفت. با حواش ناگهانی، زیلنوکین به جلو و بعد به عقب بالای دمش تکان خورده پر هایش را از غلب دوم و برهم نموده دو باره بختواب میرفت، اما گنجشک ها او را پیدا کردند. آنها آشوب برپا می نمودند، پر شاخه های درختان آروغان با هم می جنگیدند. یک سار هم با شترک هدهد در یک فاصله دور با صدای خوش و شیرینی به سرودن آغاز نمود. «تحمش را ندارم، آفتاب گرمه ام که احساس ناخوشی میکنم». زیلنوکین تصور نموده و کرمی را دید که در میان درز آستان کلکین فرو رفته. بالایش جست زده و از دمش گرفته آنرا بیرون آورد و بلع نمود. «بد نبود، یک کرم لذیذ»، در خاطرش ظهور کرد.

نور آفتاب به شعاع آبی تبدیل شد. پرند ه ها بیرون پروا خند، یک شعاع روشن و گرم نور آفتاب از لایهای برگهای درختان بر زیلنوکین افتاد. «خوب، هنوز هم زنده ایم». در تصور زیلنوکین آمد، به جست و خیز شروع کرده مگس را قایید و بلع کرد. در همین لحظه آواز قدم های کمی بگوش رسید، نیکیتا به کلکین آمد و دست بزرگش را به عقب پرده دراز کرد، او انگشتانش را کشود و مگس ها و کرم هارا که روی آستانه کلکین بود منتشر نمود، زیلنوکین از ترس دوباره به کنج خود رفت، بالهایش را کشود، بطرف دست دید اما آن بالای سرش پرید و بعدا پشت پرده ناپدید گشت، دو باره همان چشم های جذاب و درخشان به زیلنوکین خیره گردید.

نیکیتا رفته بود، زیلنوکین بر هایش را با منقار صاف نمود و بفکر کردن پرداخت. «پس با اینکه او می توانست مرا نخورد، پس او پرند ه ها را نمی خورد. پس جای ترس وجود ندارد.» زیلنوکین بندر کفایت خورد، پرهایش را با منقار خود صاف نمود. با متداد آستانه کلکین بجهت خیز پرداخت بیرون به گنجشک هادید. گنجشک پیری بنظرش خورد که پره های سرش ژولیده بود. به آزار دانی شروع کرد سرش را با آشیلاق بیسی و پس میگرد: «فیوت، چلک، فیوت»، گنجشک قهر شد. سیه اش را باز نمود و با منقار باز بسوی زیلنوکین پرواز نمود. نیکیتا دو باره آمد، دستش را پشت پرده برد اما این بار دستش خالی بود و آن را نزدیک پرند ه برد زیلنوکین بالایش جست و یک گفتش را با تمام قوه اش نول زد. به عقب جست و آمده و غرید. «ها ها ها». روز به مین منوال گشت، چیزی نبود که بنرسد، غذا با اینکه کمی یکنواخت بود باز هم خوب بود. زیلنوکین بشکل برای غروب انتظار کشیده می توانست و آن شب بسیار خوب خوابید. روز دیگر بعد از ناشنا - او خواست از پشت پرده دودن بگریزد، او دورا دور تمام کلکین جست و خیز زد اما یک درز کوچکی هم نیافت سپس بطرفش پرید و به نوشیدن آغاز نمود. منقارش را از آب برگرد - سرش را به عقب

بره و رفت کرد. - او آموشتی یک چیز مدور کوچک باین رفت. این یک روز نواز بود. نیکیتا کرم های زیادی آورد و کلکین را با پره های قاز بلع نمود بعدا گنجشک بایک را خچه جنگید و چنان ضربه خورد که مانند یک سنگ از لای پرست ها باین بر زمین افتاد و در حالیکه همه به هایش سیخ شده بود، به بالادید.

یک قاغ دیگر نیز بهت فامعومی مستیما نزدیک کلکین پرید، چند آهنگ زمره کرد، تندر پرید، دمش را چنبد و کدام حرکت معنی داری از او سر زد. یک سینه سرخ برای وقت زیادی سرود و با شری راجع به شعاع گرم آفتاب و در مورد خواص عمل تقماتی سر داد. این کار زیلنوکین را غمگین ساخت، بعدی که در گلویش غرغ می کرد. او هم میخواست بسراید لیکن او را کجا می تواند این کار را انجام دهد؟ نه در کلکین، در یک قفسی....! دو باره در آستانه کلکین سرفش را آغاز نمود و یک حیوان ترسناک را دید: او بالای پهای کوتاه و نورمش میخیزد - شکمش روی زمین کش می شد - سرش مدور بود، موهای پراکنده اش شخ به بیرون پراکنده بود، چشمان سبز داشت و حده های کوچکش از شرارت شیطانی روشانی می داد. زیلنوکین بزمین هموار شد و تکانی هم نخورد.

واذیلی و اذیلی ویج (پسک) با ترمی جست، به کنار آستانه کلکین خود را با پنبه هایش چسباند، از لای پرده بسوی زیلنوکین دید و دهانش را باز کرد... اوه خدایا! نیش های دراز تر از منقار زیلنوکین.... در دهن بود....! یک با پنبه اش مجادله نمود و گاز را پاره ساخت... قلب زیلنوکین فرو رفت، بال هایش پائین آویزان گردید. در همین وقت: نیکیتا پیدا شد و پشک را از پوست نرم گردنش گرفت و بطرف دروازه پرتاب کرد. واذیلی با غضب نالید، در حالیکه دمش را بود که در آب غرق نمی شد. او با احتیاط پائین گرفته بود، رو برار نهاد. زیلنوکین بعد از این تصادف تصور می کرد، «هیچ حیوانی قوی تر از نیکیتا وجود ندارد.» و تکیه نیکیتا دوباره آمد او گذاشت قابر سرش دست بزند با اینکه از ترس بردهش عقب نشست. باین شکل این روز پایان یافت. صبح دیگر زیلنوکین که بسیار خوش بود در حدود قلمرو خود برای تقیش به سفر رفت و ناگهان، سوراخی که گربه در پرده ایجاد کرده بود بنظرش خورد. زیلنوکین سرش را از سوراخ بیرون کشید، اطرافش را دید، بیرون شد، بهر یان هوای ملایم برید و بال هایش را دیوانه وار با هم زد. فقط روی زمین خانه می پرید... و تکیه بهر یان رسید با طاق دیگر که چهار نفر بود یک میز مدور نشسته بودند پرواز کرد آنها در حال خوردن بودند و پاره های کلان غذا را گرفته در دهن شان را دور دادند و بدون حرکت زیلنوکین را تماشا می کردند. او می دانست که باید در هوا توقف کوتاه نموده بر گردد اما او این دور مشکل را در پرواز نمی توانست انجام دهد. نایک بالشی زد و بر میز بیسن



طرف مریا و کامه قند نشست - بعداؤید که نیکینا دو مقابلش نشسته بدو تاخیر بظرف مریا پرید ، از آنجا به شانه نیکینا وهانجا باپراهی نامرتب وجشمان نیمه بز نشست - او برشانه نیکینا مدتی نشست سپس زیر سقف پرواز نموده مگس را گرفت ، پرده سنگه وایری که درکنج گذاشته شده بود فرو برد ، بدو شمع دان چند شاخه چرخ زده احساسی گرسنگی کرده و دو باره به کلکینش پرواز کرد که در آنجا کرم های تازه انتظار او را داشتند .

طرف شام - نیکیتامودل يك خانه چوبی كوچكى را كه يك دالان و يك دروازه و دو كلکین داشت بازو آورد و بر کلکین گذاشت . زینتو کین زن خوشش آمد - درونش تاریک بود - او بداخل آن پرید - دوسه بار دوو خوردو بعد بخواب رفت . در همان شب واز بلی رفتی آن گربه نسبت به جرمی که کرده بود در يك ذخیره خانه (حویخانه) محبوس شده بود ، با خشونت میومو می کرد حتی نمی خواست موش بگیرد . او فقط نزدیک در نشسته بود و آنقدر با عجز میومو می گفت که حتی خوشش هم احساس نا راحتی می کرد .

حالا خانه عضویت سوم قلمرو حیوانات را هم پیدا نمود - بر علاوه خبر پست و مشک زینتو کین نیز جا گرفته بود - او به بیار خود مختار ، ذکی و با تدبیر بنظر می رسید - او

علاقه داشت باشخاصی که حرف می زدند گوش دهد و وقتی که آنها نزد میز می نشستند او گوش می داد ، سرش را به یکطرف کج می ساخت و به شکل یکتواخت چهچه می زد ، زانها ! و می خمید - الکزاندرالیوتینسا تصور می کرد او برای وی خم می شد ... هنگامیکه زینتو کین را می دید او برایش می گفت : « سلام ، سلام » پرده شک گو چك !

پراز حیات و سرور ... زینتو کین فوراً بجای معین خود روی لباسش می پرید و در هوای آزاد باو می رفت . بهین ترتیب او تا خزان زیست - کلان شد - پروبال سیاه و بزرگ پیدا کرد - روسی را خوب یاد گرفت و تمام روز در باغ سر می برد ، همیشه بخانه كوچكش که در تاریکی برآستانه کلکین گذاشته بود مراجعت می کرد .

در ماه اگست - مینا های وحشی او را اغوا نموده در قطار خود در آوردند و بریدند لازم را برایش آموختند ، و قتیکه او باغ و تارک می کند او با طلوع روز روی دریا بسوی افریقا در راهرو پرده ها پرواز می نماید .

کلیو پك ....

فعالیت های بهاری در کشت زار ها به پایان رسید ، باغچه هایبل زده شده و آبیاری شدند و دیگر چیزی باقی نمانده بود تا اجرا شود مگر فرا رسیدن روز سنت ایتر که وقتدرو است - گله های پایو های بارکس به چرا گاه های آنطرف تالاب که گیاه های خوش مزه داشت برده شده بودند ، صبحگاهان بخار آبی رنگ به کشت زار ها بنظر میخورد و درختان سیاه و بزرگ کاج که هر کدام از یکدیگر دور تر قرار داشتند ، طوری معلوم

می شد که از اثر هوای شفاف نمو کرده و بالای زمین معلق اند .

ملیشکا کوریا برای واریسی از اسب ها باگله ماند - در حالیکه پاهای برهنه اش بر رکاب و آرنج هایش در هوا حرکت می نمود بریک زین قزاقی سوار بود . بافتداد کشت زار های سبز از پشت يك مادیان جوان که از حله دور شده بود چارنمل نموده و قمچیش را مانند فیر تنگچه به صدای می آورد و او را فریاد می زد تا بر گردد - بعد از اسب سرکشی که فوراً با پرسه و آواز به کندن گیاه شروع می کرد فرو می آمد و بر يك تپه كوچك خاکریز - کنار نهر و چوب های تراش شده می نشست و یا اینکه باچه های بطورشی را بر زده داخل تالاب می شد و ریشه ها و پیاز های نی ها را از آب گرم تالاب بیرون می کشید . ریشه های نی مانند مار سیاه و دراز بودند - پیاز طعم ترش اما ریشه ها طعم شیرین و معطر داشتند لیکن زیاد خوردن آن معده را بدرد می آورد - نیکینا تمام روزش را با ملیشکا در کشت زار آنسوی تالاب گذراند و اسب سواری را آموخت . بالا آمدن بر زین مشکل نبود . اسب پیر خاکستری که مگس ها او را می زید با آزاری می ایستاد و اتفاقاً برای راندن مگس های خود - پای عقبی اش را نزدیک شکمش می برد - اما وقتی که بر اسب سوار می شد جلو را بدست میگرفت و اسب را می راند - نیکینا گاهی به یکسو و گاهی بسوی دیگر می لغزید - زمانی که اسب خاکی در حدود سی قدم برمی داشت تا گهین توقف نموده بخوردن گیاه شروع میکرد - نیکینا از قاش زین با تمام نیرویش محکم می گرفت و گاهی نیز بالای گردن اسب می لغزید و پاهایش را بر پاهای مادیان تکیه می داد . اسب به همه این ها بایی تفاوتی کامل عکس العمل نشان میداد .

ملیشکا گفت : « زمین افتادن درد نمی کند ، ترس ، تنها اینقدر که گردن را کشی نموده و سعی کنی که زمین را با دست هایت بگیري ، خود را مانند توب بطرف بالا پرتاب کن - نشانت خواهم داد که چگونه بدو زین و جلو براسب بالا شده بپری . »

ملیشکا بطرف يك گروب اسب های سه ساله که گاهی برای سواری از آنها استفاده نشده بود دوید و در حالیکه دست هایش را بسوی شان دراز کرده بود صدا می زد :

« فید ، فید ، ... » درین اثنا سنتار - يك مادیان خاکی خالدار که پاهای بارک ، گوش های هموار و لب های پشمی داشت با مید آذوقه بسویش آمد - سنتار کله زیبایش را بطرف نیکینا پرتاب نمود و برای اینکه ملیشکا را از خود خشنود کرده باشد شانه هایش را با داندان خود خارید - ملیشکا دستش را بر پشت اطلسی اش کشیده او را نوازش نمود - سنتار با اخطار به عقب گام گذاشت - از

شانه اش گرفته بر پشتش جست ، سنتار با حیرانی و غضب يك سو خیز زد ، سرش تکان داد و بقوت پرید ، بعد به عقب رفت و به دوش با يك چارنمل نیز از گله گذشت . ملیشکا خود را بر پشت آن چسبانده بود - ناگهان مادیان بر روی باهانش توقف کرد و سپس به عقب رفت - ملیشکا مانند توب بر گیاه افتاد در حالیکه خرن را از خراشیدگی رویش پاك می نمود بجانب نیکینا لنگان لنگان می رفت .

« مستقیماً به شاخچه ها رفتیم که از تند وزیدن آنها مادیان مرا بزمن انداخت ، او گفت ، « اما چون تو بسیار چاق هستی این کار را نمی توانی انجام دهی . »

نیکینا با خود گفت « گردنم را خواهم شکست ، اما اسب سواری را بهتر از ملیشکا یادخواهم گرفت . » او راجع به سنتار بالای میز نان صحبت کرد که مای را در تشویش زیاد انداخت .

« گوش کن ، » او گفت ، « برایت گفتم که حتی نزدیک اسب هائیکه بسواری عادت ندارند نرو ، » و با التماس بسوی وازیلی لیکیتو یوج دید .

« موآزیا ، حداقل ازمن پشتیبانی کن ... او دست و پایش را خواهد شکست .... » « خیلی عالی ، » وازیلی نیکیتو یوج جواب داد ، « وقتی که اینقدر باو علاقه داری از سواریش وگرنش او را منع کن زیرا او خواهد افتاد و بیبی اش را خواهد شکست - او را دريك مرتبان انداخته در تنج به پچان و به يك هوزیم پیرست . » همین را توقع داشتیم ، » مای گفت ، « می دانم درین تابستان يك لحظه آرام نخواهم داشت ... »

« زانها ! تو باید متوجه شوی که بچه ده ساله شده است . »

« معذرا ... » « لطفاً ، مرا بیخش ، من نمیخواهم او يك آدم نازدانه بار آید . » « کاملاً درست ، اما این باین معنی نیست که او را فوراً تحفه گلوبك سازی . » « او لشر از همه ، يك صغیر هم می تواند سوار گلوبك شود . » « او نعل شده است . »

« من دستور داده ام که نعل نشود . » « در اینصورت هرچه میخواهی بکن ، براسب های وحشی سوار شو ، گردن را بشکنان ، چشمان مای از اشك پر شده از کنار میسر فوراً برخاست و باطاق خواب رفت . »

وازیلی لیکیتو یوج ب سرعت رویش خود را بدو بخش نوازش داد ، دستمال کاغذی اش را انداخت و عقب مای رفت ، ارکادی که تمام وقت در همانجا نشسته بود طوری که گویی مباحثات با او کاری نداشت ، به نیکینا دید ، عینک هایش را مرتب نموده به نچوا گفت :

« حالت خوب نیست ، برادر ! » « ارکادی ایوانوویچ ، مای را بگل من نخواهم افتاد ، قسم می خورم ، نخواهم .... »

« شکینایی ، تحمل و ثبات شخصیت ، » ارکادی ایوانوویچ باز رنگی يك مگس را که مکرراً میخواست بر بینی اش بنشیند گرفت ، « سه صفتی است که اگر می خواهی سوار کار خوب باشی برایت ضروری است ، » در عین زمان با صدای بلندى که در اطاق خواب مشغول گفتگو بود به آواز بلند گفته شد « درین سن بچه ها کاملاً آزا داند . » در کجا آزاداند ؟ مای با یاس گفت : « در امریکا آنها آزاداند . » حقیقت ندارد . » من میگویم که در امریکا بچه ها آنقدر آزاداند که ما و شما هستیم ، خدا یا ، اما - اما در امریکا نیستیم ... »

صحبت بر سر آزاده يك هفته طول کشید . مای تسلیم شده بود و با غمگینی بسوی

نیکینا می دید ، گویی که یقین داشت نیکینا برای نجاتش ترتیب اثری خواهد داد . در جریان هفته نیکینا متدلاو در میدان کنار بزرگ ، در قسمت بالائی در جایکه دوشیشه تالاب دوسه های سوار کاری را فرا میگرفت ، ملیشکا او را تعجب نموده و چال قد سوار شدن را برایش نشان داد ، پادوین ، چستن و پرنهات غبی پشت اسب نشست را ، مانند چنك بازی .

« او ترا انداخته نمی تواند - در همین وقت این کار را کرده نمیتواند ، وقتی که میخواهد ترا باین اندازد بر کفل آن سوار شده می باشی . »

بعد از مدتی در ختم نشاندن در بالاخانه در جایکه ثبات هندی (مانند عشقه بیجان) برقرار بالامی شد و سایه اش بر روی میز ، بیاله و روی آنها افتاده بود ، مای ، نیکینا را نرزش خواست او را بیش رویش ایستاده نموده با آواز پر از قهر گفت : « تو میدانم که ده ساله شدی ، و تو باید آزاد باشی ، درس تو بچه های دیگر کاملاً ، کاملاً ، » صدایش لرزید و پاتر شروبی بجانب پدر تگرسیت .

يك طفل نیستی . » وازیلی نیکیتو یوج چشمانش را پایین و برکنار میز به طبل زدن پرداخت . « فردا ، ماهه کیمولاتووا می رویم و توه می توانی بر گلوبك سوار شوی ... تنها پرسیدم ، » مای ، قسم می خورم هیچ چیزی بمن رخ نخواهد داد ، » و نیکینا چشمانش ، رخسارهایش زنج و دستپایش را که بوی انگور را می داد بوسید ، روز دیگران شام را وقت تر خوردند و وازیلی لیکیتو یوج به نیکینا گفت تا زین را بردارد ، يك زین انگلیسی خاکی که از پوست بزکوهی ساخته شده بود و دو عید مسیح برایش تخته داده شده بود ، و در وقت رفتن به اسب خانه ها برایش گفت :

« تو باید متری اسب ، زین کردن و مالیدن او را بعد از سوار کاری یاد بگیري . از اسب باید مراقبت لازم صورت بگیری ، او باید پاك شود ، اگر چنین شود ، تو يك سوارکار خوب خواهی بود . »

نامام



## ارتباط دارد؟

يك موضوع را نباید از نظر غور داشت که

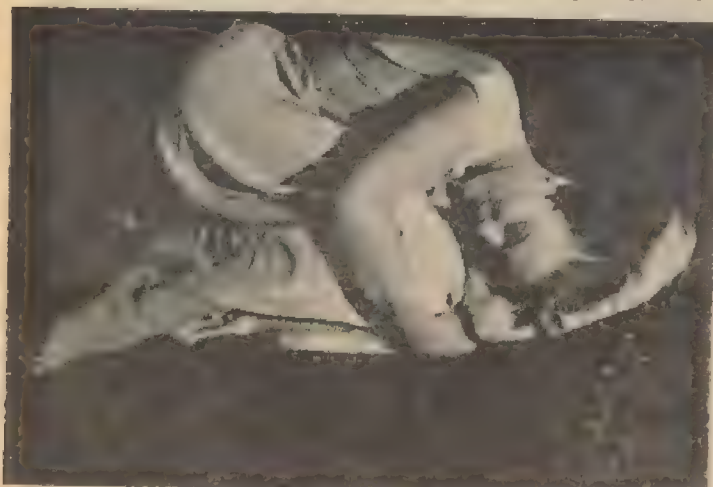




# آیا بخاطر فرار از تنهایی باید به خواب و خیال پناه برد؟

مبارزه نماید و در لایه این مسائل راه حقیقی و لازمی زندگی را جستجو نماید . جوانی که غنان احساسات خود را خود بدست دارد ، در زندگی موفق است و در آینده هم موفق خواهد بود . زیرا استقامت در مقابل مشکلات زندگی جوان را و میدارد تا در آینده نیز این استقامت را داشته باشد اما برعکس آن عده جوانانیکه اختیار اراده خود را بدست ندارند همینکه کوچکترین عملی به او وارد شد خود را در مقابل آن عمل زیون

آیابه عقیده شما بخاطر فرار از تنهایی توسل به خواب و خیال کار معقول و درستی است ؟ درست است که دوره جوانی دوره بخصوص و خیلی احساس زندگی است ، در این دوره است که احساسات مختلف بر او هجوم می آورد و وی را در خود می پیچد . اما بانام این هاراه حقیقی راهیکه میتواند جوان را به سرمزمل مقصود و به آرزوهایش برساند قبول کردن حقایق زندگی است با وجود اینکه این



مقاومت را از دست میدهد و این امر باعث میشود که گوشه گیری و انزوا را اختیار کند و خود را به خواب و خیال بسپارد این عمل باعث میشود که جوان از راه حقیقی که استقامت در برابر مشکلات است دور شود وای بسا که ادامه این وضع او را به ورطه سقوط بکشاند و بیشتر این سقوط و کشیدن هاسوی نابودی بخاطر عشق باشکست در عشق بوجود می آید در حالیکه جوانان نباید چنین باشند .

امروز در روشنی حقایق زندگی جوان ما باید خوب و بد زندگی را بهتر و خویشتن تشخیص نماید زیرا همین تشخیص است که آینده او را میسازد پس پناه بردن بخواب و خیال علاوه از اینکه هیچ ثمری را نوا نمیکند بر عکس او را عا طل و باطل بار آورده از او سو چود میسازد که نه بدرد خوشی می خورد و نه بدرد اجتماع .

و اگر این وضع دوام یابد او را به نابودی و بی چارگی میکشاند .

بنابراین حقیقت جوانان ما باید این موضوع را درک نمایند که وطن و اجتماع بیشتر از هر چیز دیگر به جوانان معقول صاحب عزم و اراده و توانا ضرورت دارد و وقتی این مامول برآورده میشود که جوانان مسا بیشتر به مسایلی فکر کنند که خیر ملت و مملکت در آن باشد تا موضوعات خصوص صی و غیره ...

حقایق برایش نشوار باشد . اما پناه بردن به انزوا و خود را در خواب و خیال قرار دادن کاری درست و معقول نیست ، زیرا شرایط امروز با گذشته تفاوت کلی پیدا نموده و امروز جوانان ماسالت مهم و ارزنده بدوش دارند که با خواب و خیال نمیشود این رسالت را به پایان رسانید و انجام داد .

قرار احصایه های بدست آمده بیشتر دختران به انزوا طلبی و پناه بردن به خیال علاقه دارند تا پسران .

شکست در عشق یکی از عللی است که دختران را بیشتر وامیدارد تا گوشه گیری اختیار نمایند و به خیال و خواب پناه ببرند ولی حقیقت اینستکه نباید جوانان ما در این مراحل حماس زندگی بیشتر به موضوعات عشقی فکر کنند . زیرا در این مرحله کمتر میتوان به مفهوم حقیقی عشق پی برد و بیشتر عشق های که در این دوران بوجود می آید سطحی و زود گذراست البته نباید این حرف را صد در صد تایید و تصدیق کرد ، زیرا در همین دوران است که عشق های واقعی و حقیقی و معکم نیز بوجود می آید اما بصورت کل در این سن وسال کمتر انسان موفق میشود که عشق حقیقی و راستین را از هوس های زود گذر تشخیص دهد .

بنابر آن جوان امروزی ما این صبر و حوصله و استقامت را داشته باشد تا با این مسا یل

است در کار های خانه سهم نگیرد . دیگر زمان مرد سالاری سیری شده امروز زن و مرد هر دو در تمام مسا یل زندگی توشی بدوش هم کار میکنند و عرق می ریزند پس آن شوهرانیکه با عقاید گذشته که مرد نباید به امور منزل دست بزند و این تنها وظیفه زن است که در منزل کار کند بدانند که اگر واقعا می خواهند خوشبخت باشند و زندگی خانوادگی شان سرشار از لطف و صمیمیت و یکرنگی باشد باید در امور منزل با همسر شان کمک کنند و هرگز اینطور فکر نکنند که چون مرد در خارج از خانه مصروفیت های دارد پس نباید در کار های خانه با همسرش کمک کند . چه دیده شده که زنهای مانند مردان مصروفیت های اداری دارند و مانند آنن کار میکنند ، زحمت میکشند و عرق میریزند ، بناء زن هم از خود خستگی دارد و انرژی صرف میکند پس بلرک این حقایق است که مرد نباید یکجانبه قضاوت کند و کوشش نماید که زن را در امور منزل یاری دهد و همین مسا یل کوچک است که تقصیر میکنند خوشبختی خانواده محسوب میگردد .

عبدالغلیل رومان

## جوانان و نقش آنها در جامعه

و عصریکه انسان توانسته است طبیعت را به نفع خویش بکار بیاورد ، زندگی دیگر برای جوانان ماجای موشه گیری و انزوا باقی نمانده است . باید بایک تکان از خواب گران بیدار شد و همراه با آهنگ کا روان عصر خویش به پیش تافت . باید بطور اعظمی از نیرو و قدرت خوش استفاده نموده و در راه آبادی وطن و جامعه خویش گام بگام با سایر وطنپرستان کشور عزیز مان افغانستان - افغانستانیکه قصداً بنا بر مداخلات امپریالیزم و ارتجاع عقب نگه داشته شده بود ، به پیش رفت .

جوانان ارجمند

باید یکجا و با هم متحد و فشرده مشتهای کویده ای بدن ارتجاع و امپریالیزم بکوبیم و نگذاریم باز ارتجاع و عناصر ضد ترقی سد راه ما گردند ما دیگر بروی زندگی شرافتمندانه بیکار می - نمایم ، حاضریم تا در مقابل دشمنان وطن و خاک ، دشمنان آزادی و شرف ، دشمنان ترقی و عدالت اجتماعی جان خویش را قربان نماییم . طوویکه هزاران شهید قهرمان در این راه دیگرانه و سربازانه به پیش رفته اند و راه فروزان ما را بار یختن خسون سرخ خود رنگین نموده اند ، ما نیز دو تعصب راه این دلیران و شهیدان سهل انگاری ننماییم و بیبرق عدالت اجتماعی - برابری و شادان را تا آخرین لحظات زندگی با اشتزاز و مسر بلند نگه داریم .

راه صادقانه ما راه هزاران انسان شریف و وطنپرست ، راه دلیران و آزاد گان است . راهیکه هرگز دلیران و راهبان این کاروان ترقی و عدالت خستگی احساس نموده اند و تا سر حد مرگ از آن عدول ننموده اند . با ابراز وفاداری به این راه روح شهیدان خویش اطمینان بخشیم و بیک آواز بگوئیم که : « رفیق شهید ! من راه ترا تا آخرین لحظه حیات تعقیب خواهم گردد » .

باشند این امر بین آنها علاوه از ارتباط زن و شوهری نوع دوستی و رفاقت را بوجود می آورد که در امر خوشبختی خانواده رول بسزایی دارد . شکی نیست که بسیاری از جوانان امروزی ماکه تشکیل خانواده را میدهند بدین نکته ملتفت اند که دوستی و رفاقت و هم نظری و توافق های روحی عوامل مهم خوشبختی در خانواده محسوب میگردد .

زمانیکه بین زن و شوهر علاوه از روابط زن و شوهری رابطه رفاقت وجود داشته باشد بسیاری از مسا یل و پرابلم های زندگی که خواه ناخواه بر خانواده به آن سردار می گردند بدون کدام مشکلی حل میگردد .

اشتراک مسا یل در امور منزل یکی از مسا یل بسیار مهم در امر خوشبختی خانواده محسوب میگردد . و تئیکه زن و شوهر بین شان صمیمیت و رفاقت موجود باشد کارهای منزل را با اشتراک هم پیش می برند و این امر بیشتر بر دوام و استحکام خانواده می افزاید امروز که ایجابات عصر و زمان حقوق زنان را با مردان مساوی ساخته است پس مرد نباید فکر کند برای اینکه مرد

بر امکان معلوم است که جامعه دارای يك سلسله قوانین میباشد که ناگزیر طبق آن با ید تکامل نماید . برای ساختن يك جامعه امر ضروری است که باید پدیده های کهنه جای خویش را به پدیده های نو بگذرانند یا بعبارة دیگر سر انجام پدیده زوال یابنده با به سر آغاز پدیده های رشد یابنده باشد ، ازینرو برای ساختن جامعه نیروی خروشان که بطور جدی آن را باید در نظر گرفت همانا نیروی جوان میباشد . این نیروی محرکه در جامعه و زندگی اجتماعی رول بسزایی را دارا میباشد که باید طوری سازماندهی شود که بتواند برای هر نوع فداکاری خدمت و از خود غنری آماده گی جسمی و معنوی داشته باشد . از آنجاییکه جوانان سازندگان جامعه حوش میباشد و فردای کشور به جوانان امروز تعلق میگردد و جوانان چرخانندگان چرخهای آینده کشور خویش میباشد ، بیشتر جوانان طرف نوجه قرار میگردد باید طور آگاهانه و فداکارانه از آوان جوانی قسمی خو خودا پرورش دهیم تا از قضاوت نسل های آینده سر فرا زیدر آیم و هر عملی را که انجام میدهم سطحی ننگریم و در کار های خویش نظر انتقادی داشته باشیم . جوان امروز دیگر بیشتر از دیروز باید آگاه ، با شهادت متین و متواضع باشد تا از یک طرف برای وضع نظریات و اندیشه های خرافاتی و غیر معقول مبارزه نماید و از جانب دیگر قوانین جدید و مبرم حیاتی را کشف نموده بکار اندازد . دیگر جوانان با تمام آزادی میتوانند در همه مسا یل اجتماعی اعم از سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و کلتوری ابراز نظر نمایند و نقش فعال در تمام عرصه های زندگی داشته باشند ، قوانین رشد یابنده را پی ریزی نموده و برای رفع عقب ماندگی جامعه خویش فعالیتان سهم میکنند .

در شرایط امروز جامعه ما ، در دوران اتوم



به اسامی بر نسیب ارتقا ط قباد له فرهنگ  
کشور های دو ست ویرادر ، افغانستان و  
اتحاد شوروی ، اینک انجمن دوستی افغان-  
شوروی وانجمن دوستی وارتباط فرهنگی  
شوروی با افغانستان ، نما یشگاه بزرگ  
آثار مشترک هنر مندان افغانستان و شوروی  
را در حالی بر پا کردند که یکصد و ده سال  
از تولد رهبر کارگران جهان و اولین  
رهبر کشور سوسیالیستی در جهان  
میگذرد . نما یشگاه مشترک که به استراک  
بیش از چهل تن از هنر مندان افغان-  
و چهل تن از هنر مندان شوروی دایسر  
گردیده ، در حدود دویست و شصت متر  
هنر مندان افغانی : یکصد و شصت متر  
معروف کشور دوست اتحاد شوروی واز  
جمله صد تا بلو از شاگردان هنر های  
زیبای پوهنخی ادبیات به نما یش گذاشته  
شده که انعکاس دهنده حیات مردم این  
سرزمین ها میباشند .

خبر نگار هنری ماسری به این نما یشگاه  
که به تاریخ ۲۳ حمل افتتاح شده و تا سوم  
تور ادامه دارد ، زده و گزارش رشی تهیه کرده  
که خدمت شما تقدیم میگردد :  
در شروع عنایت الله شیرانی آمر  
دیار تمننت هنر های زیبای پوهنخی  
ادبیات و تصدی نما یشگاه در جواب  
سوالی چنین گفت :  
درین نما یشگاه آثار هنر مندان معروف



گزارش از : ضما

## نمایشگاه نقاشی آثار هنر مندان افغانی و شوروی

کشور چون استاد غوث الدین ، خانم  
شکورولی ، استاد غلام محی الدین شبنم ،  
آقای گندمی ، استاد قربان علی عزیز و  
دیگر استادان به معرض نما یش قرار گرفته  
و همچنان آثاری از شاگردان سازمان  
هنری غلام محمد میمنگی نیز درین نما یشگاه  
به چشم میخورد که خیلی دلچسپ میباشند  
- این آثار از کدام سبکهای هنری  
نمایندگی میکند ؟  
هنر مندان شوروی اکثرا از سبک  
ریالیزم پیروی مینمایند و انعکاس دهنده  
واقعیت های زندگیست و هنر مندان از شرایط  
محیط و ماحولش متأثر میباشند .

هنر مندان افغانی از سبکهای مختلف در  
نقاشی خود استفاده مینمایند بطور مثال  
خانم شکورولی آثارش ابستراکت و به  
سبک مدرن کار شده همچنان آثار آنان از  
ریالیزم نیز نمایندگی میکند . هنر مندان

اگر به تاریخ کشور عزیز ما افغانستان  
نظری انداخته شود ، نقطه بر توجه یسی  
به چشم میخورد که روزی برای اولین  
بار دست های رهبران دو کشور وای.لینن  
و غازی امان الله به منظور تداوم در تعاون  
و رعایت حقوق همسایگی همه جا نه ، باهم  
فشار عمیق و پاینده داری را احساس نمودند .  
یقینا نهال دوستی برآ که این رهبران  
دو کشور شصت سال قبل غرس کردند ،  
بایرودی انقلاب شکوهمند نور ریشه عمیق  
تر و مستحکم تری گرفته است .

یکی از تابلو هاییکه درین نما یشگاه نظر  
مهربیننده را بخود جلب میگرد .





## شماره ۹



# عشق به انسان

ترجمه: میرحسین الدین برومند

فایق در حال غرق شدن است اما حیرت  
«لحظه سرعت فایق بندتر کشید و دل  
ایاره میکرد... موقور هردو فایق فوی به  
و مطمئن، منتی از نگاه ساختمان فایق ها زیر  
مفاوت بود و تفاوت سرعت میان دو فایق  
همین عامل باعث شده بود. فایق ها بطور  
سراسر آمیزی در میان امواج بحر پساری  
میکردند. «هولگا» خودش را روی عرشه  
کشتی پسوی بحر آویخته بود، گویی  
میخواست با امواج بحر برزید... طبع  
منظره دلربایی به بحر داده بود، نور و سار  
بحر را در بر کشیده بود، انعکاس نسو  
پردرخش آفتاب از بالای قله «آلین»

بحر، برای رویا های کودکان «هولگا» رویا  
و برانگیزنده بود، نور مهتاب پس از عبور  
میان شاخه های درختان و اشجار کنار ساحل  
که روی آب بحر افتیده بود، منظره وجدآوری  
برای «هولگا» ساخته بود. «تلیانیکوف»  
همینکه دید پسرک خودش ز روی عرشه فایق  
خام کرده و با رویاهایش در جدل  
آینبار برخلاف سرعتی که فایقش را بدین  
سرعت میراند، نه تنها از سرعت فایق تا  
بلکه متوقفش ساخت. حالانکه درین اثنا  
قایقیکه پیوتر و برادرزاده اش «هولگا» سو  
آنبودند با سرعت هر چه پیشتر میراندند  
فایق دل آنها را پاره میکرد، آنها را کن  
میزد و بجلو راه می پیمود، انگار فایق  
سرشتین اش قصد پرواز داشتند. «هولگا»  
بار دیگر از جهان تخیلات رویا هایش بیجا  
حفایق برگشت، از خودش پرسید  
نیمه ناراحتی! بزودی متوجه گردید که  
این غصه و ناراحتی را قاز بدویار آورده است  
والی درین هوای سرد و توفانی، سرگردان  
بحر قایقراندن، هیچ لزومی نداشت... آنان  
ز قانون سر پیچیده بودند چه قانونا حق شک  
آن قاز های وحشی را نداشتند، «هولگا»  
پسر حساسی بود و در نیش لحظه به لحظه  
فزونی میگرفت، با خودش میگفت: از قانون  
سرپیچیدن، بدش هم فرار کردن ابداً عاقلانه  
نیست.

«هولگا» تصور کرد که چیزی در درو  
ست که می آزارش این نهادند  
باطنش بود، ندای فراد و گریز از قانون  
ندایی بخاطر بی التفاتی در برابر ضابطه ها  
و مقررهای اجتماع. فایق عقبی باز هم برای  
افتید و تندتر و تندتر حرکت کرد انگار می  
خواست. قاز وحشی را که هولگا شکار کرده  
بود از ایشان باز ستاند. به یکبارگی پسرک  
ازین اتفاق متحیر گشت، انسانی کنار  
کاکایش خواست فایق را متوقف سازد  
و آنوقت دقایق بسانیکه گویی به دیگر  
چسبیده باشند، کنار هم قرار گرفتند.

برخلاف حدس و توقع، «تلیانیکوف» با نگاه  
های ملامتبار آندو را نگاه نکرد، بلکه این  
نگاه ها نگاه های دلسوزانه بودند. «تلیانیکوف»  
وظیفه پایستی آندو را توبیخ و نکوهش میکرد  
که چرا بدون اجازه و فرا رسیدن موعد شکار،  
به شکار پرندهگان پرداخته بود و دند لا کن  
تلیانیکوف بی کاکا و برادر زاده مذکور سخت

در گوشه فایق گذاشت، درین اثنا صدای  
«تلیانیکوف» توجه اش را بخود کشید که  
مدعی بود:  
پایستی تو مطابق پروتوکولی که همین  
اکنون من و تو امضاء میکنیم، پس از یسن  
عمل کنی، پیوتر با آرامش ظاهری که در  
پشت آن یکنوع شرارت نهفته بود، گفت:  
پروتوکول... درنگ دیگر برای چه؟

«تلیانیکوف» که خود انسان رموز فہمی  
بود متوجه گشت که پیوتر حالتی بهم خورده  
و نزدیک است اعصابش ملامتی شود، اینده  
بانگاه های دلسوزانه بسوی «هولگا» تگریست...  
بعد از نو بسوی پیوتر رخ نموده، گفت:  
- تو خود مقصر هستی، مقصر برای آنکه  
قانون را خوب بلدنی و می شناسی ولی بدان  
عمل نمیکنی، علی الرغم اینهمه بی توجہی  
ها سعی میکنی خود را خشمناکین جلوسر  
دهی... مطمئناً وقتی پروتوکول را امضاء  
نمایی، بدین حوالی دیگر سری نخواهی زد،  
و آنکی «تلیانیکوف» بلادرنک قلمش را بیرون  
آورد... دست پیوتر روی کاغذ بود، درین  
میان پیوتر از نوبه پارودنن قایقش متوسل  
گردید... فایق پیوتر بسان صاعقه از فایق  
مفتش فاصله گرفت... فایق مفتش حالت  
نوسانی داشت، شخص تصور میکرد که

کرده بود، از طرفی ششکی قاز های وحشی  
هولکای کوچک را وسوسه کرد... آنروز  
هولگا با کاکایش نیز دل پذیرا زده بود،  
... راستی اینکه لحظاتی بعد این هولگا بود  
که قاز وحشی را صید داشته بود، نه کاکایش  
پیوتر. «تلیانیکوف» که از ابتدای ورود با  
فایق خود، فاطر و مشاهد فایق کوچک آندو  
بود بوضاحت دریافته بود که هولگا شکارچی  
خوبی است. او صدای پیوتر را شنیده بود  
که از هولگا تعریف کرده و با تحسین مخاطبش  
ساخته، میگفت:  
- آفرین پسر، تو واقعا نشان زن ماهری  
هستی، مرچیا!

و پسرک بدون آنکه برخورد بیالده فقط جواب  
کاکایش را با خونسردی تحویلش میداد:  
- هان، نشانم خوب بجان قاز اصابت کرد،  
هولگا بمحض اینکه نگاه های «تلیانیکوف»  
بسوی کاکایش دوید دریافت که میان آندو  
یک دیوار وجود دارد... یک دیوار باریک  
که هر آن باریکی شده میرود. پسرک دریافته  
بود که نگاه های مردیگانه، نگاه های عادی  
نیست، نگاه های ملامتبار است... پسرک  
هر آن متحیر تر شده میرفت، دلت میخواست  
این مرز را بشکند، میخواست بفهمد نگاه های  
مردچرا ملامتبار است و سر انجام به واقفیت  
این امری برد... آری او فهمید که کاکایش  
کار نامناسبی نموده، قانون را رعایت نکرده  
چونکه شکار قاز ها ممنوع بود. پیوتر در  
حالی که سراپا خاموش بود و غافل از اینکه  
مردی بخاطر حرکتش از وی رنجیده، قاز را

گرچه فصل شکار پرنده های دریایی آنجا  
نرسیده بود، باوصاف این، پیوتر را بینگیس  
یک قاز وحشی شکار شده از بحر را با خود  
همراه داشت. پیوتر به نحوی که گویی  
بدم از کرده خود است، پرنده مذکور را نظاره  
شست... متعاب آن نگاه های غصه آلود  
نه دور دست ها کشیده شد. از نگاه های  
رقتبار مرد پیدا بود که او به دنیای پرندهگان  
دریایی می اندیشید و به اینکه بعضاً چه  
بهرحمانه این پرندهگان را شکار میکنند...  
«تلیانیکوف» مفتش ساحه شکار از پس یک  
جزیره کوچک ظاهر گردیده و فایقش را بسوی  
و میراند، نگاه های مرد مذکور عم آلود  
میسود. او همان نگاه های سرزنش آلود  
و ملامتبارش را بسوی پیوتر ارزانی داشت.  
مفتش وظیفه داشت، فاطر بحر بوده و بدون  
ز فصل شکار و ساعات معین شکار پرندهگان  
دیگر به هیچ فردی حق شکار قاز های  
وحشی آن بحر را نمیداد.

«تلیانیکوف» اصلاً پیوتر را نمی شناخت  
فقط این سومین باری بود که وی را با فایقش  
در آغوش بحر مشاهده مینمود. پیوتر در  
دفعات قبل بجز اینکه بیبرود باروت بافرود،  
کار دیگری نتوانسته بود انجام بدهد انگار  
شکار و نشان گیری را بلد نبوده باشد... پیوتر  
چون نزد برادرزاده کوچکی از زیبایی قاز  
های وحشی بحر تعریف کرده بود، پسرک  
اورا به غصه نشانده. برادرزاده اش که سخت  
متماثل برقتن با او گردیده بود تا تواضع  
اصرار نمود. پسرک که نامش «هولگا» بود  
هشت سال پیش نداشت، هولگا را از شکار  
بیحد خوش می آمد معذاک او در شکار و  
نشان گیری دست کوتاهی از شکارچی ماهر  
نداشت. هولگا پرندهگان زیادی را که برشاخه  
های درخت منزل می پریدند همیشه شکار



چنگ گرفته بود خواست از ماهیان شوربایی درست کند ... آتش را روشن کرد . درین میان صدای خش خش برگهای درختان توجه «هولکا» را بخود کشید . «هولکا» نزدیک آتش زانورده بود، هولکا درین هنگام به آتش و حرارت آن فکر می کرد و به جرقه های آن . سوالاتی چون آتش چگونه تولید میشود، قاز هارا چرا نباید شکار کرد ... می اندیشید . دزین میان رشته افکارش به یکبارگی از هم

گسست . به بازوی پیوتر چسبیده و پرسید : - آیا مایه قایقرانی درین بحر برای شکار گاهی دیگر هم خواهیم آمد ؟

«پیوتر» که او هم مصروف آشپزی بود فقط پا جنباندن سر ، تایید کرد که حتما اینکار را تکرار خواهند کرد . «تلیانیکوف» خطاب به «هولکا» گفت :

- پس من اینکه هرگاه هرکس برای شکار قاز ها اینجا بیاید مطمئنا پس از مدت

یک گوشه طبیعت را کاسته باشیم، کاری نکرده ایم، اگر بیرحمانه پرنده ها و موجودات و حیوانات را که به طبیعت زیبایی می بخشند، محیط باغها و باحار را تماشایی میسازند، از بین می بریم جز اینکه نسل پرندگان و حیوانات مذکور را از بین برده

باشیم کار دیگری را از پیش نبرده ایم . تلیانیکوف متعاقبا از نگاه های سرافاغری درتفکر و بهت زده پسرک فهمید که او تاجه

حد نادم است بناء محزونانه گفت : ما شتیها کردیم، طبیعت زیبا و دوست داشتنی است باید قلبا طبیعت را دوست داشت . «هولکا» از مرد مقتش پرسید :

- این قاز ها بعضا دودتر از بحر پرواز میکند برای چه ؟

- برای ادامه حیات، برای چیدن دانه . اگر این پرندگان بالای چمنزار هابه پرواز می آیند، روی سبزه و علف هائی نشینند



کوتاهی هیچ پرنده بی درین بحر نخواهد ماند، مگر ماچرا بیسوده نسل این پرندگان را از بین

بریم ؟ آیا این عمل زیاد مضحک نیست . هرگاه این پرندگان بیرحمانه شکار نشوند

تا سال دیگر شمار این پرندگان دو چند می

شود «هولکا» گرچه ظاهراتوسط «تلیانیکوف» مخاطب ساخته شده بود لکن چشمان کوششگر او ملتسانه به آتش که به رنگهای زرد و سرخ میسوختند ، خیره شده بود . باز هم

بقیه در صفحه ۵۰

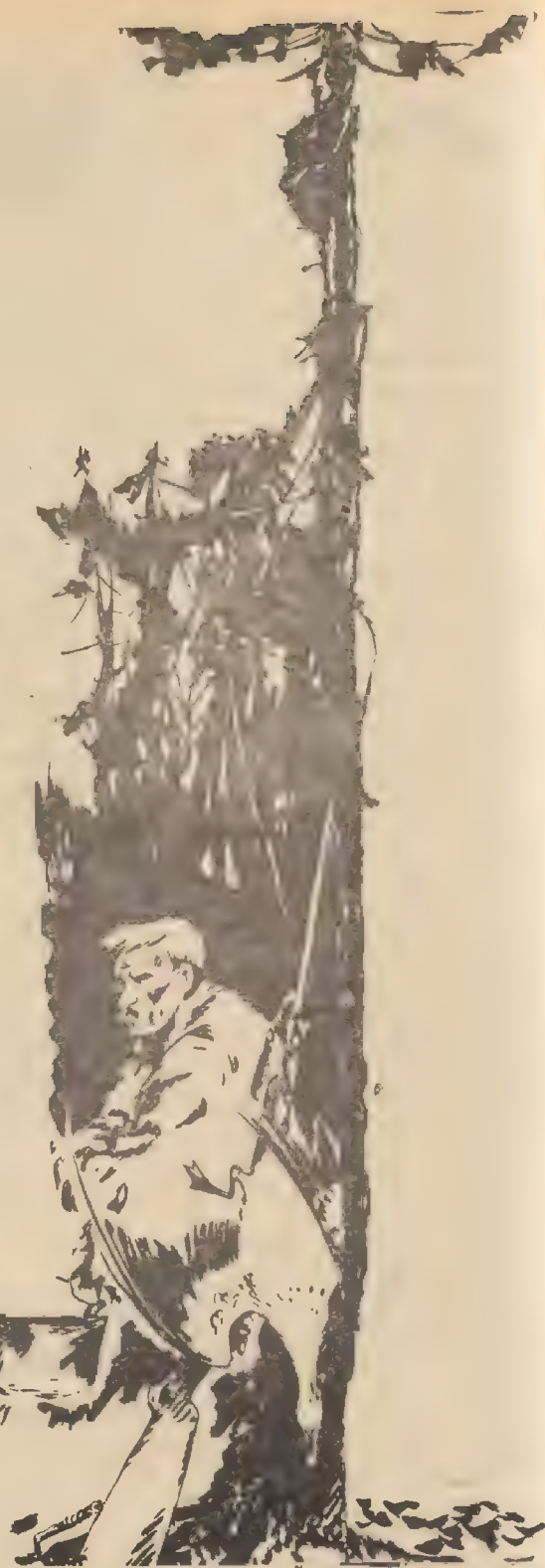
صفحه ۴۳

برای آنست که محل مناسبی را برای گذاشتن تخم هایشان بیابند، تو «هولکا» اگر روزی تخم پرنده بی را در یک بیشه پیدا میکنی که صاحب تخم آنرا پنهان کرده بدان آسمی می رسان . پیوتر که میدانست با متوسل شدن به شکار قاز و حتی مرتکب یک اشتباه شده، نیز پسان «هولکا» نادم از کرده اش بود . قلب کوچک پسرک برای خوبی ها می فهمید .

اودیکر مصمم شده بود که همیشه پسر خوب و مطلوبی باشد . پسرک دوماهی را که قیلا با

خوبی های آن بیتفاوت مانده و بعضا طبیعت از وجود چنین اشخاص کم التفات صدمه وزیان می بردارد ، معذالک به «هولکا» گفت : اگر کلی را از گلبته جدا کنیم جز اینکه حیات کل مذکور را گرفته باشیم و بخشی از زیبایی

دلش سوخته بود مخصوصا بیچاره هولکای کوچک بیسورد و بخاطر هیچ چرا چنین کار شاقه را پس میروانید و زردی بحر سر گردان میماند . همچنان تلیانیکوف دلش بحال آفتابی میسوخت که در پسر ا پسر طبیعت و



## تصویب اصول اساسی

بخش مهم دیگر در اصول اساسی ج، د، ا حقوق اساسی و مکلفیت های مردم افغانستان میباشد. دین بخش وظایف و حقوق و مکلفیت های اتباع بشکل دموکراتیک و مترقی آن تشریح شده است. در اصول اساسی حقوق تمام اتباع ج، د، ا در برابر قانون مساوی اعلان شده است این تساوی حقوق را هیچ چیزی از قبیل فرق نژادی، قبیله ای، زبان، جنس، مذهب بودن در هرجا، دین، مذهب، سویه تحصیلی، نسب، ناداری و مذهب اجتماعی نمیتواند برهم بزند. همچنان در افغانستان هیچکس حق ندارد تا با استفاده از این حقوق علیه منافع جامعه و دولت و آزادیها و حقوق سایر افراد استفاده نماید. در پهلوی این حقوق مکلفیت هایی از قبیل احترام بقانون و رعایت آن، رعایت اصول اجتماعی و انسانی، انجام صادقانه ی وظایف و واجبات، احترام به

حقوق و آزادیهای سایر افراد جامعه و غیره درج گردیده است. همچنان کار مفید و اجتماعی نیز وظیفه افتخار آفرین هر فرد قلمداد شده است. در اصول اساسی ج، د، ا خدمت در راه دفاع وطن قهرمان و مقدس مایعنی خدمت زیر بیرق اردوی ج، د، ا یک عمل پر افتخار دانسته شده است. هم چنان وظیفه ی اساسی اردوی قهرمان وطن دفاع از تمامیت ارضی، دست آورد های انقلاب شکوهر آفرین نور، استقلال ملی و حاکمیت ملی و وطن و امنیت وطن و مردم می باشد و هکذا دولت مکلفیت دارد که در راه تقویه و رشد سیاسی و اجتماعی و مادی مسئولین قوای مسلح ج، د، ا مساعی بخرج بدهد.

برای رفاه و برسر بردن حیات مطمئن هموطنان شریف ما ایجاد نظم دموکراتیک دولتی واداری بحث یکی از اهداف اساسی دولت ج، د، ا قبول شده است. لویه جرگه (شورای عالی دولتی) که به اساس رای گیری مستقیم، سری، عمومی، آزاد و مساویانه تشکیل خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تذکر گرفته است که لویه جرگه طی اولین اجلاس خود سند مهم یعنی قانون اساسی ج، د، ا را به تصویب می رساند.

در مورد حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم مادی نیست و لکن چنین می گوید: «برای افلاح جمهوری دموکراتیک افغانستان حقوق و آزادیهای دموکراتیک ذیل تأمین و تضمین میگردد:

۱- حق زندگی و مصونیت. ۲- آزادی کامل ادای مناسک دین مبین اسلام و همچنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون. ۳- حق کار... ۴- حق وقایه صحت و تأمینات اجتماعی... ۵- حق تحصیل... ۶- آزادی فعالیت های علمی، تحقیکی، کلتوری و هنری مطابق به اهداف انقلاب. ۷- حق بیان آزادانه و علنی فکر، تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز و هم چنین حق اتحاد و نظیر ستانه در سازمانهای دموکراتیک و مترقی اجتماعی. استفاده از حقوق مذکره در چوکای نظم اجتماعی، آمایشی

مقتنه و قضائیه می باشد در مورد لویه جرگه و طرز العمل بمیان آمدن آن قیلا تذکر داده شد و بعد از لویه جرگه عالی ترین ارگس با صلاحیت دولتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شناخته شده است. شورای انقلابی مطابق به احکام اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف قوهی مقتنه را اجرا می نماید. اموری را که شورای انقلابی پیش می برد عبارتند از تشکیل هیات رئیسه ی شورای انقلابی، حکومت و سایر ادارات عمده دولتی، بمیان آوردن پروگرام های انکشاف اقتصادی و اجتماعی و منظوری بودجه ی دولت و غیره. باید دانست که در خلال مدت بین جلسات شورای انقلابی، هیات رئیسه ی این شورا عالی ترین ارگان با صلاحیت دولتی میباشد. همچنان اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صورت ماده وار صلاحیت های هیات رئیسه ی شورای انقلابی را مذكر شده است. همچنان درین فصول اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف و صلاحیت ها و طرز العمل خازنوالی و قوهی قضائیه بروشنی کامل بیان شده است. و هکذا در فصول بعدی صلاحیت ها و طرز العمل حکومت و ادارات محلی بیان شده است.

بامرور کوناهی که فوقا از اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت گرفت دیده می توانیم که اولاً دولت انقلابی ما هر آنچه می گوید در عمل پیاده می نماید و ثانیاً تصویب این اصول اساسی را می توان آغاز نورات جدیدی در رشد سیاسی و حقوقی جمهوری دموکراتیک افغانستان نامید. همچنان تصویب و نافذ شدن این اصول دموکراتیک، ملی و مترقی پشانه گام فراخی است در جهت تأمین حیات سعادت مند، مطمئن و مطمئن و خوشبخت برای همه مردم شریف افغانستان. مادر حالیکه تصویب این اصول اساسی را نمایانگر انقلابی بودن، دموکراتیک بودن و ملی بودن حزب، دولت و حکومت ج. د. افغانستان می دانیم آنرا به هموطنان تبریک می گویم. زنده باد مردم

۳۳۳ مخ پاتی

## دندری پر مختگ...

بنا کوو نکواو جوړوو نکو یو سکین دغه رسم اوس دو ارسا په ملی رسم کړی او بیا هغه سکیل یی موزیم کی موجود دی اود پو لنډ دیو مشهور نقاش «انتولی پردوسکی» واصله رسم شویدی.

څنگه چی ددی رسم د کبیلو څخه څه کم دوه سوه کاله تیر پری اوس نو تاسو ددی پته لگولی شئ چی دپو لیند په هیواد کی څومره ترقی او پر مختگ نه دهغه هیواد دوگړو په ژوند کی منځ ته راغلی دی

## مختصر

## یا دداشتی

در روز های دفاع از استقلالینگراد من معتقد شدم که: سر پا زی که برای امر حق پیکار می کند قوی تر از آتش و فلز است و نیرویی وجود ندارد که بتواند او را بزاند و آورد. محاصره شهر از سیزده سپتمبر سال ۱۹۴۲ تا سی و یک ژانویه سال ۱۹۴۳ تا ابد، الهام بخشش تمام مردم آزاد روی زمین خواهد بود. زیرا مقاومت و حمله متقابل آن هانقله تحول در جنگ ملل متفق بر ضد نیروی متجاوز واقع شد.

نیرو های جنگ دوم جهان و پا-یمردی های ارتش و خلق شوروی و اضمحلال فاشیسم صفحات درخشان و جاودانی را بر تاریخ جنگهای عادلانه افزود که ورق ورق آن از شهادت و مردانگی پایداری و خود گذری میهن پرستی و انتر ناسیونالیستی مردمی سخن می گوید که فاشیسم را نابود نموده و بشریت را از خطر نابودی نجات داد، و این پیروزی در بهار سال ۱۹۴۵ با اهتزاز پرچم سرخ بر فراز برلین شکست فاشیسم را بجای تیان اعلام داشت...

بیست و چهار جون ۱۹۴۵ پیروزی در میدان سرخ مسکو بر-گذار شد. بیرق ها و نشانه های لشکر و اخورده فاشیسم در پای آرا مگاه لیمن کبیر بز من ریخته شدند.

زیرا فاشیست ها بد و ن قید و شرط تسلیم شده بودند.

رئیس جمهور ایالات متحده امر-یکا در اخیر جنگ نو شته بود:

(بدون شک ارتش شو روی و مردم شوروی، نیرو های مسلح هتلر را وادار ساختند که در راه شکست نهایی حرکت کنند).

مردم شو روی در ین جنگ بیست میلیون نفر قربانی دادند.



# از پنج تا ده سال ...



دول تربیوی که دارند مسأله کمبود پر سول یا تربیه دو کتو را ن جوان- تکتین- لیرا نت ها طی دوره های معینه برینگن چیران میگرد چه دسه یسی از استا فان متخصص دسپلین های مختلفه طب طی دو سال گذشته یا جام شها دت نو شیده اند و یازوطن و کشور متواری کشته ویا از ساحه طب و طبابت کنار کشیده شده اند روی ایسن اصل دسته ای از دو کتو را ن که از ۵ تا ۱۵ ساله امین خون اشام در قید حیات با قیفا ند ه اند واز مسلك بلور نگداشته شده بودند وایسی به ادای و چایب مملکی ووظیفوی ایشان گماشته شده اند و برای ازیین بدن ضایعات علمی و فرهنگی تعداد قابل ملا حظه پر سول تابع پروگرامهای تربیوی فوق الذکر قرار گرفته اند در شرایط کنونی دو کتو را ن ما در رشته های آتی زیرتربیه قرار داده شده اند:

رشته جراحی عمومی - ارتوپدی-جراحی عصبی- جراحی قلبی و جراحی اطفال.

رشته داخله عمومی - داخله اطفال امراض ساری بشمول توپر کلسوز دیوی.

رشته طب عذلسی و بینی رشته چشم- رشته عقلی و عصبی و هم چنین در دسته های رادیو لوژی وخدمات لابراتواری و انستیزی و پنا لوژی و مدیکل ریکارد نیز پر سونسل در داخل خدمت زیر تربیه میبایند.

سغالبه مراجعان مراکز معالجوی کشور و خاصا مراجعان شفاخانه های ولایات شکایاتی دارند که میتوان انگیز معده ترین موارد آنرا در کمبود مختصا و کدر مملکی - کمبود دوا و بستر و وسایل لابراتواری - عرضه خدمات نا کافیه ناقص برای بیماران و مقداری هم بی میالای و بی توجهی کارکنان ایسن مراکز خلاصه کرد بدون شك کمبود شفاخانه ها به وسایل مورد نیاز بسط و توسعه ساحه خدماتی آن و افزایش بودجه و پر سول بایک مراقبت جدی از نحوه کار میتواند در دفع این شکایات موثر باشد شما برای ازیان بر داشتین این توأ قص چه طرح عملیاتی را برای تاسیسات معالجوی و شفاخانه های پیش بینی کرده اید؟

پر یاست طب معالجوی هدا یت داده شده تا در این زمینه عملیاتی علمی واکه در آن درحد امکانات بتوانیم مشکلات مراکز معالجوی را دفع سازیم در دست جرای بگیرد.

نگارنده: مهم این پلان در این موارد خلاصه میگردد:

همه موسسات صحتی معالجوی ولایاتی مرکز کشور را از نگاه وضع تسهیلات تربیوی سامان ولایات طبی، ادویه، و قوای شری و وضع مالی و بودجوی زیر مظارعه گیرد.

طرح پروگرام تربیوی تخصصی در رشته انستیزی برای دو کتو را ن و گروه از نر سها .

متمرکز ساختن سرویس های ساری در چوکات دین سینا ساری نسا رو غی روغتون - بمنظور عرضه خدمات موثر برای مرضا ن میلا با مراض ساری ویشبرد سیستماتیک و عملی کردن پروگرام های تربیوی دو کتوران و سایر کنگوری پر سونسل مورد نیاز در سمار کارهای انجام شده میباشند

برای تو حید و منسجم ساختن امور مربوط به احصایه صحتی فعالیت های موسسات صحتی معالجوی طرح و پروگرام کورس تربیوی رشته میدیکل ریکارد دوام دارد به خاطر پیشبرد پروگرام های تربیوی پر سول مورد ضرورت ولایات کشور و بقصد عرضه خدمات طب عذلسی بمان آوردن یک واحد منظم اداری در چوکات ریاست طب معالجوی دیوی دست است

و ادغام شعبه پتالوژی انستیتوت ملی لابراتواری های مرکزی به دیپارتمنت پتالوژی پوهنشی طب کابل، جهت فراهم آوری تسهیلات بهتر و موثر برای تربینگن دو کتوران جوان و عرضه خدمات مربوطه بشمول خدمات در ساحه طب عدلی، متناوب پنج یا ده دستگاه اکسیژن (بشمول نصب یکپایه دستگاه اکسیژن پتالوژیون) در انستیتوت ملی وادیو-لوژی و نصب یک دستگاه اکسیژن دوغتون علی اباد در جمله کارهای دیگری است که بزودی به انجام خواهد آمد.

تدوین شعبه طب دندان برای اطفال در چوکات ریاست صحتی ما تو لوژی و متناوب یک دستگاه تدلوی دندان در کلنک

## تجربه صفحه ۱۹

## نگارشی کوتاه ...

های رنگی در کاغذ چلادر که به فراوانی در من مجله به چاپ رسید و حتی یک سوم آنرا احتوا میکند قیمت مجله را بلند میبرد که این در شرایط اقتصادی کنونی نمیتواند مورد تأیید قرار بگیرد و از سوی دیگر این گمان را به وجود میآورد که گردانندگان «مجله و مادر» بسبب فوروم و شکل نسبت به چگونگی ارائه محتوای مجله ارزش گذاری بیشتر می کنند.

دو مطلبی که برای من ارزش دیکور-سیون «دیکورشن و تأثیر آن بر روح» اسباب بازی یا لای کودکان «نقش بازیچه ها در انکشاف ذکاوت کودک» به نظر رسید و است نهان میدهد که توجه کمتری به وضع اقتصادی و سویه زندگی همگانی مردم ما شده است چه آنچه در این دو نگارش مطرح گردیده و مخصوصا کلیشه های رنگینی که از اسباب بازی

طب معالجوی و تجدید نظر در مورد مقرره برگشتن شخصی ابطاء و منسویین طب در دست اجرا بوده و بیمن دارم با عملی شدن این کار بخشی عمدی از شکایات در زمینه حل و دفع گردد.

و فورم دیکور اناق ها به چاپ رسید است فقط میتواند مورد پذیرش يك اقلیت كوچك نیم فیصد جا معه ما قرار گیرد و پس وجه خوب بود که در این مورد سطح اقتصادی عمومی مردم مادر نظر گرفته می شد.

نشر و چاپ مجله وزین «مجله و مادر» به وزارت تعلیم و تربیه ریاست کودکانها کارکنان آن و همه ی اهل مطبوعات صمیمانه شاد باش میگویم و آرزو داریم این مجله در شمار ه های بعدی خود بادرک شرایط ذهنی و عینی جامعه و خصوصیات فرهنگی واجتماعی واقضای که دارد با شناخت هر چه بیشتر عوامل نارسانی در میان خانواده ها و آنچه که سلامتی و پرورش طفل و مادر را لطمه میزند و با نشر مطالبی بیارمون «به بعد صحت» بهبود تمام حالات بدنی روانی واجتماعی «هر چه بیشتر روی هدف نشری خود اسوار باشند و در زمینه های آموزشی و پرورشی نشر ارزشمند خود را برای مادران و خانواده ها به ایفا گیرند.

# خوبد نان

خانمی برای مصاحبه این مرد را میبرد .  
 مردی جوانی که در آن وقت  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن



## عجب ندارد

در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن

در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن

# خوبد نان

خانمی برای مصاحبه این مرد را میبرد .

## دلیل قوی

در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن



## گویند و ازدواج

در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن

## داستان خوشو

در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن

## داستان خوشو

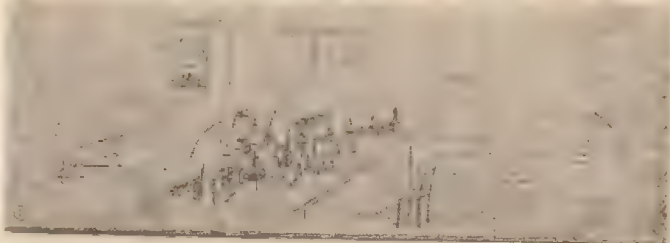
در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن



در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن  
 در آن زمان دوست داشت که در آن



بدون شرح



بدون شرح



از بالا به پایین بدون شرح



خانم اسمیت ، در لباس سیاه ، اشک ریزان وارد اسلحه فروشی شد و عهق کتان به اسلحه فروش گفت :  
 - اوه مستر ، دیدی چه بصرم آمده... شوهر بیچاره دیشب رفت وزیر موترشد و جا به جا هلاک شد .  
 اسلحه فروش حاج وواج گفت :  
 - بسیار مناسبم هستم ... تسلیت عرض می کنم ... ولی از دست من چه کاری برای شما ساخته اس ؟  
 - لطفا تفنگچه را که پریشب از تان خریدم پس بگیرین .

## گفت و شنوده‌ها

خانم - بنیم ... تو میدانی که شوهرم باسکرتو جدیدش سرو سری پیدا کرده است .  
 بیش خدمت منی خانم ... این غیر ممکن است .... شما برای اینکه من حسادت کنم ایسن حرف را میزنید !

• • •  
 مریض - آقای داکتر ...  
 این عملی جراحی بسیار خطرناک است :  
 داکتر - منی جانم ... مگر باسجید افغانی  
 میوان عمل جراحی خطرناک را انجام داد ...

• • •  
 بچه اولی - در اینصورت بدنیا آمده ای...  
 برای تو قصه بگویند ؟  
 بچه دومی - بلی بسیار دوست دارم .  
 بچه اولی - در اینصورت بدین آمده ای ...

بدون شرح



## استخدام

رئیس موسسه پس از آنکه معرفی نامه ها واوراق واستناد مردی که برای استخدام به آنجا مراجعه کرده بود دید سری تکان داد و گفت :  
 - بسیار خوب - شما از هر جهت برای کاری که مادر نظر داریم مناسب هستید - ولی من نمی توانم شما را استخدام کنم .  
 چرا آقای رئیس برای چه ؟  
 - برای اینکه شما ازدواج نکرده اید .  
 مستخدم من ازدواج نکرده ام ؟  
 - بلی جانم . چون من کارمندی که به اطاعت کردن عادت کرده باشد ضرورت دارم .

## عشق زود گذر

پس فیضی هفده ساله وارد معاينه خانه داکتر شد و گفت :  
 داکتر جان نچانم بيشن چی شد ؟  
 دخترک مریه کتان گفت :  
 داکتر من عاشق پدرم شدم ولی او متاسفانه قبلا ازدواج کرده .

## در صنف

معلم : فصل دختم را برای تان می گویم گوش کنید :  
 معلم به شاگرد ان تشریح کرد .  
 یکی از شاگردان حواسش جای دیگربود و به حرف معلم گوش نمی کرد .  
 معلم : حسن از اینکه گفتم چه فهمیدی ؟  
 حسن : فهمیدم همه رفتند ، فقط من وشماماندم !





# سرگرمی هاد مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کسبار

## جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱- دشمن خطرناک زحمتکش جهان - براعظم است - ارمیان تپی - مرکز یکی از ولایات کشورما - واحد پول خارجی - ۴- اله انتشار اخبار - گشتی بان - از آنطرف از شعری مقدم کشور ما - فوت نشده زهره - بر سر دو شده یک حرف در دو خانه - ۳- سرش را قطع سازید ناماه کوچک شود - مرکز یکی از ممالک اروپایی از آنطرف نوعی از سنگها است - از حروف مفاره انتخاب کنید - ناقل آب - نصف حیرت - محبت خودش - نصف کنند - ۴- ضد خیر - جدید - منظم آن اهدا است - ضمیر اشاره - از آنطرف دو پانزده - منظم آن در هاست - تکرار آب مقدس است - ۵- حالا به پشتو دوژ اول آن بنام کارگر تجلیل میشود ماتم داد - خلال پراکنده - نشر نشده - نوعی از گوسفندان خان دهند وستان شروع اعداد - ۶- مکتوب - نوونا تمام - منسوب به یمن است - سال - از کتابهای مقدس - یک حرف و دو خانه - ۷- رهنمایی به جوجان منسوب است - در ودیف اول افقی قرار دارد - رفیق سوزن - از کشور های امر -

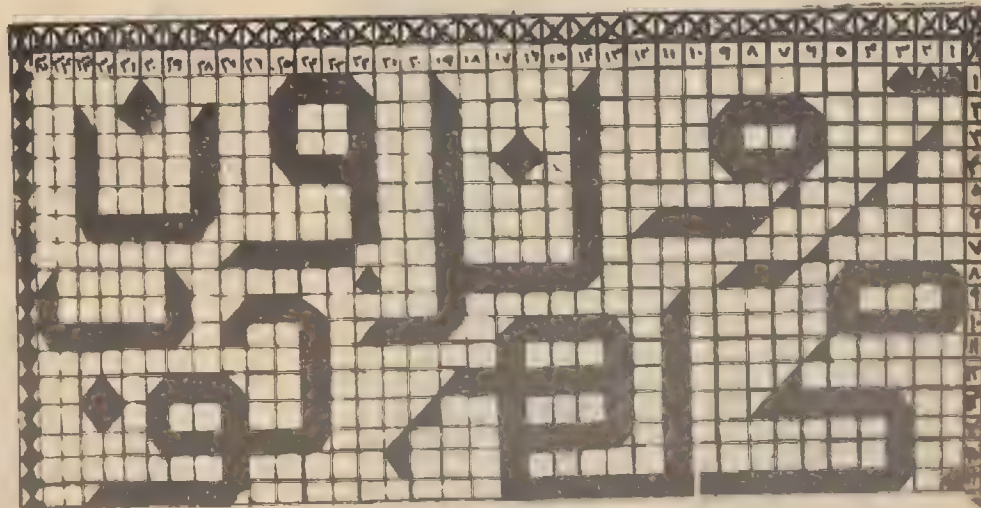
عمودی :

۸- آکاسپ به پستو - از شهر های شوروی - از مراکز افریقائی - ۹- آثار تاریخی کشور ما از خواننده گان ایرانی - دو ستاره سینمای هند - یکی از انواع کریم ها - سرزمین فلاسفه - ۱۰- بین دو خانه - جسم کوتاه - ۱۱- نصف اسم نویسنده کتاب هادر - ودیف تیز است - سر حد بین کشور ما و اتحاد شوروی - از ممالک اروپائی - از فزیکدانان مشهور جهان - ۱۲- نویسنده کتاب اعترافات - در مکتب خوانده میشود - در گوشت میباشد - خود ما از حروف آهنگر انتخاب کنید - ۱۳- یک حرف و دو خانه - تیز نامکمل - بین غزنی و زابل - تیل به زبان عوام - نداف سر بریده وقت آن گذشت - مرکز اروپائی - خوک بی سر - ۱۴- بابک حرف ولد می شود - از آن طرف محل کارسگرتر - را گویند - پوش درختان شکر مکوس - با تغییر حرف چهارم براتی میشود - ۱۵- اسم بی آغاز از آنطرف یکی از وزارتخانه های کشورما - از ولسوالی های بدخشان - دست به پستو - قصر - از کشور هایی شرقی - ۱۶- دو ولایت از کشورما - رفیق شبان -

این شخص کیست؟



مابو گرافی یکی از شخصیت های جفا نرا برای شما شرح میدهم بعد از خواندن بیوگرافی و مشاهده فوتویش اسم او را برای ما بنویسید: مردی که شهره عام و خاص است و شما خواننده گان عزیز نیز حتما با نام او آشنایی دارید زیرا همه ساله جایزه بزرگی را به مختصر عین و مکتشفین و همینطور به داکتران به بهتر ین نویسندگان و یایه اشخاصی که در راه صلح در جهان گام نهاده اند تعلق میگردد . او در سال ۱۸۳۳ در کشور سوید متولد گردیده او هوش و لیاقت را از پدر خود امانوئیل که بوظیفه مهندسی تعمیرات مشغول بود آموخت . مدت کمی به مکتب رفت و تحصیلات کلاسیک را ادامه داد اما تاسن شانزده سالگی بطور خصوصی به تحصیل علم مشغول بود و در سن بیست و یک سالگی بدوین اینکه کدام شهادتنامه به دست بیاورد در رشته کیمیا لیاقت خود را نشان داد و هم با لسانهای فرانسوی - انگلیسی - آلمانی و روسی تسلط داشت . با آنکه علاقه او به ادبیات بود اما بیشتر توجه خود را صرف تحقیق در باره مواد منفجره (نیتر و گلسیرین) گرد تا آنکه موفق به اختراع دینامیت گردید چندی بعد یعنی دو سال (۱۸۷۵) «ژلاتین منفجره» را اختراع کرد که لذت انفجار آن از دینامیت بیشتر بود . سیزده



طرح از خالده عالمی صنف نهم و سیده عالمی صنف هشتم کیسه جهان ملکه ولایت غزنی .



مال بدو و موفقی به اخراج (بالینیت) شد اولین باروت بیود نبرو گلسرین می باشد سال ۱۸۹۶ دیده از جهان فروست ولی سال قبل از مرگش وصیت نامه مشهور خود را که از بزرگترین وصیت نامه های تاریخی می باشد برداو در وصیت نامه اش تاکید کرد که بیست و یک میلیون کرون نوونش را به صورت آورده و آنرا بعنوان سرمایه بکار برند برای آن برای انحصاریک منشایزد کترین رای بشر بوده اند جوازی نیه گردد . که وی مایل بود در آنجا مهرک پشرفت عبارت از یک کلمه یا بولوی و یا بایب وصلح . در وصیت نامه خاطر نشان کرده که این سرمایه ترین افراد هر کس . و د و اهر توزیع آن به سه موسسه و یک کمیته مخصوص منتخب پارلمان می و انکار گردید این زندگی مردی بود که در زمان حیات خویش کلیه ویش را صرف ساختن و دست آوردن مواد منفجره کرد در حالی که پس از این کار فقط و فقط این بود که ازین مواد برای خورد کردن سنگها و کوه ها و راه پاشن بدخل آنها واستخراج معادن و کارهای ساختمانی استفاده نمود . او هیچگاه نمیدانست که اختراعات او روزی برای ازین بردن بشر نیز بکار می افتد و از جمله مهم ترین و سیله حرب بشمار میرود . حالا اسم او را برای ما بنویسید

## یک تست بسیار جالب برای زنان و نامزدها

این رامیدانیم که هر زن آرزو دارد که عشق و علاقه او و شوهرش عشق دایمی جاودا نه باشد و همیشه کانون زندگی مشترک شان را گرم و نابدار نگهدارد برای آنکه کل عشق همیشه ساداب و روح نواز باشد لازم است همراه احساسات ظریف زنانه از خردمندی و عقل بهره ور بود و به کمک زیر کی ازجانبها و موفقیات های خوب برای حفظ عشق استفاده نمود . درین مورد مهم اینست که تعادل میان پیروی از احساسات و منطق را در زندگی خود حفظ کنید شباهه تست ماجواب بگوئید تا بگوئیم که تاجه حد زیرک و دانا در زندگی زنا شوئی خود هیند . ما یک سوال می نهانیم به آن سه جواب داده شده است شما هم یک جواب را انتخاب کنید ۱۰ این هم سوالات:

۱- تصور میکنید کدام اشخاص از دیدن شکل (۱) لذت می برند ؟  
الف : مردان احساساتی مهربان و آرام  
ب: مردانی که همیشه خود را خشن و سرسخت نشان میدهند تا نقاط ضعف خود را بهتر پنهان کنند .

ج: همه مردها بطور کلی  
۲- به نظر شما علت آنکه مردها خیانتکار



شکل (۱)

۳- به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی نشان سرخ میشوند و به اصطلاح خجلت میکنند ؟  
الف : چون دروغ میگویند و خودشان از دروغ خود خجالت میکشند .  
ب: چون میترسند کمی به اسرار شان فحش میدهد .  
ج: در وقت بیکاری از خانه خارج نشود و دایم پیش تلویزیون بنشیند و در عین حال او آرزو دارد همسرش چپور است به او خدمت کند بدون آنکه متوجه باشد که همسرش از او توهانی دارد .  
د: به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی نشان سرخ میشوند و به اصطلاح خجلت میکنند ؟

۴- به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی نشان سرخ میشوند و به اصطلاح خجلت میکنند ؟  
الف : چون دروغ میگویند و خودشان از دروغ خود خجالت میکشند .  
ب: چون میترسند کمی به اسرار شان فحش میدهد .  
ج: در وقت بیکاری از خانه خارج نشود و دایم پیش تلویزیون بنشیند و در عین حال او آرزو دارد همسرش چپور است به او خدمت کند بدون آنکه متوجه باشد که همسرش از او توهانی دارد .

۵- به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی نشان سرخ میشوند و به اصطلاح خجلت میکنند ؟  
الف : چون دروغ میگویند و خودشان از دروغ خود خجالت میکشند .  
ب: چون میترسند کمی به اسرار شان فحش میدهد .  
ج: در وقت بیکاری از خانه خارج نشود و دایم پیش تلویزیون بنشیند و در عین حال او آرزو دارد همسرش چپور است به او خدمت کند بدون آنکه متوجه باشد که همسرش از او توهانی دارد .



شکل (۲)

شکل (۳)

۶- در شکل (دوم) سه مدال طلا را که در مدرن ساخته شده میخواهید به مناسبت روز تولد ویا عروسی خود یا زنجیر طلانی در گردن شوهر خود به اندازید کدام یک را انتخاب میکنید:  
الف : پ یا ج را ؟

۷- در شکل (۳) سه شکل هندسی را مشاهده میکنید که هر کدام سمبول یک رمز است فرض میکنیم که شروع اسم شما (ظ) و اسم شوهرتان (ب) باشد کدام علامت را انتخاب میکنید که علامت روز نامزدی تان باشد . الف ، ب و یا ج را ؟

۸- شما و شوهرتان به اتفاق یک زن و شوهر دیگر از دوستان و یا همکاران او که آنها را تا بحال ندیده اید و نمی شناسید به مناسبتی به یک مهمانی دعوت میشود مجلسی رقص و یا کوبی آغاز میگردد مردها جمع میشوند و همسران خود را یکی فراموش میکنند مانند شکل (۴) در آن شرایط چه عکس العمل از خود نشان بدهید ؟  
الف: مهمانی را ترک و خانه میروید .  
ب: نزد مردها میروید و به آنها سر گرم میشوید .  
ج: کوشش میکنید تا با زنان دیگر سر گرم شوید .  
۹- فرض کنید در شرایطی قرار میگیرید که

۱۰- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۱- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۲- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۳- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۴- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۵- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۶- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .

۱۷- شما و شوهرتان از سه نامیخواه مانند یک خان از او یک برایی کنید و همیشه خدمتگارس باشند مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست ؟  
الف : این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید .  
ب: اگر شوهر شما هم مقابل عمل کند باقی ندادد زیرا خدمت دو جایبه است .



شکل (۴)

ج: از خدمت کردن به شوهرتان لذت فراوانی میبرید و در مقابل هم توقع از او ندارید  
جوابات تادو هفت به آدرس مجله ژوندون بابک قطعه فوتوی خویش برای ما ارسال دارید . و هم تا گفته اماند که این تست تنها برای زنان و دختران نباید میباشد .

## حل کنندگان

حل کنندگان جداول و مسایل شماره های قبلی ژوندون عبارت انداز: حمیده، محمود، شمیره ، ولی الحمید ، عطاء الله ، روح الامین، گل احمدیویل و غیره که از جمله فقط فوتوی گل احمدیویل برای ما رسید که در این صفحه چاپ نمودیم .



گل احمد (دوبل)

۶۰۷ هـ. ق. المان نازی و متحدین آنرا قسماً از بین برد و هم‌اکنون اسیر گرفت نیروهای بریتانیا و آمریکا یکصد و هشتاد و شش نفره دشمن را در عملیات جنگی در افریقا و اروپا با ختم جنگ شکست دادند.

پیروزی جنگی اتحاد شوروی نیرومند و توانایی سیستم حکومتی اجتماعی-سیاسی و سیاسی است. این نظامی که در سال ۱۹۱۷ دولت شوروی یک دولت پر از نوین است به‌دلیل اجتماعی آن را اتحاد ناگهانی طبقه کارگر با دهقانین، منورین و استخفاف

ملکی تشکیل می‌دهد که البته در آن آن نقش طبقه کارگر عمده است. چنان و حدی در آن حکمران است که در کشور های سرمایه داری و انحصارات بورژوازی وجود ندارد. لیونید پرژنوف طی سخنرانی در یک گردهم آیی انتخابی در سوخو بولمن مسکو پناهیست و دو فیروزی ۱۹۸۰ در زمینه چنین گفت: «یکبار چرخه

کمی و وحدت جامعه سرمایه‌داری است. این نظریه سرمایه‌لایز را تشکیل می‌دهد که نیروی گرانبها و شکست ناپذیر ما است دشمنان ما بایستی در سپاه تاریخ را بیاد داشته باشند بگذار این دشمنان بدانند که وحدت خلق‌های شوروی مظهر توانایی خاص در هنگام تبدیل است.»

ایجاد سیستم مترقی و شرایط مطلوب برای پیشرفت قاطع جنبش آزادیبخش ملی و زوال سیستم استعماری امپریالیزم

یک روند مهم پیروزی شوروی و جنبش‌وسیع انقلابی آن در ختم جنگ و سالیان اول بعد از جنگ به شمار می‌آید. تحولات عمده که در صف بندی نیروهای جهان به قیام سرمایه‌لایزم پدید آمد و منجر به انحصار شیوه امپریالیزم گردید و دیگری امپریالیزم را مجال نخواهد داد تا سرکوشش ملل کوچک را به بازی بگیرد و مجبور است با نیروی روزافزون کشورهای سرمایه‌داری است خارج شود و وابستگی اترانسپورتا سبوتالستی شان برای صلح و ترقی کنایا بد.

با آنهم قوای ارتجاعی امپریالیستی نمی‌خواهد ما رشی عینی تاریخ را مدنظر بگیرد و تلاش دارد مسیر تاریخ را به تعبیر برگر داند امپریالیست‌های ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی نیست بدست هم داده بلاک نظامی نچاوگر را بوجود آورده اند که بیشتر متوجه شوروی و کشورهای دیگر بلاک سوسیالیستی است و اطراف این کشورها را با زنجیر صدها یگان نظامی و بحری حلقه کرده اند که با این عمل شان تهدید و تلاش

دارند ذخایر مرئی‌های ذروی را افزایش داده نیروی ضربه‌یوری را در تمام ابحار بکار انداخته و مرئی‌های بالستیک و مبدان های هوایی بحری را به منظور امتثال ایستارات مسلح‌ذروی اعمار نمایند.

در حالیکه مساعی همه مردم شوروی موجه حل پرابلم‌ها بوده و آنها مصروف ساختن جامعه نوین می‌باشند و همواره برای حفظ صلح و کاهش سابقه سلیحاتی در تلاش اند حزب کمونیست اتحاد شوروی نوعیت تجاوز گرانه امپریالیزم

رانیز مدنظر داد. تدارکات نظامی آنها را نا دیده نگرفته با تمام قوای خود می‌کوشد ظرفیت دفاعی خود و نیروی مسلح خود را افزایش بخشد.

بحر به شوروی قطعات جنگنده فوق‌العاده جدید در اختیار دارد که مشتمل است از تحت البحری‌ها کشتی‌های عاشری، قوای هوایی بحری، مرئی‌های ساحلی، قوای

## عشق به انسان

«هولکا» بسان سایر کودکان سوالاتی در مورد چگونگی ترکیب رنگهای آتش در مورد اینکه آتش چنان هم روشنائی و هم حرارت تولید می‌دارد ... در مخیله اش چنان می‌گرفت پسرک شاخه‌های خشکیده را به آتش می‌افکند، از سوختن آن خیلی محافظ می‌برد. انکار جهان‌واغیر از جهان دیگران بود. پسرک با تعجب می‌نگریست که بعضی افتیدن علف‌های خشکیده روی آتش موجب از آتش به بالا می‌رود و سپس این موج دوباره فروکش مینماید.

«پیوتر» و «تلیانیکیوف» دیگر مرزی میان خویش نمیدیدند، آندو مصروف خسورن شوربای ماهی گردیدند، و سخنان شانرا دنبال کردند، از هر طرف سخن زدند ... از غلبه بر فاشیزم و شکست ننگین نسلری مسا «تلیانیکیوف» از پیوتر پرسید: راستی تو در دوران جنگ با فاشیزم در کجا بودی؟

— در جبهه ... من مردسته قروپ کارگران بودم، من در جنگ نقش ارزنده داشتم.

— یقیناً غلبه بر دشمن و پیروزی با فاشیزم برای هر فردی که مایک اختراست، اختراعاتی که همه بدان می‌بالند حتی آیندگان. لختی مرد در دست تازه آشنا سکوت کردند. خاطرات گذشته و لذت لحظاتی پیروزی‌ها بکار دیگر در وجود پیوتر نهاده شد.

و پخانه، تسلیحات اچتری را بوی و آلات کنترل که کمپویری و الکتریکی اکنون به پخانه و وسیع در بحر به شوروی آژان استفاده می‌شود.

اتحاد شوروی بحر به جدیدی را بوجود آورده که البته به منظور تجاوز نبوده و مانند کشورهای امپریالیستی در ابحار و حرکت نیست بلکه به منظور حراست کشورهایها و کشورهای دیگر مقرر قسسی در حال آماده باش است ملاحیان شوروی می‌گویند که کشتی‌های جنگی شان به مقصد جنگ طلبی و تجاوز لوهیج بحرو بخیره نو حرکت نیست. بحر به شوروی کماکان منجبت عامل حفظ صلح در روی زمین و استحکام مناسبات اتحاد شوروی با مردم اکثر ملل و قاره‌ها فعالیت می‌کنند.

قوای مسلح شوروی هما‌نظور یک در حفظ امنیت سرزمین خود بیدار اند در عین زمان در حال آماده باش است تا هر تجاوز و حمله را از هر جایکه باشد عقب‌زنند و با اعتماد کامل امنیت شوروی و کلیه جامعه سوسیالیستی را تأمین کنند.

سکوت، سکوت تر گردید، از فرط این خلوت و سکوت، چیز آشوب ماهیان بحر و صدای پرندگان دریایی بوضوح شنیده میشد و دیگر هیچ صدایی نبود که این سکوت را مزاحم گردد.

آندو درین هنگام کویی به صلح و آرامش جار دانه می‌انداختند و می‌پالیدند، همه جا صلح و آرامش برقرار بود، در زمین و در آسمان ... بالاین سکوت هولکای کوچک هم سکوت کرد چون او هم صلح را دوست داشت، آری انسان‌های با عطفه و حساس همه صلح را دوست دارند ... و صلح و آرامش آورنده خوشبختی‌ها برای بشریت است. هوا تاریک و تاریک شده میرفت، شب

آزراه رسیده بود ... از دور متارکان در دل آسمان شفاق چشمک می‌زدند. پسرک حساس که همه چیز را از الفاظ موزون و نگاه‌های بر مفهوم یکا کاوا تازه آشنایش را درک کرده بود، زیر لب زمزمه سر داد:

— صلح، صلح ... چه کلمه خوشایند و مقبولی! بایستی انسان‌ها را دوست داشت بایست انسان‌های خوب، تأمین کننده صلح و آورنده خوشبختی و در فرجام همه موجودات نافع را دوست داشت.

و در نهایت برای هولکا یک چیز روشن شده بود، آن اینکه پیوتر نمی‌خواست از سنگدلی کار بگیرد، اگر او فقط بابا فریختن بانوت اکتفا میکرد، برای آیندو که آرزو داشت بخاطر مرگ‌های مصروفیت یک پدر

## مقصر از دو اوج...

تأمین احساس را در آنها بوجود آورد که شخصیت مطمئن و ثابت داشته باشند زیرا گاهی دید می‌شود که دختر و پسر خورد سال با بزرگترها دوست می‌شوند و در جمع با زنی صحبت آنها می‌پایزند مگر در میان همسالان خرد احساس بیگانگی و مایوسی به آنها دست میدهد که پدر و مادر باید این عقیده را در فرزند خود ازیستن بپسند و برایش بفهماند که با همسالان خود پیوند و هم به خاطر نشان بسازد که پدر و مادرش به او علاقه و دلچسپی دارند و حرفهایش را می‌شنوند و متوجه گردد و رفتارشان حسنه و باید همیشه کارهای نیک و موفقیاتشان را تحسین نمایند.

سه‌گانه‌های اتفاق می‌افتد که دختران و پسران نو جوان مردم می‌ایند بید آنها را قیلاً رهنما نمی‌نمود که در چنین مواقع بازیها و سرگرمی‌های دست بزنند که مناسب به اقتضای سنشان باشد.

آندو مقابل فرزندان والدین بگوشتند تا از تقلیدهای بیجا، لاف زدن و ساخته کارها حتی المقدور بیرهیزند.

و در آخر باید گفت که در انتخاب فیلم‌های سینما کتب قصه و زمان آنها را نیز رهنما می‌نمودند. زیرا اکثر فیلم‌های تئاتر و کتب غیر علمی برای بزرگسالان نمی‌باشد بلکه دیدن چنین فیلم‌ها و خواندن چنان کتاب‌ها جز اینکه جوانان را به بیراهه بکشاند سر مشق دیگری برایشان شده نمی‌تواند و آنها زندگی خود را مانند هیرو پاهیرود. نین فلم و کتاب عیار می‌سازند که باعث بدبختی خود، اندوه خانواده و تباهی جامعه می‌گردند.

خرده سال زندگی زنده جانی را که چوچه‌هایش منتظر بر گشتن بودند از او بگیرد وی این الهام را از بی عطوفتی و قس‌القلبی قاشیست های هتلری، عملاً گرفته بود ... او می‌خواست در هر کجایی از جهان بایستی صلح حکمفرما باشد.

دو مرد مذکور و آنکسی «هولکا» را بخاطر احساس نودوستی اش بوسیدند و قایم شادمانه بصوب منزل خویش برگردانده، رانند.

... هولکا در همچو لحظات خیلی هائیش وصی حال می‌نمود.



## توای دریا

توای آمو !  
توای جوشنده بهر خلق زحمتکش  
توای غر نه . دستاخیز توفانی  
توای سوزنده غم ها  
توای منزل شوریده قرنیا  
توای آرام گسسته روح نشاط ما  
ترا دانند مرز خوشدلی های زمان ما  
ترا گویند رمز یکدلی اندر میان ما  
که از هر قطره اشکت  
خروشد مهر انسانی  
و ، روئید نغمه همکاری  
میان خلق ما و مبدشورا ها  
صدای دوستی تو ،  
رود تا کپشان ، تاشتری ، ناخانه انوار  
اگر در مطبخ آرامی  
ولی در عمق پراز موج ها  
پتو مینازم ای گنج گهر خیز زلال ما  
پتو میگویم ای آمو !  
پتو میبالم ای دریا .

## چه کردند؟...

خفا شانیکه خون خلق خوردند  
بجزاز نام زشت باخود چه بودند؟  
سپه روی و ذلیل و سرنگون باد  
جلا دانیکه مردم را فسرده اند  
مزاران لعنت و نفرین برایشان  
که دست بادشمن میهن فشردند  
جسان بیرو جوان بیگناه را  
بخاک تیره باهره ان سپردند  
عدالت را یکی پامال کردند  
وزالت را سر و خدمت شمردند  
«شفق» را خون دل کردند باخون  
شپیدا نیکه بر ناحق بمردند  
شعراز : میر حبیب الله «شفق»

# برگزیده‌هایی از

## میان نوشته‌های شما

از محمدا ناصر دهنیپ

### سیر بهاران

از سازمان صیبه و گل جوش خرمی  
بالد به کوهسار یوسف دیار بزم  
وایسته غنلهای طبیعت ز خشم لب  
سرمشمار و شاه خوار !  
در منتهای بهار !

• • •

رخشنده اختران فلکناز شامگاه  
در هر کنار پهنای آبی و نیمرنگ  
با جست و خیز صحنه‌ی زمین آفتاب  
خیزد فرا سحاب !  
با طرفه آب و تاب !

• • •

لفظ زمان صفای شگوفای سیمگون  
در پیشگاه حسن دلای لاله زار

بر رسم از صفای بهاران کند نقار  
در پای آفتاب !  
با طوق و افتخار !

• • •

وین ابر های تندو گبرریزو فیض بخش  
از جلوه های عشق و نشاط حیات ساز  
مارا برمز کارو عمل سازد آشنا  
ارژنده سهم کار !  
به عمران این دیار !

• • •

مسرور باش زمره دهقان و نجبر  
هستی روان تو بزرگ شادان بموی کار  
سامان بتو کار تشاید نبی زکف  
بمستن کتون کمر !  
به محصول بیشتر !

از غفار «عرف»

### رنج شب

شبی بود سرد و خاموش ...  
سوا با خوف و وحشت !  
به هنگام نیمه شب  
از زرقنای خیره گری های دلگیر ،  
از اعماق ظلمت و سکوت ،  
قاتلان تنگ دایر غدارانه وی صدا !  
بر فا میل بی گنا هرشب خون زده ...  
فریاد جانموز تن غمگینارمادری پیچید  
ناله شب گیر قلب محزون خواهری سوخت ،  
توفان اشک چشم کودکی بوسید ،  
و در میان دهشت و خضولت !  
جوان نیرومندی را :

از بستر گرم خواب

از آغوش بر مهر مادر مستعدیده ای  
از خر من محبت خواهر غریزی  
از الفت معصومه کودکی  
قربانی درازی شب سیاه کردند !  
چو آن لب به اعتراض نگشود ...  
مرگ شرافتمندانه ، افتخار جاوید تصیب شد .

قلعه جدید - زندان دهگلان

صفحه ۹۱

# از آفرینندگی و خلاقیت تا دنبال

## روی و بی هدفی ♦ ♦ ♦

• چرا نتوانستیم در سینمای ملی خود تیپ آفرینی داشته باشیم.

• • •

• سینمای مافاکد حتی یک نفر سناریست و فیلمنامه نویس حرفه‌ای است.

• • •

• چرا سینماگران ما دنبال درویش‌های ارانه تجار تی سینمای

هند و ایران هستند ؟

• • •

• وسایل فنی سینمایی افغانستان برای تهیه فیلمهای هنری بدر درو -

دیوسهای کوتاه مدت خبری میخورد.

• • •

اما در سینمای معاصر این دایر کتر است

که می‌سازد بیشتر کارگردانان امروز چهره

های مورد نظر خود را از کوچه و بازار انتخاب

می‌کنند و با تشخیص خصوصیت های آنها تیپ

مود نظر خود را به وسیله شان می‌پروراند

با این طرز تفکر مساله کمبود بازیکن حرفه

وی خود بخود رد می‌گردد ؟

شبیوه که تواز آن یاد کردی مورد علاقه

فراوان خودم هم هست ، اما دایر کتری که

چهره مورد نیاز خود را با توجه به خصوصیت

های تیپ که می‌خواهد ارائه دهد ازمیان مردم

برمی‌گزیند برای هر يك از لحظات فلم خود

هم مدت کار می‌کند و برای ثبت آن «تک» های

فراوان می‌گیرد تا یکی را از آن میان برگزیند

و این کار هم پول فراوان می‌خواهد و هم امکانات

فنی مساعد که آنها نداریم - مثل که خیلی

چیزهای دیگر را که نیاز داریم ، نداریم

ما تا کنون فاقد يك سناریست خوب و فیلمنامه

نویس خوب هستیم و سایل کالی ادیت «پیوند»

نداریم - استودیو های مجهز نداریم و ساحه این

این نداریم ها آنقدر وسیع است که مجال ارائه

بسته خود را در بین واقعیت های حاکم بر زندگی

اجتماعی خود نگه دارد سازسوی دیگر این گونه

برداشت ها جلوه گیر خلاقیت ها و آفرینش های

هنری میشود که شما پیشتر از آن یاد کردید ،

چرا چنین می‌کنید ، چه احتیاجی دارید که

روگردان ابتذال های سینمای دیگران را به خود

مردم خود دهید ؟

در این زمینه من هم نظر شما نمی‌باشم -

مادر پرداخت های سینمایی خود الهام گرفته ایم

اما کابی تکرده ایم - بهترین مشاهد این ادعا

در این زمینه نو شته «لایل پیرسون» منتقد

شناخته شده جهانی از نشریه های پرتیراژ

خارجی است که می‌نگارد ، «سینمای نوپسای

افغانستان کمتر اکتفا به کابی گرایی میکند.

با آن هم من تاکید میکنم که ممکن است

آقای لایل پیرسون فرصت نیافته باشد که به

صوت مقایسوی مروری بر فلم های افغانی

و هندی و ایرانی بکند و متوجه برداشت های

شان از همدیگر گردد و گرنه حداقل بعد از دیدن

چند فلم افغانی به سهولت متوجه می‌گردید که

چگونه زمینه سازی ها ، حادثه پروری ها ،

قهرمان آفرینی ها و حتی تیپ سازی ها در این

فلم ها و جوهر اشتراکی با فلم های هندی و ایرانی

دارد ؟

ممکن است مقداری وجوه اشتراکی در این

فلم ها موجود باشد - اما من بهر صورت کابی

گری را کاری درست نمی‌دانم .

- صرف نظر از دفاعیه ای که شما به خاطر

شرایط تا بسامان درگیر با سینمای تولیدی

ما به بیان آوردید - فلم های هنری ما معایب

دیگری هم دارد که به جای نارسای های فنی

از بی توجهی و شناخت نداشتن در کار تکمیل فلم

مایه می‌گیرند از این گونه بی مبالائی ها چگونه

دفاع می‌کنید ؟

مراصم- تود رواقع مرا به محاکمه هنری

کشانده ای - خوب مشخص تر انتقادات را مطرح

ساز که بینم چه جوابی به آن دارم .

- به عنوان مثال در صحنه ی از فلم

«غلام عشق» که گناه کار گردانی آن هم برگرد

خودت است هیرو و هیروین فلم را می بینیم

که در کنار چوی بزرگنویا رودی که درسرازی

پوری جریان دارد مشغول صحبت هستند آنها

دیا لوک ها چنان در گوش هم فریاد می‌زنند

انگار در کنار آبشار نیا گارا قرار دارند

حالی که جریان آب آهسته است . و صدای آن

هیچ مزا حتمی را در کلت وگوی آنها ایجاد

نمی‌تواند این یکی در مورد صدا برداری - نمون

دیگر را از همین فلم در زمینه ادیت «پیوند»

ذکر میکنم غلام که با صحنه کشته شدن مادرش

مواجه گردید ، با عجله نزد پدرش در زمین های

زراعتی میرود و او را از جریان می‌آگاهاند بعد از

این شات هیچ شات دیگری وجود ندارد که خاطر

بافلش بك برای پدر تداعی گردد و تشاخی

در جریان اندیشه او در شناسایی قاتل

قرار داده نشود - دیا لوک هم کمکی نمی‌کند

در حالیکه بلا فاصله پدر غلام را زیر چوب

اوباب یعنی قاتل مادر غلام می‌بینیم که برای

افشاء نشدن موضوع وی را نیز در زیر چوب

قتل میرساند - با این شات های سنگین بینیم

چطور بفهمد که پدر غلام با خاطره های گذشته

است قاتل را شناخته ، نژاد او رفته و بالاخره

نیز همین موضوع انگیزه قتل وی شده است.

- این معایب قابل دفاع نیست ، اما گناه

آنها باید باز هم به کمبود وسایل فنی حواله

کنید - ما تا کنون وسایل صدا برداری مجهز

برای فلم های هنری نداریم و آنچه در افغان

فلم داریم به شمول وسایل دیگر مانند وسایل

ادیت و لابراتوار همه برای فلم های کوتاه مدت

میباشد، این است که گاهی دو صد بار برداری

فلم ها نواقص از نوعی که شما یاد کردید دیده

میشود و در موضوع نارسایی های ادیت فکر

پولی ما را در نظر بگیرید ما از وسایل افغان

فلم به صورت گرای استفاده می‌کنیم و هر -

لحظه کارما مجموع پرداخت ما را بلند میبرد

و چون پول کافی نداریم با شناخت نداشتن

می‌کنیم تا صورت مصرف خود را بلند نبرده

ببینیم - این عجله موجب می‌گردد که نتوانیم

دقت کافی در پیوند فلم و سایل لابراتواری

داشته باشیم هر چند چنین اشتبا ها تی کم

اتفاق می افتد که شما هم مرض انتقاد دارید که

فقط انگشت روی نارسای ها می‌گذارد و بس .

سازانه تصاویر در حالت کلوز اپ «درشت نما»

در تاکید سینما مروری خصوصیات عاطفی





از سوی دیگر مساله رقابت کشور های  
تولید کننده فرا آورده های سینمایی در سطح  
جهانی مطرح است ، کشوری که فلم تهیه  
میکند ناگزیر است برای آن بازار یابی کند  
و وقتی بازاری را برای فروش بلد است آورد  
آنها آسان از دست ندهد . اکنون سال هاست  
که کشور ما بازاری فروش فلم های تجمیلاتی  
هند و ایران و فلم های دیگر در همین ردیف

است و تولید کنندگان همین فلم ها هستند که  
با تمام قوا میگویند از بیای استاده شدن سینمای  
افغانستان چلو گیری کنند آنها برای ناکام  
ساختن فعالیت های تولیدی در کشور ماشیه  
های زیادی را به کار می بندند قیمت مواد خام  
را بلند میکنند ، در باره فلم های تولید شده  
در افغانستان تبلیغات سوء و جارو چنچال بیا  
می کنند که تماشاچی را از دیدن فلم منحرف  
سازند - ماشین کارهای سینما را می خردند  
و ادار شان می سازند که خط سوند فلم را سوزن  
کاری کنند ، برای تسکین فروششان  
پول میدهند تا به تماشاچی خریدار تکت بگویند  
که :

-برادر چرا پولت را حرام میکنی ؟ و از  
دیدن فلم منحرفش سازند و خیلی کارهای  
دیگر از این قبیل

به همین دلایل است فلم های تولید شده در  
کشور ها هیچ يك حتی فروشی که بتوانند  
جوابگوی مصرف خود باشند نداشته اند -  
پس در این صورت چگونه توانستید به  
فعالیت های تولیدی خود دوام دهید ؟  
- تعدادی از دوستانان سینما با سر مسایه  
مرداری های بسیار کوچک و بزرگ میگویند  
سینمای ما را بیا ایستاده داون بدو فلیم  
که تولید میگرد پیش از پانزده نفر و گاه بیشتر  
از بیست هزار افغانی تا یکصد هزار افغانی  
سرمایه میگذارند - مبادی هم از قرضه های  
بانکی استفاده میگرد اما نتیجه صفر است  
همین اکنون تهیه کنندگان فلم های هنری ما را  
کلو در قرضه غرق هستند و باز هم به کار خود  
دوام میدهند .

از نظر شما این تاراسی ها و ناپسانه های  
اقتصادی چگونه حل میگردد ، دولت چه  
کام های برای جلوگیری از دزدی و تقلب  
فعالیت های سینمای ما میتواند ؟  
- کار های زیادی هست که اگر به انجام  
آید میتواند پایه های نگهدارنده سینمای  
تولیدی ما تلقی گردد .  
به نظر من نقضت باید مشکل کمبود وسایل

برای جلب بیننده بد آموزشده ، باید سگس  
داشته باشیم ، فرهنگی داشته باشیم رقص و  
آواز فراوان داشته باشیم - زو خورد های  
هیچانی داشته باشیم - داشته باشیم گه  
جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما  
گربار سالت غیر ممکن است .

نقش باید قوی و آزموده باشد سدر نقش خود  
و در تمام لحظات بازی اش حاکمیت داشته باشد  
تا بتواند تأثیراتی را در ما بگذارد و در حقیقت  
دهد - من غالباً در صورتی از دادن نماهای  
درست تصویری چهره دوری گزیده ام که موفق  
نشدم حالت هارا در چهره باز یکنان نقش ها  
ایجاد کنم و اکنون هم از همین مشی پیروی  
میکم خواه مرادوست کلو زاپ بخوانید و یا  
دشمن آن .

سپه اجازه شما کمی هم روی مسایل پولی  
و تجارتی تولیدات سینمایی صحبت کنیم ؟  
- بفرمایید !

- حاضر پدر این زمینه بدون حاشیه دوی  
و یا صداقت صحبت کنید ؟  
- مگر تاکنون صداقت کلام نداشته ام ؟

منظورم این نیست عواردی هست که جزء  
اسرار به شمار میاید شما هم اگر از من  
پرسید تیراز ژوندون چندر است ممکن است  
بگویم بیست هزار در حالیکه رقم واقعی تیراز  
احتمالاً ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکر شده  
باشد .

روایتی تیراز ژوندون چندر است ؟  
- بعدش را نمیگویم ، اما با صداقت میگویم  
که تیراز تیرین خجله کشور هاست -  
خوب - سوالت را طرح کن میگویم پاسخ بدهم  
خود جوابت را بدهم !  
- فلم های که تاکنون پرو دیوس کرده ای  
نقش عاید چطور بوده است ؟  
- بسیار ناچیز ، تاحدی که حتی موفق نشدم  
مصرف فلم را نیز عاید کنم ؟  
- چرا ؟

- فلم های تجارتی تو تولید شده از کشور  
های هند و ایران که پر مشتری ترین فلم ها  
در کشور ما میباشند - تماشاچی سینمای ما را بد  
آموز ساخته اند به گونه ای که اگر فلمی فاقد  
خصوصیت های این گونه فلم ها باشد فروش  
کافی ندارد و بعد از چند نمایش سالون های  
سینما خالی میماند .

برای جلب بیننده بد آموزشده ، باید سگس  
داشته باشیم ، فرهنگی داشته باشیم رقص و  
آواز فراوان داشته باشیم - زو خورد های  
هیچانی داشته باشیم - داشته باشیم گه  
جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما  
گربار سالت غیر ممکن است .

بالاتر از کتر ها و شناساندن آن به بیننده  
نقش بزرگ دارد ساز این دو کارگردان هادر  
فلم عواردی که ایجاد میکند تا اثرات نامدوم  
و یا تا شاد دلیقی تر تصویر آنها در حالت  
کلو زاپ قالب می کنند ، اما شما در فلم های  
ساخته خود بیشتر به لاتکشتات تصویر آذوره  
و مدیم شات و تصویر های نه درست نموده  
خیلی از دور ، تمایل دارید تا جای که بعضی شما  
را دشمن کلو زاپ میگویند ، چرا چنین ردلیل  
عدم رغبت شما به نما های درست تصویری  
چيست ؟

- من انتقاد شما را کاملاً قبول دارم - تصاویر  
در حالت کلو زاپ خصوصیت این را دارند  
که بیننده را در جریان تمام نکات ریز يك نمی  
قرار دهند و همین دو وقتی چهره ی در حالت  
کلو زاپ تصویر بندی میگردد ، بازدهی عواطف  
و نمایانند عمق احساس گرتر سینمای آسان  
میگردد و انتقال مفاهیم ساده صورتی میگیرد  
اما این تصاویر باید همراه با تمام خصوصیات  
مورد نیاز ما هم چهره باشند نگاه و حالت باید  
قدرت بازدهی تأثیرات را داشته باشد و گرنه  
يك چهره فاقد حالت هیجان را نمیتواند باز  
مؤکنته برای ارائه تصاویر دوشنت باز یگر

انی دفع مردم و افغان فلم از امکانات بیشتر  
برای تهیه های هنری سینمایی برخوردار شود ،  
قرصه های بانکی برای سینماگران باید افزایش  
داده شود و تکت پولی آن به منفسور شود  
اکتشاف سینما تقلیل یابد ، مواد خام تولید  
شده یا کلاً از محصول معاف گردد و یا لا اقل  
تخفیفی برای آن در نظر گرفته شود .  
فیصدی سینما پانین آورده شود و برای  
فروش فلم های تولید شده در کشور های  
خارجی بازار یابی شود .  
و کارهای دیگری در همین ردیف که تاکنون به  
هیچ وجه عملی نشده است .  
- آقای شفق شما در جای از صحبت خود از

برابر بودن تهیه کنندگان فلم های هنری با  
مشکل باز یکن های زن بودید ، من فکر  
میکم سینمای تولیدی ما به دلایل گوناگونی  
که بی تو چپی در انتخاب بعضی چهره هارا  
میتوان در شمار آن یاد کرد به پیمان و سبع  
بدنام شده و اکنون کمتر خانواده بی به خود  
اجازه میدهند به اعضای فامیلی اجازه شرکت  
در یک فلم هنری بدهند ، برای دفع ایسمن  
دشواری نقضت باید سینما از چهره های  
نامطلوب از دیدگاههای اخلاقی پاکسازی گردد

تاضیعا سالم آن بتواند موجب جلب اعتماد  
خانواده ها گردد ، شما در این مورد چگونه فکر  
می کنید و این قرقر تلقی را چندر وارد میدانید ؟  
- حرف های شما را قبول دارم ، اما فراموشی  
نکنید که دست اندر کار های اولی سینمای  
تولیدی ما هم به خاطر برابر بودن با چنین  
تصمیماتی بوده است که مجبور شده اند هر  
مقاضی زن را برای ایفای نقش های فلم های  
خود بپذیرند - - - در مورد شفق فلم میگویم و  
اصرار میورم که با تمام امکانات خود گوشیده  
ایم از استخدام هر فردی که در میان مردم به  
تجوی بدنام باشد جلوگیری کنیم و این مشی را  
برای همیشه نیز دنبال می کنم .

- اجازه بدیدم صحبت امروز را در همین  
جایبان دهم تا فلم «جانیکاران» شما به آکران  
آید ، آنرا به نقد آوریم و احیاناً باشما نیز  
صحبت دیگری به صورت اقتصادی دوباره این  
فلم داشته باشیم فعلاً با تقدیم سپاس از جانب  
ژوندون الله یار میگویم و به امید دیدار .

ژوندون الله یار میگویم و به امید دیدار .













شماره ۳ جزا ۱۳۵۹

۲۴ می ۱۳۸۰

شماره نهم

سال سی و دوم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی